پرولترهای جهان متحد شوید!

دنیا

۱۲

اسفند ۱۳۵۷

در این شماره :

■ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران (۲)
■ گزارش هیئت اجرائیه به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران (٤)
■ پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران : همه با هم در جبهه متحد خلق برای
بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک بسود زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه (۲٤)
■ پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم مبارز و قهرمان ایران (۳۱)
■ پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست
جمهوری سوسیالیستی ویتنام (۳٤)
■ حزب توده ایران فعالیت علنی خود را از سر میگیرد (اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران) (۳٦)
■ ایران در آغاز مرحله نوین (۳۹)
■ پیروز باد پیکار پرشور زنان ایران در راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی (٤٥)
■ نقش دانشجویان و ویژگی های جنبش دانشجویی ایران در انقلاب بزرگ خلق ما (٥۰)
■ یادمانی بنام شهیدان (٦۰)

نشریهٔ سیاسی وتئوریك کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

سال پنجم (دوره سوم)

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دربارهٔ شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

شانزدهمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران اخیرا برگزارشد وباموفقیت کامل بکارهای خود پایان داد . یکرشته‌مسائل عمده سیاسی وسازمانی ، که برای فعالیت حزب درسرآغاز مرحله دوم انقلاب پیروزمند ملی ودموکراتیک خلق دارای اهمیت درجه اول است ، دردستورکار پلنوم قرارداشت . عمده‌ترین‌آنها بقرارزیرین است :

۱ ــ گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به شانزدهمین پلنوم توسط رفیق کیانوری دبیراول کمیته مرکزی ،

۲ ــ پیشنهادهای پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران به‌همه‌نیروهای‌ملی ومترقی درباره تحول بنیادی جامعه‌ما وضرورت ایجاد جبهه‌متحد خلق ،

۳ ــ اتخاذ یکرشته‌تصمیم درجهت تکمیل رهبری حزب .

پلنوم شانزدهم کمیته‌مرکزی ، باتایید گزارش هیئت اجرائیه ، گام‌مهمی درراه روشن ساختن مواضع سیاسی وخط مشی ووظائف مبرم‌حزب درشرایط بغرنج کنونی حیات اجتماعی وسیاسی ایران برداشت . گزارش مورد تصویب پلنوم ، دربخش مربوط بوضع جهان ، موضعگیری حزب ماراد ریکرشته مسائل عمده بین المللی مشخص میسازد . دربخش‌عمده‌گزارش ، خصلت‌ملی ودموکراتیک انقلاب ایران وعلل بروزواثرات‌عمیق آن درجامعه‌ما ونتایجی که ازاین بررسی برای فعالیت‌آینده حزب‌ما ناشی میشود ، تشریح میگردد . متن این‌گزارش درمطبوعات‌حزب نشرخواهد یافت .

پلنوم شانزدهم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران پیشنهادهای مشخصی برای ایجاد تحول بنیادی درجامعه ایران وبمنظورایجاد " جبهه‌متحد خلق " بتصویب رساند . پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی برآنست که این برنامه‌میتواند همه‌نیروهای مدافع انقلاب ملی ودموکراتیک خلق قهرمان ایران را ــ ازمبارزان پیگیرراه‌آیت الله خمینی گرفته‌تاحزب توده ایران وسایرنیروهای انقلابی ــ دریک جبهه متحد گردآورد .

شانزدهمین پلنوم کمیته‌مرکزی ، پس‌ازتایید اینکه بخشی ازآنچه‌کمیته‌مرکزی بعنوان هدفهای جنبش‌انقلابی ایران دربرنامه حزب بدرستی طرح کرده بود ، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامه عمل پوشیده ، به‌هیئت اجرائیه کمیته‌مرکزی ماموریت داد ، بادرنظرگرفتن این امرکه اوضاع کشورماوجهان ازتاریخ تدوین این برنامه گامهابجلورفته وتحولات مثبتی درجهان ودرمیهن ما بوجودآمده ، درکوتاه‌ترین مدت نوسازی ضرورراد رمتن برنامه تدارک ببیند وهمچنین دراساسنامه متناسب باشرایط مشخص امروز ، تغییرات لازم راوارد کند .

پلنوم شانزدهم کمیته‌مرکزی طی قطعنامه ویژه ای ، تصمیمات اجلاسیه ۲۳ دیماه ۱۳۵۷

هیئت اجرائیه را درباره تغییرد رترکیب هیئت د بیران وهیئت اجرائیه ، ازجمله انتخاب رفیق کیانوری رابسمت د بیراول کمیته‌مرکزی ، مورد تایید قرارد اد .

علاوه براسناد مهم نامبرده ، یك سلسله اسناد دیگر، ازجمله پیامی خطاب به‌مردم مبارز وقهرمان ایران ونامه ای خطاب به‌کمیته‌مرکزی حزب کمونیست ویتنام ، مورد تصویب پلنوم شانزدهم قرارگرفت .

بی شك پلنوم شانزدهم کمیته‌مرکزی ، چه ازلحاظ ماهیت تصمیماتی که اتخاذ نموده است و چه ازلحاظ سطح بالای اصولیت ووحدت نظراعضای آن ، مقام‌مهمی رادرتاریخ حزب ماا حراز خواهد کرد .

د بیرخانه کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۱۳۵۷

گزارش هیئت اجرائیه

به شانزدهمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفقای عزیز،

گزارش هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران که اکنون به پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تقدیم میشود، شامل چهار بخش است. بخش اول متضمن یك بررسی اجمالی از وضع کنونی جهان، بخش دوم حاکی از یك بررسی از وضع کشور و جنبش انقلابی میهن ما، بخش سوم شمه ای دربارهٔ فعالیت سیاسی و سازمانی حزب در فاصلهٔ میان پلنوم پانزدهم و این پلنوم وسرانجام بخش چهارم طرح آن وظایفی است که در شرایط کنونی در برابر حزب ما قرار گرفته است.

ولی پیش از ورود به اصل مطلب، بجاست نکته ای چند دربارهٔ اهمیت لحظهٔ کنونی وپلنومی که اینك تشکیل شده است یادآور شویم:

جنبش انقلابی گسترده ای که از لحاظ بسیاری مختصات خود کم نظیر و سراسرمیهن ما را فراگرفته به مرحلهٔ نخستین پیروزی خود دست یافته است. در این جنبش توده های چند میلیونی مردم در شهر و ده، باازخودگذشتگی، باپیگیری و بدون کوچکترین هراس از مرگ، برای رسیدن به هدف های والای ضد امپریالیستی ودمکراتیك، باارادهٔ ای آهنین و روحیه ای حماسی، پا در میدان نبرد گذاشتند ورزمیدند.

مبارزات درخشان مردم ایران و پیروزیهائی که هم اکنون بدست آورده اند اعجاب و تحسین همهٔ انسانهای شریف هوادار آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان برانگیخته است و دل ها را با آرزوی کامیابی بازهم درخشانتر این جنبش در طپش نگاه میدارد.

آنچه این پیروزی تاریخی را ممکن ساخت، در درجهٔ اول ارادهٔ شکست ناپذیر و مبارزهٔ پیگیر مردم ایران بود. درکنار این عامل تعیین کننده، تغییرات عظیمی که در سالهای اخیر در صحنهٔ جهانی، در تناسب نیروها به زیان امپریالیسم و بسود نیروهای ضد امپریالیستی ودمکراتیك بوجود آمده، تأثیرعمیقی در ایجاد شرایط مساعد برای کامیابی مبارزات مردم ایران داشت.

دشمنان بشریت، غارتگران امپریالیستی، مرتجعین وکارگزاران رنگارنگشان در جهان وایران، که از بلرزه درآمدن و فروریختن یکی ازعمده ترین پایگاههای جنگ و تجاوز و غارتگری خود به وحشت افتاده اند، تمام تلاش خویشرا برای جلوگیری از بسط و تحکیم پیروزیهای بدست آمدهٔ این جنبش بکارمیبرند.

درچنین لحظه ایست که پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تشکیل میشود و روشن است که تشکیل پلنوم در این لحظات حساس تاریخی، وظایف بسیار بااهمیت و سنگینی را در برابرش مطرح میسازد.

پلنوم ما باید لحظهٔ کنونی را در جنبش انقلابی ایران همه جانبه مورد ارزیابی قرار دهد و وظایف

حزب را برای یك مرحلهٔ بسیار پر اهمیت تاریخی تعیین نماید .

آنچه ما در این اجلاسیه در بارهٔ آن تصمیم خواهیم گرفت سیاست حزب را برای یك دوران بس خطیر در تاریخ کشور ما و نقش حزب را در مجموع جنبش انقلابی ایران و نبرد ش را در راه استقلال ملی و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی ، در شرایط مشخص کنونی روشن خواهد ساخت .

ما امیدواریم و اطمینان داریم که پلنوم کمیتهٔ مرکزی وظایف فوق العاده مهم خود را با احساس مسئولیت تاریخی خویش انجام خواهد داد .

اینك پس از این مقدمهٔ مختصر دربارهٔ حساسیت لحظه و اهمیت جلسهٔ حاضر ، اجازه دهید به بخشهای اساسی گزارش بپردازیم :

۱ــ بررسی اجمالی از وضع جهان امروز

آنچه امروز در سراسر جهان میگذرد تأیید روشن از احکامی است که جنبش کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس عمومی سال ۱۹۶۹ خود بیان داشت و پیش بینی نمود و در برنامهٔ حزب تودهٔ ایران نیز منعکس است .

رویدادهای مختلف جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی نظام سرمایه داری (که خود این بحران عمومی از دوران جنگ اول جهانی و انقلاب اکتبر آغاز گردیده بود) ، پس از پیروزی جهانی ــ تاریخی اتحاد شوروی بر دُد فاشیسم وارد مرحلهٔ دوم خود گردید. این بحران از چند سال پیش به اینطرف (یعنی بویژه از سالهای پنجاه و فوریختن نظام استعماری امپریالیستی) و این بار بدون جنگ وارد مرحلهٔ سوم خود شد و بیش از پیش رو به حدّت میرود.

تشدید تضادهای درون اردوگاه امپریالیستی در گستره های مختلف اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، ایدئولوژیك و غیره سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان باتب و لرز تازه ای دست به گریبان ساخته و اقدامات سراسیمهٔ زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه های مختلف بحران بیش از پیش بی ثمری خود را نشان میدهد .

تحت تأثیر این بحران و با تشدید بیسابقهٔ تضادهای امپریالیسم در مجموعهٔ خود ، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنهٔ جهانی دمبدم ضعیفتر میگردد و هارترین محافل تجاوزکار آن منفرد تر میشوند و دامنهٔ امکانات امپریالیسم برای حفظ مواضع خویش تنگتر میگردد .

از سوی دیگر ، جبههٔ عظیم نیروهای ضد امپریالیستی جهان گسترش روز افزونی می یابد و از لحاظ کمّی و کیفی بیش از پیش نیرومند میشود. این تحول کمّی و کیفی بطور چشمگیری در هر سه بخش جنبش گستردهٔ ضد امپریالیستی و انقلابی دوران ما یعنی سوسیالیسم ، جنبش انقلابی کارگری ، جنبش رهائی بخش ملی دیده میشود .

جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی در داخل خود ، علیرغم برخی تأثیرات منفی بحرانهای رنگارنگ دنیای سرمایه داری ، از رشد موزون و بدون بحران ، از گسترش شکوفان در عرصه های مادی و معنوی برخوردار است . اعتبار و حیثیت این کشورها و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی ، که سنگر مقتدر جبههٔ عظیم نیروهای ضد امپریالیستی است ، در میان خلقهای سراسر جهان هر روز اوج بیشتری میگیرد.

سیاست جهانی جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی مبتنی است بر تحکیم صلح ، همزیستی و خنثی ساختن دسیسه های رنگارنگ محافل امپریالیستی و هدف این دسیسه ها یعنی تشدید و خامت اوضاع بین المللی و تهیهٔ زمینهٔ مساعد برای تحمیل مسابقهٔ تسلیحاتی ، تحمیل مجدد جنگ سرد در مناسبات بین المللی و براه انداختن جنگهای منطقه ای و اگر قادر باشد حتی جنگ جهانی .

اتحاد شوروی و سایرکشورهای سوسیالیستی از راه مبارزه برای تحکیم صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز، مبارزه برای محدود ساختن سلاحها تاحدّ تحقق خلع سلاح عمومی، پشتیبانی همه جانبه از جنبش های آزادیبخش ملی، میکوشند تااین توطئه ها و دسیسه های امپریالیستی راعقیم سازند و صلح جهانی رابه سوی پیروزی ببرندوخلع سلاح ودردرجهٔ اول درزمینهٔ سلاحهای استراتژیك را عملی کنند. رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و بررأس آن رفیق برژنف سیاست سرشار از ابتکار و پرنرمش و مبتنی بر اصولیت و علمیت عمیق راکه از منافع بنیادی خلقهای جهان ناشی میشود، در این زمینه دنبال میکنند. رازموفقیت های بزرگ این سیاست خارجی لنینی درست درهمین جاست که این سیاست همروند بامقتضیات تکامل تاریخی وهماهنگ باتمایلات خلقهای جهان گام برمیدارد، لذا از پشتیبانی خلقهابرخوردار است.

بخش دیگر جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، یعنی جنبشهای رهائی بخش ملی درسراسرکشورهای "دنیای سوم" درحال گسترش بیسابقه ایست. تنهادرهشت سالی که از آغاز دههٔ ۷۰ میگذرد، دنیای ماشاهد پیروزیهای عظیم خلقها درویتنام، لائوس، کامبوج، موزامبیك، آنگولا، گینهٔ بیسائو، اتیوپی، افغانستان، یمن جنوبی وغیره‌ونیز کامیابیهای بزرگ درمبارزهٔ خلقها در برخی دیگرازکشورهای آسیا و افریقاوامریکای لاتین بوده است.

تقریبادرتمام کشورهای این بخش عظیم از جهان، جنبش نه تنهاازلحاظ کمّی قدرت بیشتری یافته، بلکه ازلحاظ کیفی نیز به مراحل عالیتری ازمبارزه برای استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی گام گذاشته است. نقش رهبری طبقهٔ کارگر دراین جنبشها هم از راه مستقیم و هم از راه غیرمستقیم یعنی ازراه تأثیرمعنوی جنبش کارگری جهانی هرروز بیشتر به عامل تعیین کننده ای در سیرتکامل جوامع بشری مبدل میگردد.

نه تنهادرکشورهائی که ازآنهانام بردیم، بلکه همچنین درکشورهای دیگر (مانند ماداگاسکار، جمهوری بنین، جمهوری گینه، تانزانیا، الجزایروغیره) جنبش ضدامپریالیستی ودمکراتیك گام‌های بزرگی به پیش ودرجهت سمتگیری سوسیالیستی برای تکامل آیندهٔ جامعه برمیدارد. در اثراین تکامل شگرف، علیرغم کامیابی برخی توطئه های خائنانهٔ امپریالیستی مثلا درشیلی، یاچرخش ارتجاعی در روش مصر و نظیر آنها، پایه های تسلط غارتگرانه و تجاوزکارانهٔ امپریالیستی در "دنیای سوم" هرروز متزلزل ترمیشود وحملات جنبشهای رهائی‌بخش ملی براین پایه ها هرروز گسترده ترونیرومندتر میگردد.

بخش دیگرجبههٔ عظیم جهانی نیروهای ضدامپریالیستی‌یعنی جنبش کارگری ودمکراتیك در کشورهای سرمایه داری پیش افتاده باسرعت بیسابقه ای نسبت به سالهای پیش درحال گسترش کمّی وکیفی است. مبارزات طبقهٔ کارگر کشورهای امپریالیستی هم از جهت کمّی و هم ازجهت کیفی‌به ابعاد تازه ای دست یافته است. دراین کشورهامبارزهٔ طبقهٔ کارگر دیگر درچهارچوب مطالبات روزمرهٔ اقتصادی باقی نمیماند، بلکه لزوم مبارزه بااثرات و عواقب ناگوار بهره جوئی انحصارهای سرمایه داری از دستاوردهای انقلاب علمی وفنی‌به زیان طبقهٔ کارگر و سایرزحمتکشان، هرروز بیشتربصورت مسئلهٔ حاد مبارزات طبقهٔ کارگر و سایرقشرهای زحمتکش جامعه درمی‌آیدو بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه‌داری برای حلّ معضلات مزمن خودمانند تورّم و بیکاری آشکار و ضرورت یك تحول بنیادی در نظام اجتماعی به ثبوت میرسد.

محافل حاکمهٔ سرمایه داری انحصاری کشورهای غربی که از این رشدکمّی و کیفی جنبش کارگری به وحشت افتاده اند میکوشند تاآزادی های دمکراتیك رامحدود سازندو درصورت امکان با تقویت

گرایش نوفاشیستی ، تاحدّ مسلط ساختن در پرده یابی‌پرده ٔ این گرایشها برسرنوشت سیاسی کشور ، شرایط اجتماعی رابرای تحمیل سیاست غارتگرانهٔ خویش واندا ختن بار سنگین معضلات نـــاشی از بحران اقتصادی بردوش زحمتکشان آماده سازند. درمقابل این توطئهٔ محافل حاکمهٔ امپریالیستـــی مبارزهٔ نیروهای دمکراتیک جامعه هرروز شدت و گسترش بیشتری پیدا میکند.

پیروزی نیروهای دمکراتیک در پرتقال ، یونان و اسپانی که بادرهم کوفته شدن رژیـــم هـــای فاشیستی توأم بود ، علیرغم پشتیبانی محافل امپریالیستی ازاین رژیم ها ، نمونه ای از گسترش مبارزات دمکراتیک درکشورهای سرمایه داری غرب است .

تبلیغات محافل امپریالیستی برای فریب خلقهای خود ، هرروز کم اثترمیشود. بدین مناسبت بجاست یادآورشویم که علیرغم همهٔ تبلیغات محافل امپریالیستی ایالات متحدهٔ امریکاو بویژه محـــافل وابسته به مجتمع نظامی ــ صنعتی علیه دوستی و همزیستی بااتحاد شوروی ، درسال های اخیـــر تعداد هواداران گسترش این دوستی وهمزیستی وتأیید کنندگان لزوم انعقاد هرچه زودترقرارداد در زمینهٔ محدود کردن سلاح های استراتژیک هسته ای پیوسته افزایش می یابدو طی آخرین همـــه پرسی آزمایشی اکنون ۸۰ درصد از مردم ایالات متحده رادر برمیگیرد .

جنبش انقلابی کارگری درمقیاس جهانی راه رشد کیفی عمیقی راطی میکند. تردیدی نیست که این جنبش ، که درشرایط بسیارمتنوع و بصورتی هرچه خلاقتر عمل میکند ، نه تنها وحدت رزمندهٔ خود راعلیه امپریالیسم حفظ خواهد کرد، بلکه آنرابیش از پیش تحکیم وتعمیق خواهد نمود.

بدینسان میتوان گفت که رشد پیگیروبدون وقفهٔ همهٔ بخشهای جبههٔ عظیم نیروهای ضـــد امپریالیستی وانقلابی جهان ، یکی از ویژگیهای برجستهٔ تکامل تاریخی دوران ماست .

ویژگی دیگرمرحلهٔ کنونی درآنست که بموازات نیرومندترشدن بخشهـــای نامبردهٔ جبههٔ عظیم نیروهای انقلابی و ضدامپریالیستی ، پیوند همبستگی میان این سه بخش ، علیرغم همهٔ دسیسه های محافل امپریالیستی ، هرروز استوارترونیرومندترمیگردد. جنبش رهائی بخش ملی ، خواه درکشورهائی که استقلال وآزادی بدست آورده اند ، خواه درکشورهائی که هنوز برای استقلال وآزادی نبرد میکنند ، هرروز بیشتر به لزوم تحکیم این هم پیوستگی پی میبرند و دراین راه گام برمیدارند. این هم پیـــوستگـــی اکنون اهمیت بیشتری کسب میکند ، زیرا ازدیرزمانی رهبران کنونی چین راه انقلاب پرافتخارخلـــق چین راکه برپایه های نیرومند اتحاد بااتحاد جماهیرشوروی ، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی بخش ملی و مبارزهٔ بی امان علیه امپریالیسم استواربود ، ترک گفته و براه دشمنی آشکارباکشورهای سوسیالیستی و جنبشهای اصیل کارگری و جنبشهای راستین رهائی‌بخش ملی وسازش بی پرده باسیاه ترین‌نیروهای امپریالیسم و ارتجاع گام گذاشته اند .

هدف این سیاست زیان بخش وخطرناک رهبران کنونی پکن ، بطور روشن رسیدن بـــه سیطرهٔ جهانی چین از راه تدارک بی پردهٔ یک ائتلاف جهانی ازنیروهای امپریالیستی وارتجاعی و چین علیه اتحاد شوروی و روشن کردن آتش جنگ جهانسوز سوم جهانی است . رهبران چین کـــه تا چند سال قبل‌نقاب ماوراء انقلابی برچهره داشتندو اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و اکثریت احزاب کمونیستی وکارگری رابه سازش باامپریالیسم‌متهم مینمودند ، پس ازانکه ازاین سیاست دو رویانهٔ خودبهره ای نبردند نقاب از چهره برگرفتند و به سازش آشکار باجلادانی مانند شاه سابق ایـــران و فاشیستهای شیلی ، نژادپرستان افریقای جنوبی واسرائیل و بامتجاوزترین وجنگ افـــروز تـــریـــن محافل انحصاری بین المللی دست زدند .

این خیانت آشکار به مارکسیسم ــ لنینیسم ، به انترناسیونالیسم پرولتری ، به همبستگـــی

زحمتکشان جهان علیه تجاوز امپریالیستی ازطرف رهبران کنونی چین زیانهای جبران ناپذیری به مبارزهٔ خلقها در راه استقلال وآزادی و پیشرفت اجتماعی وارد ساخته و بدون تردید در آینده نیز وارد خواهد ساخت . ولی چنانکه گفتیم وهمانطورکه امروز شاهد آن هستیم مردم بیدار جهان چهرهٔ ناهنجار این خائنین به جنبش جهانی ضد امپریالیستی را شناخته اند و با تمام نیروعلیه تحریکاتشان مبارزه میکنند و مبارزه خواهند کرد .

رهبران پکن کاررا به آنجاکشاندند که برای جلب حمایت محافل امپریالیستی به مشمئزکننده ترین تحریکات سیاسی ونظامی علیه همهٔ نیروهای مترقی جهان و بویژه علیه کشورهای سوسیالیستی همسایهٔ خود یعنی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام دست زدند .

رهبران پکن گروههای منحط و آدمکش پول پوت و نیگ ساری رابه حملات تجاوزکارانه علیه ویتنام تجهیز و تشویق نمودند و پس ازشکست وسرنگونی این دارودسته ازطرف نیروهای جبههٔ مقاومت ملی کامبوج ، حملهٔ مستقیم نظامی علیه ویتنام راتدارک دیدند وبانهایت بیشرمی به چنین تجاوزی دست زدند. این اقدام تبه کارانهٔ رهبران پکن علیه یک کشورسوسیالیستی قهرمان بدون شک خشم و نفرت همگانی جهان راعلیه آنان شدیدترخواهدکرد .

امروز شعارعمدهٔ سیاسی رهبران مرتد چین عبارتست از تشکیل جبههٔ متحدی ازچین ،امریکا ، اروپای غربی ، ژاپن وهمهٔ کشورهای ارتجاعی در " دنیای سوم " مانند شیلی وافریقای جنوبی و اسرائیل و ... برای نابودکردن اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی . رهبران پکن اگر انتقادی هم به امپریالیسم داشته باشند درآنست که چرابرای سرکوب جنبش مردم باخشونت بیشتری عمل نمیکند ! اظهاریهٔ دن سیائوپین درتوئیو علیه جنبش ایران واقعا سندننگ این رهبران است . جادارد ما اشمئزازکامل خودرا ازاین اظهارات دراینجابیان داریم .

اینست سرانجام انحراف ازاصول مارکسیسم ـ لنینیسم وازانترناسیونالیسم پرولتری ـ خیانت آشکار به جنبش انقلابی .

موضعگیری محکوم کنندهٔ حزب کار آلبانی راکه از آغاز انشعاب مائوئیستی از جنبش جهانی کمونیستی پیگیرترین متحد رهبران چین بود میتوان یکی ازنشان های گویای رسوائی سیاست خائنانهٔ رهبران کنونی چین دانست .

تردیدی نیست که این بارهم مانند گذشته توطئهٔ ننگین واتحادنامقدس امپریالیسم جهانی ، رهبران ناسیونالیست و توسعه طلب چین ، مرتجعین کشورهای زیرنفوذ امپریالیسم در آسیا، افریقا وامریکای لاتین درمبارزه باجبههٔ نیرومند ضد امپریالیستی باناکامی و ورشکست روبروخواهد شد واین ناکامی اجتناب ناپذیرنیروهای ارتجاعی، آغازمرحلهٔ تازه ای از پیشرفت پرشتاب و بازگشت ناپذیر هواداران صلح ودمکراسی و سوسیالیسم درسراسر جهان خواهد بود .

۲ـ درباره جنبش انقلابی کنونی ایران

کلیهٔ رویدادهای ایران درجریان نزدیک به چهارسالی که از پلنوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی میگذرد ، درستی ارزیابیهای پلنوم کمیتهٔ مرکزی رامورد تأیید قرارداده است .

دراین مدت سیاست رژیم سابق ، درجهت هم پیوندی اقتصاد کشورمابا سرمایه های امپریالیستی هرروز بیشترتشدید شد. ترور و اختناق بعنوان وسیله برای پیاده کردن سیاست ضد ملی ، ضد دمکراتیک و غارتگرانه ، باشدت بیسابقه ای بسط یافت و اسلوبهای فاشیستی آشکار بصورت روش رسمی و علنی رژیم درآمد .

سیاست نظامیگری و تسلیحات عنان گسیخته به اعلی درجهٔ شدت خود رسید . رژیم سرنگون شدهٔ پهلوی در کنار مرتجعترین محافل جنگ طلب و غارتگر امپریالیستی و در نقش ژاندارم منطقه با توسل آشکار به روشهای استیلاجویانه و مداخله گرانه علیه جنبشهای رهائی بخش منطقه ، هرروز بیشتر مسلح شد و امنیت منطقه را بخطر انداخت .

درآمد نفت بطور عمده برای اجرای این سیاست نظامیگری و تأمین تاراج بی‌بند و بار امپریالیسم و گردانندگان رژیم سابق مصرف گردید .

در پنج سال اخیر رژیم شاه نزدیک به ۳۸ میلیارد دلار از درآمد نفت را برای خرید اسلحه تلف کرده است ، که نیمی ازاین مبلغ ازامریکاونیم دیگر از انگلستان و آلمان غربی وفرانسه بوده است . ایران باوجود ضعف و عقب افتادگی عمومی اقتصادیش و باآنکه از هیچ سوئی مورد تهدید نظامی قرار نداشت ، ازلحاظ میزان و نوع و ارزش تسلیحات غیراتمی در دنیای سرمایه داری پس از ایالات متحدهٔ امریکا مقام دوم را احراز کرد وحتی ازاین جهت ازآلمان فدرال که بیش از شصت میلیون جمعیت دارد و یکی از ثروتمندترین کشورهای امپریالیستی جهان است ، جلو افتاد .

به پیروی ازاین سیاست ضد ملی ، رژیم سابق ، ایران رابصورت یکی ازسنگرهای مقدم جبههٔ عمومی جنگ و تجاوز امپریالیستی علیه اتحاد شوروی وخانوادهٔ کشورهای سوسیالیستی درآورد . در سالهای اخیر تعداد کارشناسان امریکائی برای تسلیحات و تجهیزات ارتش ایران از چهل هزارنفر تجاوزکرد و درحقیقت ارتش ایران به زائدهٔ ارتش امریکا و مجری هدفهای استراتژیک آن علیه اتحاد شوروی مبدل گردید. امریکائیها باپول نفت ایران درسراسر سرحدّات ایران و شوروی که طبق ادعای خدعه گرانهٔ شاه سابق گویا " سرحدّات دوستی وحسن تفاهم " بود ، مدرنترین دستگاههای جاسوسی خود را برای گرفتن اطلاعات از درون شوروی مستقرساختند. طبق اظهارصریح مفسرین امریکائی ، ایران به مهمترین مرکز جهانی امپریالیسم برای گرفتن اطلاعات جاسوسی از شوروی بدل گردید .

درمورد غارت سرمایه های امپریالیستی کافیست این اعتراف محافل امریکائی رایادآور شویم که سرمایه داران امریکائی ازهرد لارسرمایه گذاری درایران ، هرسال بیش از ۳ دلارسود خارج میساختند (یعنی بیش از سیصد درصد) . مقایسهٔ این عدد با سودهای عادی سرمایه ها درخود کشورهای امپریالیستی که از حدود ۱۰ ــ ۱۵ و یادر بهترین شرایط ۲۰ درصد تجاوزنمیکند نشان دهندهٔ میزان غارت امپریالیستی است . اینهانیز واقعیات وارقام افشاگرومحکوم کننده ای است .

درمورد غارتگری یک قشرکوچک بالائی یاالیگارشی ایران کافیست به این واقعیت اشاره شود که طبق آمارمنتشره ازطرف محافل اقتصادی آلمان غربی (که بدون تردید خودازهواداران و پشتیبانان رژیم غارتگرشاه سابق بوده اند) درایران قشری که کمتراز یک صدم جمعیت راتشکیل میدهد ، مالک بیش از ۸۰ درصد تمام ثروت ملی کشور بود و بااینکه طبق ادعای شاه سابق گویا درآمد متوسط سرانه در ایران بیش از ۱۰ هزارتومان درسال بود ، درآمدواقعی سرانهٔ بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران (یعنی دهقانان زحمتکش وکارگران) حداقل یک دوازدهم وحداکثر یک پنجم آن درآمد متوسط است و بقیه بطورعمده بوسیلهٔ امپریالیستها و خاندان پهلوی ، الیگارشی و عمال وابسته به آنها غارت شده و به بانکهای کشورهای امپریالیستی انتقال یافته است .

برای آنکه روشن شود شاه سابق و رژیمش باثروت ملی ماباچه روش راهزنانه ای رفتارکرده اند ذکر برخی ارقام بیفایده نیست :

از یکصد میلیارد دلار درآمد نفت ایران در پنج سال گذشته ۳۸ میلیارد برای خرید اسلحه از

امریکا ، انگلستان ، آلمان غربی وفرانسه بدور ریخته شده است ، ۲۶ میلیارد دلار به کشورهای خارجی انتقال داده شده که سرنوشتش معلوم نیست . از ۳۶ میلیارد دلار بقیه که ظاهرا برای مخارج داخل کشورمصرف شده است ، بخش عمده اش راخانوادهٔ شاه سابق ودستیارانشان از راه مقاطعه کاری ، انحصارخرید ، و اعتبارات بجیب خود ریخته و به بانکهای خارجی انتقال داده اند.

بااینهمه ثروت ارزی ، اکنون ایران بیش از ۹ میلیارد دلار به بانکهای امپریالیستی مقروض است که بابت اصل و فرع آن سالیانه ۲ میلیارد دلار باید بپردازد . اینست نمونه هائی از سیاست خانمانسوز غارت امپریالیستی وارتجاعی درایران .

درنتیجهٔ این سیاست ضد ملی وتاراجگرانه ، اقتصاد ایران دچار بحران علاج ناپذیری گردید. پدیده های رکود ، ورشکستگی دراقتصاد کشاورزی ، درصنایع ملی هرروز شدت بیشتری یافت . تورم بی بندوبار (که درسالهای اخیر به بیش از ۴۰ درصد درسال میرسید) شیرازهٔ اقتصاد کشوررا از هم گسیخت . زندگی مردم،نه تنها قشرهای عظیم میلیونی زحمتکشان ، بلکه حتی قشرهای متوسط شهری ، که امکان برداشتن سهمی ازانبوه عظیم غارت و چهاول راداشتند ، روز بروز بدتر و سخت ترگردید. دراین شرایط بطور طبیعی جنبش اعتراضی قشرهای گوناگون مردم شدت گرفت . ولی رژیم سابق با توسل به اختناق سیاسی بدست ساواک حتی هراعتصاب کارگری ساده و هرجریان مطالباتی کارمندان راوحشیانه و با بربریت تبهکارانه ای سرکوب کرد و دراکثرموارد هرگونه مقاومت رابخون کشید.

بدترشدن شرایط مادی زندگی مردم بشکل بیسابقه ، تشدید روزافزون اختناق و تروروسیاسی، برملاشدن یغماگری عنان گسستهٔ سرمایه داری انحصاری امپریالیستی ازجمله بدست دهها هزار زالوی خون آشام بنام کارشناس شیرهٔ حیاتی کشوررا می مکیدند ، وهمچنین چهاول بی بندو بار شاه سابق و خانواده اش و دستیاران و کارگزاران رژیم دیکتاتوری باغارت سرمایه های بزرگ داخلی وابسته به امپریالیسم،همراه باتأثیرات بحران سرمایه داری که رشد ناهنجارسرمایه داری وابستهٔ آنرا بشکل فلاکت آمیزی درجامعهٔ ایران منعکس میساخت ــ همه و همه شرایط را برای آنکه ناخشنودی عمومی به سرحدّ انفجار برسد و وضع انقلابی درکشورماپدیدآید ، آماده ساخت .

جنبش ناخشنودی واعتراضی که درسال گذشته تا سطح جنبش انقلابی و کم نظیری اعتلا یافت بامبارزات کارگران برای بهبود شرایط زندگی و مبارزات دانشجویان و جوانان برای استقلال ملی ، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی آغازگردید. اعتصابات پرتوان کارگری که در بهارسال ۱۳۵۶ بویژه در شاهی و سمنان و تهران و کرج به اوج مبارزه جویانهٔ خود رسید وتنهاباکمك نیروهای مسلح که این اعتصابهارابخون کشیدند سرکوب شد ، وهمچنین اعتصابات و تظاهرات پردامنهٔ دانشجویان مبارز رامیتوان بدرستی طلایه وآغازگرجنبش انقلابی کنونی ایران دانست . بااین اعتصابات و تظاهرات معلوم بود که عمده ترین تضادهای درون جامعهٔ ایران دیگر به آن درجه ای از حدّت و شدّت رسیده است که نه سیاست ترور واختناق فاشیستی ، نه عوامفریبی و ظاهرسازی و وعده های دروغ، هیچکدام قادر به حل آنها نخواهد بود .

بدینسان دوران تشدید بیسابقهٔ بحران همه جانبهٔ رژیم دیکتاتوری آغازگردید.

تشدید روزافزون تضادهای آشتی ناپذیرناشی از سیاست ضد ملی ، ضد دمکراتیك و ضد خلقی رژیم شاه یکی پس از دیگری همهٔ اقشارخلق رابه میدان مبارزه برای هدفهای ملی ودمکراتیك کشانید. مبارزهٔ سیاسی علنی علیه رژیم که با پخش تراکتهاونامه های سرگشاده آغاز شده بود ، بزودی بصورت مبارزهٔ وسیع خلق برای براندا ختن رژیم سلطنتی ، برای ریشه کن کردن تسلط نواستعماری امپریالیستها و در پیشاپیش آنها امریکا ، گسترش یافت .

در این چهارچوب باید یادآور شد که تحول اوضاع جهان و تغییر تناسب نیروها به زیان امپریالیسم و ارتجاع و به سود جبههٔ وسیع جهانی ضد امپریالیستی یعنی جبههٔ کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای آزادیبخش ملی و جنبش کارگری و دمکراتیک کشورهای سرمایه داری، و نیز پیروزیهای عظیم و چشمگیر جنبشهای رهائیبخش ملی در سالهای اخیر، پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام، لائوس، و کامبوج علیه امپریالیسم امریکا، و دیگر پیروزیهای این جنبش در آسیا و افریقا تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد و تشویق و تجهیز معنوی مبارزان راه استقلال و آزادی در ایران داشته است. در این باره جا دارد که بویژه و از آنجمله به پیروزی خلق برادر ما در انقلاب افغانستان اشاره کنیم.

یکی از عوامل که در پیشرفت انقلاب ایران در مقابل سیاست ضد انقلابی امپریالیستی امریکا نقش شگرفی ایفا کرد زنهارباش بموقع دولت اتحاد شوروی بود. چنانکه میدانیم رفیق برژنف طی مصاحبه ای با مخبر پراودا تصریح کرد که اتحاد شوروی با هرگونه مداخلهٔ خارجی در حوادثی که در ایران میگذرد بهر شکلی هم که این مداخله انجام گیرد مخالف است و برآنست که تنها مردم ایران صلاحیت و اختیار آنرا دارند که در بارهٔ سرنوشت کشور خود تصمیم بگیرند. این زنهارباش و سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران در این زمینه مانع شد که امپریالیسم مانند روز گار گذشته سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران بکار بندد و به مردم ایران امکان داد که با دشمنان داخلی و خارجی ایران، به اتکاء مبارزهٔ فداکارانهٔ خود، عمل کنند.

مجموع تحولات جهانی در هسال اخیر که نمایانگر شکست های چشمگیر برای امپریالیستها و بویژه امپریالیسم متجاوز امریکاست، همراه با رسوا شدن سیاست خائنانهٔ رهبران کنونی چین که بی پرده سیاست ضد ملی رژیم شاه را مورد پشتیبانی خود قرار دادند، به مبارزان راه استقلال و آزادی ایران نیرو بخشید و آنانرا هرروز بیشتر به قدرت عظیم خود یعنی نیروی انقلابی خلق و به پیروزی نهائی خویش مطمئن ساخت.

یکی از مختصات مهم و جالب جنبش انقلابی کنونی ایران در آنست که این جنبش همهٔ طبقات و قشرهای خلق را در بر میگیرد.

توده های وسیع کارگران صنعتی و پیشه وری و خدمات از همان آغاز بطور فعال در مبارزات عموم خلق شرکت جستند و دوشادوش زحمتکشان فکری و خرده بورژوازی زحمتکش شهر به میدان مبارزات خیابانی گام نهادند. با این مبارزات، شرایط برای آن آماده شد که طبقهٔ کارگر صنعتی ایران بطور متشکل و یکپارچه وارد میدان گردد. مبارزات وسیع و متحد طبقهٔ کارگر ایران یکبار دیگر ژرف بودن سنن انقلابی و نقش اجتماعی پیشرو این طبقه و آبدیدگی و آگاهی آنرا به نمایانترین شکلی رو شن ساخت. با اطمینان میتوان گفت که در میان نیروهای محرکهٔ انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقهٔ کارگر قهرمان ایران نقش درجهٔ اول بوده است. این امر خود از ضامن های مهم گسترش باز هم بیشتر انقلاب ملی و دمکراتیک و تعمیق آن در جهت خواستهای قشرهای وسیع مردم است.

در حساسترین لحظات جنبش انقلابی ایران، اعتصاب های سیاسی سراسری کارگران و کارمندان صنایع نفت جنوب آغاز گردید و این اعتصاب های پرافتخار، کاری ترین ضربه را به رژیم خود کامهٔ شاه و امپریالیسم وارد ساخت. اعتصاب کارگران نفت مرحلهٔ جدیدی از مبارزات خلق را که تا آنزمان تنها بصورت اجتماعات و تظاهرات خیابانی انجام میگرفت، آغاز کرد.

در فاصلهٔ کوتاهی اعتصابات کارگری سراسر موسسات صنعتی کشور را در برگرفت.

همگی این اعتصابات، شعارهای سیاسی روز و پذیرش همهٔ خواستهای جنبش ملی و دمکراتیک را در سرلوحهٔ مطالبات خویش قرار دادند. نه وعده های فریبنده دولتهای وقت، و نه

اعمال فشاروحشیانهٔ قداره بندهای حکومت نظامی و گازهای ساواک هیچکدام نتوانستند در ارادهٔ تزلزل ناپذیر طبقهٔ کارگر ایران، کوچکترین لرزشی بوجود آورند. طبقهٔ کارگر ایران باامکانات عظیم سیاسی و اجتماعی که در اختیار دارد در صفوف مقدم جبههٔ گستردهٔ جنبش انقلابی ایران، به پیش رفت و میرود و بدون تردید در جریان تکامل آیندهٔ جنبش هرروز نقش بارزتر و تعیین کنندهتری را بدست خواهد آورد.

برخلاف پندارهای واهی رژیم سابق که تصورمیکرد دهقانان ایران رابا اصلاحات نیم بند خود به ذخیرهٔ سلطنت مستبده مبدل کرده، در اثرمحرومیت های فراوان و درنتیجهٔ بحران عمیق کشاورزی ایران و سیاست ضد دهقانی رژیم سابق، دهقانان یکی ازنیروهای مهم اجتماعی مخالف رژیم استبدادی و تسلط امپریالیستی هستند ولذا در جنبش ملی ودمکراتیک کنونی شرکت فعال داشتند و دارند.

اصلاحات ارضی نیم بند رژیم پهلوی، سود زمینداران بزرگ را تامین نمود و علاوه برآن دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران بازکرد. سیاست ضد ملی شاه در زمینهٔ کشاورزی بر این پایه استوار بود که اولا اعتبارات وسیع دولتی را در اختیار زمینداران بزرگ وشرکتهای بزرگ تولید کشاورزی متعلق به بستگان شاه و سایر سرکردگان رژیم بگذارد و ثانیا راه را برای ورود بی بند و بار محصولات کشاورزی مورد احتیاج روزمرّه ازکشورهای امپریالیستی ووابستگانشان بازکند واقتصاد کشور و نان روزانهٔ مردم را به این کشورها وابسته سازد. این سیاست ضد ملی موجب شد که اقتصاد قشرهای وسیع کشاورزان خرده پاومتوسط رو به نابودی ووزشکستگی رفت و سیل عظیم دهقانان گرسنه و بیکار به سوی شهرها سرازیرگردید.

همین دهقانان بشهرآمده که به تعداد صدها هزار در گودالها وزاغه ها وکلبه های گلی در "حلبی آباد" ها و "زورآباد" ها و یا در زیر چادر با دردناکترین شرایط فقر و محرومیت بسرمیبرند و میبرند و اکثرا با توسل به اشتغالات فصلی نانی بدست می آورند، بخشی ازمبارزان جنبش انقلابی ودمکراتیک راتشکیل میدهند.

مبارزات انقلابی که در یکسال اخیر با سرعت بیسابقه ای در شهرها گسترش یافت در ماههای اخیر به روستاها سرایت کرد و بسرعت به اوج خود رسید ــ تاآنجاکه کارگران کشاورزی و دهقانان در برخی ازاملاک متعلق به خانوادهٔ شاه سابق به ابتکارخود به تقسیم انقلابی زمینها و وسائل کشاورزی دست زدند. در برابر رشد جنبش مبارزاتی دهقانان، ژاندارمها ازاکثر دهات گریختند و خود دهقانان با برگزیدن شوراهای ده امور داخلی خود واستقرار نظم رابعهده گرفتند.

خرده بورژوازی شهر یعنی تولید کنندگان وتوزیع کنندگان کوچك که براثرسیاست ضد ملی اقتصادی درهای باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی ازآن، اختناق و فشار ساواک، غارت مالیاتی و رشوه گیری که در جریان باصطلاح مبارزه باگرانفروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرارگرفته بودند، هر روز بیشتر بسوی عصیان علیه رژیم کشانده شدند. قشرهای دیگرمتوسط شهری مانند کارمندان پائین و میان رتبهٔ دولتی، کارکنان موّسسات بخش خصوصی هم تحت تأثیر غارت بی بند و بار سرمایه های امپریالیستی و طبقات حاکمهٔ وابسته به امپریالیسم ازیکسو و تأثیرگرانی روزافزون هزینهٔ زندگی واختناق سیاسی از سوی دیگر، کارد به استخوانشان رسید و به حالت عصیانی درآمدند. نقش اعتصابات کارمندان موّسسات عمومی وخصوصی برای فلج کردن دولتهای دست نشاندهٔ شاه نقش چشمگیری است که نظایر آن در انقلابات کمتر دیده شده است.

روشنفکران ایران یعنی نویسندگان و هنرمندان و روزنامه نگاران واستادان دانشگاه و دبیران وآموزگاران ومهندسین و پزشکان و حقوقدانان و غیره، به استثنای گروه کوچکی که به هیئت حاکمه

وابسته بودند ، ازهمان آغاز جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک کنونی نقش فعالی داشته اند و گام به گام فعالتر شده و در صفوف مقدم جنبش جای گرفته اند . بویژه باید از نقش دانشگاهیان و دانشجویان در این جنبش یاد کرد .

در تجهیز روشنفکران و دانشجویان علاوه بر عوامل اقتصادی ، مسئلهٔ استقلال و حاکمیت ملی ، تسلط وقیحانهٔ امپریالیستها و بویژه نقش مستشاران امریکائی در جامعهٔ ایران که مانند ارتش اشغالگر عالیترین مزایا را بخود تخصیص داده بودند ، تسلط فرهنگ نواستعماری بر فرهنگ ملی که بزور دستگاه اختناق وتبلیغات شاه اعمال میشد ، نقش بسیار موثری داشته است .

سرمایه داران ملی ایران هم که زیر فشار خرد کنندهٔ سرمایه های امپریالیستی و غارت گردانندگان و وابستگان رژیم شاه یعنی طبقات حاکمهٔ وابسته به امپریالیسم قرار داشتند ، هرروز بیشتر به سوی ورشکستگی میرفتند و در عین حال میدیدند که چگونه ثروتهای عظیم کشور هرسال بمیزان میلیاردها دلار بحساب این غارتگران به بانکهای خارجی منتقل و یا برای خرید سلاحهای بی مصرف ونگهداری یك ارتش عظیم و ساختن پایگاههای نظامی مورد احتیاج امپریالیستها و پرداخت بی حساب مخارج "کارشناسان" امریکائی بدور ریخته میشود.

سرمایه داری ملی در اثر مشاهدهٔ این وضع هرروز بیشتر به صفوف ناراضیان پیوست و فعالانه در مبارزه برای برانداختن رژیم اختناق شاه وخاتمه دادن به غارت و تسلط امپریالیست ها شرکت کرد .

اینکه در جنبش انقلابی کنونی روحانیت مترقی و مبارز ضد رژیم نقش مهمی ایفاکرده است ، پدیده ای غیرعادی نیست. بطورعمده شرایط عینی جامعهٔ ایران است که چنین وضعی را ایجاد کرده و مسلما برخی عوامل ذهنی نیز موجب تقویت آن گردیده است .

مذهب تشیع ازلحاظ تاریخی در ایران دارای سنن خلقی و ضد سیطرهٔ خارجی بوده است و در دوره های گوناگون به پرچم معنوی مبارزه برای دفع استیلای نیروهای اشغالگر بیگانه بدل شده است . بسیاری از احکام اجتماعی اسلام بطورعینی بویژه در جریان تکامل فکری اخیر آن ، دارای گرایشهای مترقی است و ازلحاظ سمت مطالباتی خود با خواستهای قشرهای وسیع خلق برای آزادی واستقلال ملی ، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی مطابقت پیدا میکند .

طی ۲۵ سال گذشته روحانیون تنها گروهی بودند که بمراتب بیش از همهٔ گروهها و سازمان های سیاسی دیگر اجتماعی امکان آنرا داشتند که از راه مساجد وجلسات مذهبی ، که رژیم جرئت حملهٔ وسیع به آنها را نداشت ، با مردم تماس برقرار کنند وافکار خود را در میان مردم تبلیغ نمایند. در حالیکه حزب تودهٔ ایران وسایر سازمانهای سیاسی در معرض شدیدترین اشکال فشار و اختناق قرار داشتند. بدین ترتیب برخی از روحانیون مترقی در تماس با مردم توانستند بسیاری از افکار اجتماعی خود را در جامهٔ مذهب عرضه کنند وآنها را در اذهان عمومی رخنه دهند .

گروهی از روحانیون مترقی برهبری آیت الله خمینی طی یك دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سیطرهٔ امپریالیسم (که کشورا هرروز بیشتر به جولانگاه غارتگری و پایگاه تجاوز نظامی خود مبدل ساخت) قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را ، که با زتاب خواستهای اکثریت مردم کشور بود ، مطرح ساختند .

طی سالیان گذشته ، علیرغم فشار و اختناق نیرومند رژیم سابق ، حزب ما فعالیت سیاسی وتبلیغاتی وسیعی داشته ونقش بزرگی از جهت بذرافشانی انقلابی وراهگشائی ایفاکرده است.

روشن است که شرکت طبقات وقشرهای گوناگون خلق در جنبش انقلابی ایران در عین اینکه زیر شعار های مشترک ملی ودمکراتیک و خلقی گسترش یافته و میابد ، دارای انگیزه های همگون وهمانند نیست. هریك از آنها باانگیزه ویژه وخواستهای طبقاتی خود در این جنبش شرکت مینماید. ولی آنچه درمرحلهٔ کنونی شاخص جنبش انقلابی ایرانست ، شعارهای عمومی جنبش است . این شعارهاکه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در اعلامیهٔ تاریخی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود آنها را بعنوان شعارهای جبههٔ متحد نیروهای ملی ودمکراتیك پیشنهاد کرد ، اکنون بصورت خواستهای عمومی جنبش خلق مطرح است .

حال این سئوال پیش می‌آید : آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم ازخود نشان داد تاچه وقت ادامه خواهد یافت و موضعگیری اقشاروطبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود ؟

تردیدی نیست که رسیدن به همهٔ هدفهائی که جنبش انقلابی هم اکنون در مقابل خود قرار داده است ، بویژه تحولات عمیق اقتصادی واجتماعی که ازآنها ناشی میشود ، کار امروزوفردا نیست . علاوه براین ، حل مشکلات بسیاری که بعنوان آثارشوم رژیم ضد ملی ، ضد دمکراتیك و غارتگرشاه باقی مانده است ، ومشکلاتی که بدون تردید در آینده امپریالیستها برسرراه تکامل مستقلانه ودمکراتیك میهن ما قرارخواهند داد کارآسانی نیست . مسلما اجراء این وظایف بمراتب دشوارتر ازوظایف دورهٔ اول انقلاب یعنی درهم شکستن نظام منفورسلطنتی ، ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم واستقرار جمهوری خواهد بود .

در راه حل این مشکلات بدون تردید تغییراتی درمواضع طبقات و گروههای اجتماعی که امروز در جنبش شرکت مینمایند ، بوجود خواهد آمد .

مسلم آنست که طبقهٔ کارگر و بهمراه این طبقه سایرقشرهای زحمتکش شهر و روستا ، باتمام قوابرای رسیدن به همهٔ هدفهائی که انقلاب ملی ودمکراتیك در پیش دارد تلاش خواهند کرد و تاآخر پیگیرانه درمواضع انقلابی خواهند ایستاد . طبقهٔ کارگر وحزبش ، حزب تودهٔ ایران ، تمام امکانات خود رابکارخواهند انداخت تاجبههٔ متحدی که درعمل ازهمهٔ طبقات واقشار ملی و آزادیخواه بوجود آمده ، اتحاد خود راحفظ نماید ودسیسه های گوناگون دشمنی راکه میکوشد با استفادهٔ مستقیم و غیرمستقیم ازعناصر و محافل سازشکار یاافراطی این اتحاد رامتزلزل سازد، عقیم گذارد .

امروزدیگر در سراسرجهان کسی نیست که به اهمیت جهانی وتاریخی رویدادهای انقلابی ایران پی نبرده باشد. باتوجه به اهمیت بزرگ کشورما درصحنهٔ سیاست جهانی ، تغییردر وضع سیاسی ایران تأثیربسزائی درتغییرتوازن نیروها خواهد داشت . زیرا :

— ایران یکی از بزرگترین منابع مواد خام فوق العاده ذیقیمت بویژه نفت ، گاز و انواع فلزات پر بهادرمقیاس جهانی است ؛

— ایران درنقطهٔ کلیدی منطقه ای از جهان قرارگرفته که بخش عمدهٔ مواد خام تأمین کنندهٔ انرژی کشورهای امپریالیستی ازآنجا بدست می آید ؛

— ایران همسایهٔ جنوبی اتحاد شوروی است و همین نکته امپریالیستها رادراستفاده از ایران بعنوان پایگاه تجاوزعلیه همسایهٔ بزرگ شمالی ماازخود بیخود ساخته است .

این ویژگیهای عمدهٔ موقعیت جغرافیائی وامکانات اقتصادی وهمچنین توجه به امکانات انسانی ایران درمنطقهٔ خلیج فارس موجب شدکه امپریالیسم طی دهها سال تمام

تلاش خود را بکار اندازد تا این کشور بیکی از "محکمترین" و "باثبات ترین" پایگاههای جهانی غارت و تجاوز وی ، به ژاندارم منطقه ، بیکی از محکمترین حلقه های زنجیر محاصره و پایگاه جاسوسی ، تحریك و تهدید و پایگاه تجاوزعلیه شوروی بدل شود وبتواند روی آن با اطمینان و بدون دغدغه حساب کند .

ولی به حیرت وتأسف عمیق دسیسه کاران امپریالیستی ، یکباره و درمدت بسیار کوتاه ، همهٔ این حسابها غلط ازآب درآمد ! "جزیرهٔ ثبات" منطقه به مرکز آتشفشانی وسهمگین ترین زلزله هاتبدیل شد . این وضع پایه های تسلط امپریالیستی رانه تنها درایران ، بلکه در یك رشته ازکشورهای مجاور مورد جدیترین تهدیدها قرارداده است .

باپیروزی مردم ایران دراین نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل وآزاد ، یك نمونهٔ روشن دیگر در برابرخلقهای محروم آن کشورهائیکه هنوززیرسلطه امپریالیسم و ارتجاع اند ، تجلی میکند . این پیروزی به آنان ندا میدهد : "خلقها ! بپا خیزید ! شما نیروی آنرا دارید که امپریالیست های غارتگر و مزدوران دزد و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانه خود بزانو در آورید و راه زندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشائید !"

باپیروزی مردم ایران و پیدایش ایرانی صلحدوست ، فشاراختناق آور"ژاندارم منطقهٔ از جنبشهای رهائی بخش ملی کشورهای این منطقه بیکبار برداشته میشود .

باپیروزی مردم ایران یکبار دیگر وبرابرمردم کشورهای "دنیای سوم" این واقعیت روشن میگردد که امپریالیسم، باهمهٔ لاف و گزافش ، دیگرتوانائی گذشته راندارد ونمیتواند ، هرقدرهم برایش زیانبار باشد ، در برابر اقتدار روزافزون جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی جهان ،ازعهدهٔ اجرای وعده های پرطمطراق خویش درحمایت ازستمگران و غارتگران و جنایتکاران ، برآید . این پیروزی حتی عناصرواقع بین هیئت حاکمهٔ کشورهائی را ، که تاکنون یکجانبه به امپریالیسم اتکاء داشته اند ، بفکرمی اندازد ، چنانکه هم اکنون بفکرانداخته است .

باپیروزی جنبش ملی ودمکراتیك درایران و ایجاد یك جمهوری غیرمتعهد ، زنجیرپیمان های نظامی امپریالیستی دریکی ازحساسترین حلقه هایش ازهم گسسته خواهد شد و بالنتیجه تعادلی را ، که امپریالیسم میکوشد با دست حکومت متجاوز و نژاد پرست اسرائیل در تمام خاور میانه عربی بوجودآورد ، بهم خواهد زد . بدینسان مردم ایران باانقلاب پیروزمند خود نقش مهمی رادرحفظ و تحکیم صلح جهانی ایفاکرده اند .

سخن کوتاه ! پیروزی جنبش ملی ودمکراتیك ایران تأثیر ژرف وگسترده ودرازمدتی در سراسر جهان باقی خواهد گذاشت و درترازوی تناسب نیروها بزیان اردوگاه امپریالیسم و بسود جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی جهانی تغییرمحسوسی بوجود خواهدآورد . طبیعی است که برای تأمین پیروزی نهائی این انقلاب حفظ اتحاد نیروها و هشیاری انقلابی وادامهٔ مبارزه برای نیل به هدف های ملی ودمکراتیك انقلاب برای خنثی کردن توطئهٔ امپریالیسم وارتجاع شرط ضرور و حیاتی است .

۳ ــ فعالیت حزب درمیان دوپلنوم

دوران بین پلنوم پانزدهم و این پلنوم کمیتهٔ مرکزی ، یکی ازطوفانی ترین دورانهای تاریخ دوران معاصرمیهن مابود. رهبری حزب درمقابل مسائل بغرنجی ازلحاظ سیاسی و تشکیلاتی قرارگرفت و امروز میتوان گفت که ، علیرغم مشکلات فراوان داخلی وخارجی ، درمجموع

خود با موفقیت از عهدهٔ انجام وظایفی که ازطرف پلنوم پانزدهم به او واگذار شده بود ، برآمد. فعالیت حزب را در دو زمینه ، در زمینهٔ فعالیت سیاسی و در زمینهٔ کار تشکیلاتی ، مورد بررسی کوتاه قرار میدهیم :

۱ــ در زمینهٔ فعالیت سیاسی

بطورکلی در فاصلهٔ بین دو پلنوم ، هیئت اجرائیه کوشید خط مشی سیاسی تعیین شده ازطرف پلنوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی را ، که محتوی اساسی آن تشدید مبارزهٔ همه جانبه در راه رسیدن به مبرمترین هدف جنبش انقلابی ایران در مرحلهٔ کنونی ، یعنی سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک و ضد خلقی شاه سابق بود ، در شرایط مشخص ایران پیاده کند . هیئت اجرائیه کوشید همهٔ نیروهای ملی و دمکراتیک را در جبههٔ متحدی گرد هم آورد .

در این زمینه ما کوششهائی انجام دادیم. درست است که در سطح رهبری سازمان ها و گروههای مبارز انقلابی چنین جبهه ای هنوز بوجود نیامده ، ولی در سطح توده ها ، ازهمان آغاز گسترش پرشتاب جنبش ، این جبهه در عمده ترین شعارها ، در مبارزهٔ روزمره با روشنی کامل بوجود آمد و روز بروز محکمتر شد . این جبههٔ اتحاد خلق برای استقلال و آزادی ، علیرغم همهٔ توطئه های تفرقه اندازانهٔ رژیم ساواکی شاه و امپریالیستها ، هرروز محکمتر گردید و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ، که آخرین حملهٔ قهرمانانهٔ خلق علیه آخرین دژهای رژیم آغاز گردید ، بصورت همکاری مسلحانهٔ همهٔ گردانهای مبارز خلق در جبههٔ متحد ، شکل یافت. و پیروزی تاریخی کم نظیر و بیسابقه ای را برای جنبش انقلابی ایران تأمین کرد .

بدون اینکه بخواهیم بخود ببالیم ، این واقعیتی است که برنامهٔ پیشنهادی روشن کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در اعلامیهٔ ۱۳ شهریور برای تشکیل جبههٔ ضد دیکتاتوری ، در متبلور ساختن شعارهای همهٔ جنبش تأثیر بسزائی داشته است. تقریبا همهٔ شعارهای پیشنهادی کمیتهٔ مرکزی ، که تجلی خواست اکثریت مطلق میهن پرستان و آزادیخواهان ایران بود ، با رنگهای گوناگون ، بصورت شعار عمومی و متحد همهٔ جنبش انقلابی درآمد .

جریان رویدادهای انقلابی آخرین روزهای حکومت بختیار و سرانجام قیام انقلابی تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ ، با روشنی درستی اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب را در مورد لزوم تدارک مبارزهٔ مسلحانه برای مقابله با دسیسه های کودتائی و درهم شکستن آخرین دژهای رژیم و امپریالیسم نشان داد .

شعارهائی که ازطرف حزب ما مطرح شد ، چکیدهٔ برنامهٔ سیاسی حزب تودهٔ ایران و انطباق آن برشرایط مشخص مرحلهٔ کنونی جنبش ملی و دمکراتیک ایرانست . حزب طبقهٔ کارگر ایران حق دارد تأکید کند که اولین سازمان سیاسی ایران بود که با تمام صراحت و بدون ترس از همهٔ فشارهای ددمنشانهٔ رژیم سابق ، لزوم برانداختن نظام جنایتکار و پوسیده و خیانت پیشهٔ سلطنتی را ، بعنوان اولین گام اساسی برای آغاز تغییرات بنیادی در جامعهٔ ایران به سوی استقلال ، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی ، مطرح کرد و با پیگیری در راه رسیدن به این هدف کوشید . یادآوری کنیم که اولین پیام ما به نیروهای مسلح ایران برای سرنگون کردن رژیم خائن شاه شش سال پیش مقارن با حملهٔ ناجوانمردانهٔ ارتش مزدور شاه سابق به مبارزان ظفار در عمان منتشر گردید .

امروز ما در ایران با چنین وضعی روبروهستیم که ، علیرغم همهٔ حملات دشمنانه ای که از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی ، ازطرف وازدگان و طردشدگان ازجنبش انقلابی راستین

مارکسیستی ــ لنینیستی ایران، ازطرف عناصرناآگاه و بی تجربه وحتی ازطرف گروههای ملی و مبارز دیگرکه حزب تودهٔ ایران رارقیب خود درمیان خلق میدانند، به حزب ماوارد شده و میشود، اعتبار و نفوذ حزب درمیان خلق و بویژه درمیان طبقهٔ کارگر و روشنفکران انقلابی ایران بطورمحسوس نسبت به گذشته بالا رفته و هیچکس درایران و درخارج، هراندازه هم بکوشد تاصریحاآنرابیان نکند، ولی تردید ندارد که حزب تودهٔ ایران یگانه سازمان راستین سیاسی طبقهٔ کارگرانقلابی ایران، یگانه سازمان پیگیر مارکسیست ــ لنینیست و هوادار انترناسیونالیسم پرولتری است که بصورت یك عامل سیاسی مهم درزندگی کنونی وآیندهٔ میهن ما باریشه های محکم درمیان خلق، جای گرفته است. ماباید تمام کوشش خود رادراین راه بکار اندازیم که با پیگیری درادامهٔ راه درست، درراه تحکیم اتحادنیروهای ملی ودمکراتیك، در جریان مبارزه برای بازگشت ناپذیرکردن پیروزی بزرگ تاریخی بدست آمده، درراه مبارزه برای تحکیم استقلال ملی، دمکراسی وتأمین حقوق زحمتکشان شهر و روستا، هر روز بیشتر اعتبار و نفوذ حزب راگسترش دهیم.

۲ ــ درزمینهٔ کارتشکیلاتی

بطورکلی برای فعالیت تشکیلاتی هیئت اجرائیه میتوان همان ارزیابی رامطرح کردکه در بارهٔ فعالیت سیاسی بیان شد، یعنی علیرغم مشکلات بزرگ عینی وذهنی، که بویژه دردوسال اخیرکارما وجود داشت، کارتشکیلاتی حزب، که هدف احیاء سازمانهای حزب درایران و گسترش فعالیت حزب درمیان ایرانیان مقیم کشورهای سرمایه داری غرب بود، میتواند ترازنامهٔ مثبت و ثمربخشی راعرضه دارد. شعبهٔ تشکیلات کوشید باکار پیگیر، باراهنمائیهای پلنوم پانزدهم، بامراعات اکید اصول پنهانکاری، کاراحیاء سازمانهای حزب را، که در دوران پلنوم پانزدهم هنوز اولین گامهای خود رابرمیداشت، باگامهای قابل توجهی بجلو ببرد.

جای خوشبختی است که هیئت اجرائیه توانست، درمجموع خود، براین دشواریها فائق آید و درحساسترین لحظه تاریخ دوران معاصر حزب، وحدت نظر رهبری حزب را بر پایه های اصولی تامین کند. ازاین لحاظ تصمیمات اجلاسیه دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه، برای مرحله کنونی پیشرفت حزب، دارای اهمیت بسیار است و انعکاس مثبتی داشته است.

هیئت اجرائیه امیدواراست که همهٔ کادرهای فعال حزب وهمهٔ رفقای حزبی با همان برخوردی بااین تصمیمات روبرو شوند که هیئت اجرائیه درراه غلبه برمشکلات پیش گرفت.

تأمین وحدت درصفوف رهبری حزب، برپایه اصول تزلزل ناپذیرزندگی حزب لنینی طبقهٔ کارگر، بموازات داشتن سیاست درست و بدون تزلزل، دوشرط اساسی و تعیین کننده برای ایجاد وحدت بین نیروهای راستین هوادارمارکسیسم ــ لنینیسم است و بنوبهٔ خود شرط اساسی تعیین کننده درتأمین اتحادبین نیروهای ملی وانقلابی است.

بدون تأمین این دوشرط اساسی، ازاتحادنیروهای ملی ودمکراتیك دم زدن، فریادی است بی پشتوانه و توخالی.

درباره‌ٔ کارهای انجام گرفته درزمینهٔ احیاء سازمانهای حزب درایران، نکات زیرین رابه اطلاع پلنوم میرسانیم:

مطابق تصمیم پلنوم گذشته پایهٔ کارسازمانی مادرایران براصل عدم تمرکز مبتنی بوده است. با پیروی ازاین اصل، شعبهٔ تشکیلات باگروههای پراکنده‌ای در سراسر ایران تماس برقرارساخت. این گروهها، بخشی بافرستادن افرادی ازفعالین حزب درارو پای

باختری به ایران ، و بخش دیگری از راه تماس گرفتن افراد وگروههائی که در کشورفعالیت میکردند ، بامرکز حزب ، بوجودآمده اند .

انتشار روزنامهٔ نوید ، که ابتدا درهزارشماره و درهفته های اخیر باتعدادی درحدود ۲۵۰ هزارشماره چاپ و پخش گردیده است ، تأثیرفوق العاده مثبتی در بالابردن حیثیت حزب ، در بردن افکارونظریات حزب به میان قشرقابل توجهی ازمردم و بویژه درمیان کارگران و روشنفکران ودانشجویان داشته است .

غیرازسازمان نوید ، گروههای دیگرحزبی ،با امکاناتی محدودتر، به انتشارنشریه هائی وابسته به حزب دست زده اندمانند هفته نامهٔ "صدای مردم" و "اخگر" . گروههای متعدد دیگری به تجدید چاپ نوید در ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ وگاهی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند ــ برخی با فوتوکپی وبرخی دیگر باتجدید چاپ مقالاتی ازنوید .

پخش نشریات حزب که درگذشته تنها ازراه فرستادن آنهاازاروپا ، ازراههای مخفی ، با اشکالات زیادانجام میگرفت ، درماههای اخیرگسترش بیسابقه ای پیداکرد ، به این شکل که عده ای ازهواداران حزب ، ودرمواردی هم بعضی موٴسسات خصوصی ، به چاپ وسیع نشریات حزب دست زدند . تقریباهمهٔ کتب و بروشورهای حزب باتیراژهای بسیار بزرگ چاپ و به وسیعترین شکل درسراسرکشور پخش شده است . بعنوان یك نمونه میتوان گفت که تا ۳ ماه پیش ، مانیفست حزب کمونیست بیش از ۳۴۰ هزارنسخه چاپ و پخش شده است .

درماههای اخیرگرایش به حزب گسترش بیسابقه ای پیداکرده ، وماطلاع داریم که درایران گروههای متعددتوده ای وجوددارند ، که هنوز بامرکز حزب تماس نگرفته اند. این گروهها باابتکارخود فعالانه درجهت سیاست حزب عمل میکنند . این مسلم است که تعداد وابستگان به حزب درایران بمراتب بیشترازآن گروههائی است که تاکنون توانسته اند با مرکز حزب تماس بگیرند .

اکنون مسئلهٔ مبرمی که دربرابرحزب قرارگرفته ، آغازفعالیت علنی حزب است . دراین زمینه مامشغول تدارك هستیم و هم اکنون اقدامات مشخصی انجام گرفته که منتظر هستیم درآیندهٔ نزدیکی نتیجه بدهد .

٤ ــ وظایف حزب درمرحلهٔ کنونی

۱ــ درزمینهٔ سیاسی ــ اولین ومهمترین وظیفهٔ حزب مادراین زمینه، کوشش دراین راه است که باهمکاری همه جانبه باهمهٔ نیروهای راستین انقلابی خلق ، ودردرجهٔ اول با نیروهائی که تحت رهبری آیت الله خمینی قراردارند ، نهال جوان پیروزی بدست آمده را ، که باخون دهها هزارمبارزقهرمان آبیاری شده است ، تحکیم کنیم و این نهال راهرروز ریشه دارتر و بارآورتر سازیم .

باید باتمام نیرو بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را ، که بدون تردید دارای بُرد عظیم جهانی است ، بازگشت ناپذیرکنیم . دراین راه باید بویژه از تاریخ معاصرجنبش انقلابی ایران ، ازانقلاب مشروطیت گرفته تاکنون ، و همچنین از جنبشهای انقلابی سایرخلقها ، چه آنهائیکه پرچم پیروزی را درکشورهای خود برافراشته ، چه آنهاکه باناکامی و شکست روبرو گشته اند ، بیاموزیم و بازهم بیاموزیم .

جنبش مابامسائل بسیار بغرنجی روبرواست . امپریالیسم وارتجاع ایران ، که هنوز

سنگرهای محکمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند ، امروز نقاب تازه برچهره زده و از درآشتی با جنبش خلق درآمده اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جابزنند و اهرمهای فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره ، بایك توطئهٔ خائنانه ، جنبش را غافلگیرکرده سرکوب نمایند . فاش شدن توطئهٔ خائنانهٔ سرهنگ توکلی معاون ستاد ارتش نمونه ای از این خطر بزرگ است .

تنها هشیاری ، بیداری وآمادگی نیروهای متحد خلق میتواند ضامن بازگشت ناپذیر کردن پیروزی و جلوگیری ازهرگونه توطئهٔ احتمالی باشد . هرگونه خوش باوری ، هرگونه سهل انگاری ، هرگونه اعتماد به کسانیکه تا دیروز عمال دستگاه جنایت پیشهٔ رژیم سابق بودند، گناه جبران ناپذیری است . مثلا رویدادهای شیلی و مصر نمونه هائی است ازامکانات گوناگونی که امپریالیسم وارتجاع در زرادخانهٔ توطئه سازی خود دارند . دستگاهی که خود برای سرکوب خلق بوجودآمده ، نمیتواند به خلق خدمت نماید . اینست قانون همهٔ جنبشهای انقلابی سراسر تاریخ جهان .

به این ترتیب وظیفهٔ حزب است که ضمن تمام کوشش برای پشتیبانی ازتصمیمات مترقی دولت موقت مهندس بازرگان و پس ازآن از دولت ملی ، که بر پایهٔ انتخابات آزاد بوجود خواهد آمد ، همواره مردم را متوجه خطرات احتمالی بنماید ، ماسك از چهرهٔ تفرقه اندازان بهرلباس که درآیند ، بردارد و امراتحاد نیروهای ملی و دمکراتیك راگام به گام به پیش ببرد.

مسلم است که سرمایه داری لیبرال ، که تاکنون با جنبش همراه بوده ، میکوشد جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خلقی ومردمی آنرا تضعیف نماید. تجربهٔ همهٔ انقلابها نشان داده است که باگسترش جنبش انقلابی درجهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه داری لیبرال حاضرشده است از انقلاب رو بر گرداند و با باقیمانده های نیروهای ضدانقلاب سازش کند وآنرابرای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رشد کنند . حتی پیش از پیروزی انقلاب ، سروصداهائی حاکی ازعدم رضایت این بخش ازمحتوی مترقی نظریات آیت الله خمینی در زمینهٔ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بگوش میرسید واین عدم رضایت روز بروز شدت پیدا میکند . این جناح میکوشد انقلاب را در چهار چوب رفراندم برای اعلام جمهوری ، انتخاب مجلس شوراوتأمین برخی آزادیهای دمکراتیك نگهدارد و در زمینهٔ اقتصادی همان راه فلاکت بار سرمایه داری راادامه دهد .

حزب ما باید در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده ای ، اتحاد همهٔ نیروهای دمکراتیك متکی به طبقات زحمتکش واقشارمتوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را ، هراندازه ممکن است ، تقویت و پشتیبانی نماید. ما باید بکوشیم با اتکاء به طبقهٔ کارگر و سایرزحمتکشان شهر و روستا بویژه با نیروهای فعال انقلابی ، که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند ، از جمله با سازمان مجاهدین خلق و همچنین با سایرنیروهای انقلابی مانند سازمان چریکهای فدائی خلق و گروههای مترقی روشنفکران و بخش دمکراتیك سرمایه داری ملی بر پایهٔ یك برنامهٔ مترقی وخلقی زبان مشترك پیداکنیم و جبههٔ متحدی بوجودآوریم و این جبهه رابه صورت سدی در برابر تلاشهای سازشکارانهٔ جناح سرمایه داری لیبرال ایران قرار دهیم. تنها ازاین راه میتوان به این هدف رسید که همهٔ مردم ، ودر درجهٔ اول قشرهای دهها میلیونی مردم زحمتکش در کارخانه ها و کارگاهها و روستاها و ادارات وموسسات از نتایج محسوس و مشخص انقلابی که

باخون خود به پیروزی رسانده اند ، بهره مند شوند .

یك چنین برنامه ای باید درزمینهٔ بازسازی نظام نوین سیاسی واجتماعی ، تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیك ، نوسازی اقتصادی ، بهبود محسوس زندگی مادی ، تأمین حقوق اجتماعی زحمتکشان شهروروستا ، سالم سازی فرهنگ اجتماعی برپایهٔ عینی آنچه که در مرحلهٔ کنونی جنبش انقلابی میهن ماعملی است ، تهیه و بابحث و موافقت نیروهای نامبرده در بالا ، بعنوان برنامهٔ مشترك جبههٔ متحد خلق ، طرح گردد .

درارتباط بااین تلاش مابایدازطرح شعارهائی که درمرحلهٔ کنونی جامعهٔ ایران غیر واقعی هستند ، مطلقاخودداری کنیم و سایرنیروهای انقلابی رانیزازطرح اینگونه شعارهابرحذر داریم . طرح شعارهای غیرواقعی میتواند مورد سوءاستفادهٔ دشمن ومحافل راست قرارگیرد و کار آنانرا درزمینهٔ تفرقه اندازی وجداساختن نیروهای پیشاهنگ از مردم آسان تر سازد .

بطورخلاصه ، وظیفهٔ مبرم حزب مادرزمینهٔ فعالیت سیاسی ، درمرحله ای که بلا فاصله در برابرماقرارگرفته ، عبارتست از کوشش درایجاد جبههٔ متحد خلق ، برای آنکه وعده های اجتماعی و اقتصادی که آیت الله خمینی بعنوان وظایف جمهوری اسلامی مطرح کرده ، بوسیلهٔ دولتها عملی گردد . مابایدکوشش کنیم تلاش بورژوازی لیبرال راکه میکوشد در درجهٔ اول حزب تودهٔ ایران و پس ازآن دیگر سازمانهای انقلابی خلق رامنفرد سازد و قشرهای وسیع زحمتکشان را بدنبال خود ببرد ، باناکامی روبرو سازیم واین تنهااز راه برقراری اتحاد محکم با نیروهای واقعاانقلابی جنبش امکان پذیراست .

برای انجام این وظایف سیاسی ، کارسازمانی حزب ما ، دردورانی که بلافاصله در برابر ماست اهمیت تعیین کننده پیدامیکند .

دربرابر حزب مادرشرایط کنونی وظایف سیاسی مهمی مانند شرکت در رفراندم وانتخابات مجلس موسسان واظهارنظر درباره قانون اساسی جدید ، شرکت درانتخابات مجلس آینده ، مطرح است و پلنوم حاضر به هیئت اجرائیهٔ جدید رهنمود میدهدکه درمقابل این رویدادهای تاریخی موضع حزب و وظایف مشخص همهٔ افرادی راکه به سخن حزب ما گوش میدهند ، روشن گرداند .

۲ــ وظایف سازمانی ــ روشن است که مهمترین وظیفهٔ سازمانی حزب انتقال رهبری حزب به ایران ، احیاء سازمانهای حزب درسراسرکشور، در شهر و روستا و آغاز وسیع فعالیت علنی حزب است . دراین زمینه باید به دو نکتهٔ اساسی توجه کنیم ، اول اینکه باید هرچه زودتر گروههای پراکندهٔ حزب رادریك سازمان واحد سرتاسری ، بامرکز رهبری واحد و مراکز رهبری محلی ، بهم پیوند دهیم و باتمام قوا برای جلب و سازماندهی هزاران مبارز توده ای درکشور، که تاکنون باگروههای حزبی رابطه نداشته اند ، اقدام نمائیم . درعین حال باید تمام هشیاری خود رابکار بریم تااز ورودعناصرناباب ، عناصری که شایستگی و برازندگی عضویت حزب طبقهٔ کارگررانداردند ، به صفوف حزب جلوگیری نمائیم . حزب محل تجمع پیشاهنگ انقلابی طبقهٔ کارگر و بهترین عناصر انقلابی سایرطبقات و اقشارد مکراتیك است . حزبی فشرده ، ولی باکیفیت انقلابی ، بمراتب نیرومندتر ازحزبی است باافراد زیاد ، ولی با کیفیت انقلابی ضعیف . درارتباط بااین امر، مابایدبویژه به ترکیب طبقاتی حزب توجه درجه اول داشته باشیم . ترکیب طبقاتی حزب طبقهٔ کارگر تأثیرمستقیم درخصوصیات انقلابی حزب دارد وعدم توجه به آن میتواند دشواریهای فراوانی ببارآورد . رعایت ترکیب طبقاتی حزب و

توجه ویژه به بخش کارگری آن تنها در مورد افراد حزب نیست ، بلکه در مجموعهٔ سازمان حزبی باید با اکید امورد توجه قرارگیرد. حزب باید از همان آغاز سازماندهی نوین خود به این مسئله توجه درجه اول مبذول دارد. البته باید در این کار بیش از هرچیز به محتوی اهمیت داد نه به شکل ظاهری. بویژه در مورد برگزیدن و به پیش کشیدن کادرهای حزبی نباید تنها به تعداد و درصد قناعت کرد. باتمام قوا باید به امر آموزش سیاسی کادرهای کارگری پرداخت و در این زمینه از همهٔ امکانات استفاده نمود.

نکتهٔ دیگری که باید مورد توجه رهبری وهمهٔ سازمانهای حزب قرارگیرد ، عبارتست از این که لااقل برای یك دوران نسبتاً طولانی تثبیت نظام دمکراتیك در ایران ، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود ، تا هنگامیکه نظام دمکراتیك در ایران مستقر نشده و بازگشت ناپذیر نگردیده است ، همیشه خطر دستبردهای ارتجاعی وجود دارد. لذا حزب ما باید همیشه آماده باشد که به فعالیت سیاسی وانقلابی خود در هرگونه شرایط نامساعد ادامه دهد.

سمتگیری کار سازمانی ما باید این باشد که هرچه زودتر شرایط لازم را برای دعوت کنگرهٔ سوم حزب یا کنفرانس سراسری حزب فراهم آوریم. حقوق و وظایف واختیارات این کنفرانس در کمیتهٔ مرکزی حزب تعیین وتصویب میشود.

۳ــ کار توده ای ــ بموازات کار سازمانی برای احیاء سازمانهای حزب ، ما باید توجه همه جانبه ای به کار توده ای مبذول داریم. جنبش انقلابی ایران دهها میلیون نفر از مردم شهر و روستا را به میدان عالیترین نبردهای سیاسی کشانده و در مدت کوتاهی ، در زمینهٔ آگاهی سیاسی واجتماعی ، فرسنگها بجلو آورده است . باید از این امکان مساعد بی نظیر و کم سابقه ، برای متشکل ساختن توده ها در سازمانهای دمکراتیك ، که مهمترین ضامن برقراری وپایداری نظام دمکراتیك جامعه خواهند بود ، بهره برداری کرد.

طبقهٔ کارگر قهرمان ایران که در پیشاپیش جنبش انقلابی ، پرچم انقلاب را بر دوش کشید و به پیش برد و به پیروزی رسانید ، همهٔ امکانات را دارد که در سازمانهای صنفی دمکراتیك مستقل خود متشکل شود وحق آنرا دارد که از راه سازمانهای دمکراتیك صنفی خود در تنظیم نظام اقتصادی کشور شرکت نماید. طبقهٔ کارگر حق دارد در اداره امور موسسات صنعتی و کشاورزی و از آنجمله در تنظیم برنامهٔ تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد شرکت عملی وفعال داشته باشد.

وظیفهٔ حزب است که طبقهٔ کارگر ایران را در عملی ساختن این خواستهای بحقش همه جانبه پشتیبانی کند و در کار سازماندهی صنفی اش به او کمك برساند.

مسلما بر سر راه سازماندهی صنفی طبقهٔ کارگر مشکلات بسیاری برپا خواهد شد. گروههای سیاسی انحصارطلب خواهند کوشید سازمانهای صنفی طبقهٔ کارگر را زیر کنترل انحصاری خود درآورند. آنها خواهند کوشید پیشاهنگ انقلابی طبقهٔ کارگر را از طبقهٔ کارگر جدا سازند. این اقدامات همگی در جهت تجزیه و تقسیم و محدود ساختن آزادی سندیکائی طبقهٔ کارگر است و ما باید بکوشیم کارگران را از نفوذ اینگونه گرایشها در صفوفشان برحذر داریم. شعار گویائی که در روزهای پرشور مبارزات انقلابی ، هنگام یکی از راه پیمائی ها در پیشاپیش صفوف کارگران تهران در اهتزاز بود ، " طبقهٔ کارگر متحد همه چیز ، متفرق هیچ چیز! " باید به شعار جنبش صنفی دمکراتیك کارگری سراسر ایران بدل شود.

تلاش برای کمك به فعالیت سازماندهی دمکراتیك صنفی سایر اقشار زحمتکشان وبخشهای

مردم باید در همین چهارچوب تنظیم گردد.

ما باید به زنان آزاده، به کارگران کشاورزی و روستائیان کم زمین و بی زمین، به جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان، به کارمندان دولت، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی و خلاصه به تمام اقشار دمکراتیک جامعه، برای تشکل و مبارزهٔ صنفی خودشان همه جانبه کمک برسانیم.

رهبری حزب باید در همهٔ این زمینه ها مطالعات همه جانبه بعمل آورد و این بخش بسیار مهم کار اجتماعی خود را طبق نقشهٔ منظمی طرح ریزی کند و در عمل پیاده نماید.

۴ــ وظایف تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی ــ حزب ما حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر ایران است. ما باید افراد حزب را با جهان بینی حزبمان ــ مارکسیسم ــ لنینیسم ــ عمیقاً آشنا سازیم. حزب باید بویژه در بالا بردن دانش علمی کادرهای جوانی که به حزب روخواهند آورد، با تمام نیرو بکوشد. در این زمینه باید توجه داشته باشیم که آموزش مارکسیسم ــ لنینیسم باید در تمام بخشهایش در انطباق کامل و پیوسته با واقعیت تاریخی و امروزی جامعهٔ ایران عملی گردد. در این زمینه از طرف حزب ما کارهای با ارزشی انجام گرفته، ولی باید اذعان کنیم که ما هنوز کمبود بسیار داریم و باید با بکارگرفتن همهٔ امکانات این کمبود ها را رفع نمائیم.

در زمینهٔ ترویج مارکسیسم در جامعهٔ ایران، باید به این واقعیت شادی آور توجه کنیم که امروز با رشد بیسابقهٔ کمی و کیفی طبقهٔ کارگر در سالهای اخیر، با پیدایش یك قشر نیرومند روشنفکران جوان و دانشجویان در جوّ انقلابی بیسابقه و بی نظیر جامعهٔ ایران و زیر تأثیر پیروزیهای جنبشهای مارکسیستی ــ لنینیستی راستین در سراسر جهان، تشنگی برای آموزش مارکسیسم ــ لنینیسم بطور بیسابقه ای در ایران و کم سابقه در سراسر جهان شدت یافته است. ولی از سوی دیگر این تحول تاریخی شادی آور وظایف سنگینی را در برابر حزب ما قرار میدهد. ما باید به این تشنه لبان، آب گوارای مارکسیسم ــ لنینیسم را برسانیم. مسلماً در این زمینه کار ما آسان نیست. امپریالیستها، مرتدان از مارکسیسم و پرووکاتورهای چینی خواهند کوشید بنام مارکسیسم بازار کتاب ایران را از محصولات مخدوش و وازده پر کنند و از هر راه آبهای مسموم را به خورد تشنگان بدهند. ما باید ضمن اشاعهٔ آثار واقعی مارکسیستی، آثار تحلیلی و انطباقی مارکسیسم ــ لنینیسم بر واقعیت جامعهٔ ایران، بخش قابل توجهی از فعالیت ترویجی خود را برای افشاء این دغلکاری دشمنان طبقهٔ کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بکار اندازیم. رفقای ما در این بخش کار بسیار سنگینی در پیش دارند.

در زمینهٔ کار تبلیغاتی توجه حزب ما باید در این جهت باشد که در جامعهٔ امروزی ما نسبت به جامعهٔ پریروزی و دیروزی، تحولات ریشه ای فکری بوجود آمده است. حزب ما با آنچنان فضای سیاسی روبروست که در گذشته به اینصورت هرگز در برابر ما قرار نداشته است. نظریات فلسفی و اجتماعی اسلام بازندگی سیاسی قشرهای وسیع مردم شهر و ده بهم آمیختگی بیسابقه ای پیدا کرده اند و هیچ حزب جدی نمیتواند این واقعیت را در نظر نگیرد. این واقعیت بما حکم میکند که در عین رعایت حد اعلای اصولیت در دفاع از نظریاتمان در کار تبلیغاتی روزمره، از هرگونه برخورد غیرعقلانی با تمام نیرو پرهیز کنیم. ما باید در زمینهٔ کار تبلیغاتی، در همهٔ جبهه هائیکه رفقای حزبی ما فعالیت میکنند، منتهای اصولیت در دفاع از عقاید خود را با منتهای نرمش و احترام در برابر نظریات گروههای دیگر خلق، بویژه گروههای مذهبی تلفیق نمائیم. ما باید بکوشیم همیشه در درجهٔ اول، روی آنچه که ما را بهم نزدیك میکند، تکیه کنیم. دستگاه تبلیغاتی حزب ما باید در این زمینه، یعنی در مشخص ساختن دقیق و علمی آنچه که

در بخش مسائل اجتماعی ، هواداران مذهب اسلام وهواداران سوسیالیسم علمی رابهم نزدیك میکند ، کاروسیعی انجام دهد. باید کادرهای حزبی رادراین باره بطورهمه جانبه مجهز ساخت. هرگونه کم توجهی یابی توجهی دراین میدان نبرد فکری وعقیده ای میتواند زیانهای جبران ناپذیر ببارآورد .

همین اصل رامیتوان درزمینهٔ تبلیغات سیاسی یادآوری کرد . درمیدان نبرد تبلیغات سیاسی ، حزب مابایداصولی ، بانرمش ، خونسرد ، عاقلانه، بدون شتابزدگی در قضاوت ها و دادن ارزیابیهائی ، که هنوز دلائل کافی برای آنهاوجود ندارد ، بدون برچسب زدن های احساساتی عمل کنیم و از زنندگی درلحن جدا پرهیز نمائیم.

تبلیغات مابایدساده و قابل فهم برای توده هاباشد ، قابل فهم نه تنهاازلحاظ سادگی زبان، بلکه ازلحاظ محتوی . ما درکارتبلیغاتی بایدمسائل راطوری مطرح کنیم که درك درستی ادعای ما برای توده ها ، باتجربهٔ روزمرهٔ خودشان ، امکان پذیرباشد .

اینهاست آن کلی ترین نکاتی که بنظرمابایدارگانهای تعلیماتی ، ترویجی و تبلیغاتی بطور پیگیرمراعات نمایند .

ه ــ لزوم تکمیل برنامه واساسنامهٔ حزب ــ بحق میتوانیم ادعاکنیم که برنامهٔ مصوبهٔ پلنوم پانزدهم حزب ، عالیترین سند سیاسی تاریخ حزب است. این برنامه برپایهٔ عالی علمی مارکسیستی ــ لنینیستی تحلیل درستی از اوضاع ایران وجهان داده واحکام اساسی آنرا زندگی باروشنی تأییدکرد . ولی اوضاع کشورماوجهان ، ازتاریخ تدوین این برنامه باگامهای بلندی به جلو رفته وتحولات عظیمی درهمهٔ جهان و بویژه درمیهن مابوجودآمده است. بخشی ازآنچه که مابعنوان هدفهای جنبش انقلابی ایران ، در برنامه بدرستی طرح کرده بودیم، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامهٔ عمل پوشیده است . به این ترتیب ضرورت نوسازی برنامه کاملا مشهود است.

پیشنهاد ما اینست که پلنوم به هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب مأموریت دهدکه در کوتاهترین مدت ممکن ، این نوسازی رادرمتن برنامه تدارك ببیند و دراساسنامهٔ حزب متناسب باشرایط مشخص امروزی تغییرات لازم راواردکند . اینکار بایدهرچه زودترانجام گیرد ، زیرا تردیدی نیست که مهمترین سند سیاسی حزب ، برای تبلیغات سیاسی ، سندی که مارکسیسم ــ لنینیسم راباشرایط مشخص جامعهٔ کنونی ایران منطبق سازد ، برنامهٔ حزب است .

پیشنهاد پلنوم کمیته‌مرکزی
حزب توده ایران

همه با هم در جبهه متحد خلق

برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک

بسود زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه

هم‌میهنان عزیز ، رزمندگان ومبارزان راه‌خلق !

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران ، با درك عمیق مسئولیت خطیر ملی ومیهنی خویش ، در این‌لحظات حساس‌تاریخی توجه شمارا به یك سلسله نکات مهم واساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب وبرون رفت کشورازبحرانی که طی دهها سال فرمانروائی امپریالیسم ورژیم دست نشاندهاش گریبانگیرمیهن ماشده است ، جلب میکند .

باسرنگونی رژیم فاسد سلطنتی واعلام دولت موقت انقلابی ، نخستین مرحله انقلاب ملی و دموکراتیك ایران‌به پیروزی عظیم‌تاریخی دست یافت . دراین انقلاب بزرگ ، همه مردم ، سوای گروه‌ناچیزخائن به‌منافع ملی ، دریك جبهه متحد شرکت‌کردند وباجانبازیهای کم نظیرخود صفحات درخشانی به‌تاریخ انقلابهای خلقهای ستم زده جهان‌افزودند .

خلق قهرمان ایران ، ازهمان نخستین روزهای گسترش پرشتاب جنبش انقلابی خویش ، خواست های اساسی خود را بشرح زیرین مطرح ساخت :

- براندا ختن نظام فاسد سلطنتی ودرهم شکستن دستگاه خیانت ، غارت ، اختناق ، جنایت وفساد .
- استقرارجمهوری متکی برارادهٔ خلق وتامین‌کامل کلیه حقوق وآزادیهای فردی واجتماعی دموکراتیك .
- پایان دادن به‌تسلط نظامی ، سیاسی ، اقتصادی‌وفرهنگی امپریالیسم .
- برچیدن بساط غارتگری بی بند وبارسرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم وزمینخواران وزمینداران بزرگ ، بازگرداندن ثروتهای غارت شده ملی به‌مالکیت همگانی خلق .
- ایجاد نظام عادلانه اقتصادی برپایه بهره برداری معقول ازثروتهای ملی واستفاده صحیح ازنیروی کارانسانی برای تامین پیشرفت اجتماعی وبهبود زندگی دهها میلیون زحمتکش شهروروستا .

درهم کوفتن‌رژیم درنده وخون‌آشامی که‌هم خود تا بُن‌دندان‌مسلح وهم ازحمایت جدی بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان ــ امپریالیسم امریکا ــ برخورداربود ، ووارد کردن ضربات در هم شکن برارکان تسلط راهزنانه امپریالیسم برمیهن‌ما ــ چنین است دستاوردهائی که انقلاب خلق بدان رسیده است .

حزب توده ایران دراین‌نکته‌باآیت الله‌خمینی کاملا هم‌آواست که این‌کامیابی ، نخستین دستاوردرراه بسیارد شواروپرخطری است که انقلاب خلق درسرآغازمرحله دوم خود بدان رسیده است ومهمترین وظیفه درشرایط کنونی تحکیم وتثبیت پیروزی بدست‌آمده ونوسازی اقتصادی و بازسازی اداری‌کشوراست .

حزب توده ایران برآنستکه تحقق این هدف ها درگرواقدامات قاطع وسریع برای انحلال پایگاههای نظامی وقطع نفوذ سیاسی واقتصادی امپریالیسم وبرانداختن کلیه بازمانده های ارتجاع است .

تاریخ انقلابهای اصیل نشانگرآنستکه تنهاباتامین استقلال سیاسی وبرکناری گروهی از تبهکارترین کارگزاران رژیمهای کهنه‌نمیتوان تسلط اقتصادی امپریالیسم وارتجاع را برانداخت .

دست نخورده‌ماندن مواضع اقتصادی امپریالیسم وارتجاع برای سرنوشت نهائی انقلاب خطرات جدی دربرد ارد . فقط بادرهم شکستن وبرانداختن این‌مواضع است که‌میتوان خواستهای حقه‌میلیونهاانسان‌محروم وزحمتکش راتحقق بخشید ،صنعتی کردن را بروفق منافع ملی وفارغ از وابستگی به امپریالیسم سامان داد ،کشاورزی راازوضع نابسامان کنونی بیرون آورد ، زندگی زحمتکشان راباآهنگ سریع بهبود بخشید وفرهنگ ملی راشکوفان ساخت .

حزب توده ایران همه‌مبارزان راه خلق رافرامیخواند که هرچه زود تربراساس برنامه مشترکی که خواستهای دهها میلیون زحمتکشان ومیانه‌حالان جامعه ایران را دربرگیرد ، توافق کنند واین برنامه را پایه‌عمل مشترك ومتحد خود درمبارزات آینده خویش برای تدوین قانون اساسی جدید، انتخاب مجلس موسسان ، تصویب قانون اساسی وانتخاب مجلس ملی ودولت ملی قرارد هند .

امپریالیست ها ونیروهای ارتجاعی وابسته به آنان میکوشند باتمام نیروبابستن اتحادبا بورژوازی لیبرال (که ازگسترش جنبش انقلابی هرروزبیشتربوحشت میافتد) باکمك خرابکارانه امثال بختیاروسرهنگ توکلی ، ازدرون صفوف نیروهای انقلابی ، این اتحاددموکراتیك راغیرممکن‌سازند وباافشاندن تخم نفاق ودودستگی درمیان‌نیروهای راستین انقلاب ، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند .

تنهابیداری ،هشیاری ،آمادگی واتحادنیروهای خلق بربنیاد برنامه سیاسی واقتصادی روشن ومبارزه‌متحد برای تحقق آن‌میتواند این‌نقشه‌های شوم‌وخطرناك را باناکامی روبروسازد .

براین اساس حزب توده ایران برنامه پیشنهادی زیرین رابرای ایجاد جبهه‌متحد نیروهای خلق مطرح میسازد ودرعین حال آمادگی جدی خودرا برای توجه وبررسی پیشنهاد مشخص دیگری دراین زمینه اعلام‌میدارد .

الف ــ درزمینه نظام سیاسی ، حقوق وآزادیهای سیاسی فردی واجتماعی

---

۱ ــ حزب توده ایران ابتکارحضرت آیت الله خمینی رادرمورد اعلام جمهوری اسلامی در ایران تایید میکند وبرای تحقق آن ازبذل هیچگونه‌مساعی دریغ نخواهد ورزید .

۲ ــ حزب توده ایران برآنستکه کشورمابرای دفاع ازاستقلال وتمامیت ارضی خویش باید دارای نیروهای مسلح دموکراتیك باشد . این‌نیروهای مسلح باید مجری اراده خلق باشند .بهمین جهت حزب توده ایران ازفکرایجادگارد مسلح ملی برای پاسداری انقلاب ومقابله باهرگونه توطئه محتمل جداپشتیبانی میکند .نیروهای مسلح دموکراتیك خلق مطمئن‌ترین وثیقه حفظ دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران است . ماعتقادراسخ داریم که‌گارد مسلح ملی باید همه‌نیروهای اصیل ملی ومیهن پرست داوطلب شرکت درآن را ،بدون هیچگونه پیشداوری ،بدون هیچگونه تبعیض و انحصارطلبی ،دربرگیرد .

۳ ــ نیروی حیاتی وشکوفائی جمهوری‌تنهادرصورت شرکت‌آزادوکارای همه‌خلقهای‌میهن ما درزندگی سیاسی واجتماعی ونیزدرصورت احترام متقابل به مذاهب ،آداب ورسوم ،فرهنگ ملی

وزبان همه‌خلقهای کشورمیتواند تامین گردد .

درجامعه ایران شرط لازم برای تحقق‌وحدت ملی وحفظ استقلال‌وتمامیت ارضی کشـــور، واگذاری خود مختاری اداری وفرهنگی بهمه‌خلقهای کشوردرچارچوب جمهوری واحد دموکراتیك ایران است .

٤ ــ درجمهوری نوبنیاد ایران شرکت فعال توده‌های انبوه مردم دراداره امورکشور باید ازطریق شوراهای استان ، شهرستان ، بخش‌وده تامین گردد . این‌شوراهاباید بصورت ارگـان های اعمال قدرت محلی بااختیارات ووظـائف مشخص‌عمل کنند .

٥ ــ تامین حقوق وآزادیهای دموکراتیك فقط زمانی میسراست که‌همه سازمانهای اجتماعی وسیاسی وصنفی ملی ومترقی ، بدون هیچگونه محدودیت وتبعیض ، امکان فعالیت‌آزادبرای نشر وتبلیغ نظریات خود داشته باشند وبه‌هیچگونه انحصارطلبی واعمال فشاروتحمیل نظریات وتبعیـض ازسوی هیچ مقام‌وهیچ فردی راه داده‌نشود . حصول این‌مقصود مستلزم آنستکه :

ــ کلیه قوانین ومقررات منافی باحقوق دموکراتیك وحاکمیت خلق ملغی شود ، محاکمه ومجازات کلیه‌کارگزاران فاسد وجنایتکاررژیم سابق عملی گردد .

ــ آزادی عقیده ، بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، احزاب ، تظاهرات وآزادی دفاع درمحاکم تامین گردد .

ــ حق انتخاب کردن‌وانتخاب شدن برای همه شهروندان کشور، صرفنظرازملیت ، جنس ، تعلقات مذهبی وسواد ، درکلیه موسسات انتخابی تامین شود .

ــ حق کامل تشکیل سازمانهای صنفی برای همه‌کارگران وزحمتکشان شهروده برسمیـــت شناخته شود واین سازمانهای صنفی درکلیه امورمربوط به تولید وشرایط کاروزندگی زحمتکشان حق دخالت داشته باشند .

ــ کلیه زحمتکشان شهروده ازحق بی‌چون وچرای اعتصاب برخوردارباشند .

ــ زن ومرد درجامعه برابری حقوق واقعی داشته باشند .

ب ــ درزمینه سیاست خارجی

١ ــ دفاع ازتمامیت ارضی ، تامین وتحکیم استقلال سیاسی واقتصادی کشور.

٢ ــ لغوکلیه قراردادهای نابرابراقتصادی ، سیاسی ونظامی علنی ویاسری که‌امپریالیسم ورژیم سرنگون شده به‌کشورماتحمیل کرده اند .

٣ ــ خروج فوری ازپیمان تجاوزکارسنتوولغوقرارداد دوجانبه نظامی با امریکا .

٤ ــ پیشنهادعقدقراردادوستی وعدم تجاوزبه همه‌کشورهای همسایه بویژه بعراق ، ترکیه افغانستان ، اتحادشوروی وپاکستان .

٥ ــ اعلام بیطرفی ایران‌وپیوستن آن به‌جرگه کشورهای غیرمتعهد .

٦ ــ پشتیبانی ازانعقاد پیمان امنیت دسته جمعی درمنطقه‌خاورمیانه ونزدیك وسراسرآسیا .

٧ ــ پشتیبانی مادی ومعنوی همه‌جانبه ازجنبشهای انقلابی وآزادیبخش ملی ضد امپریالیستی ودرد رجه اول ازجنبش‌آزادیبخش خلق قهرمان فلسطین .

٨ ــ کوشش برای برقراری روابط دوستانه وهمکاری مبتنی بربرابری حقوق وعدم مداخله در امورداخلی باهمه‌کشورهای جهان .

٩ ــ دفاع ازصلح جهانی واجرای پیگیراصول همزیستی مسالمت‌آمیز .

ج ــ در زمینه دفاع وحفظ امنیت کشور

۱ تصفیه کامل ارتش از تمام عناصر ضد ملی وفاسد .
۲ ــ دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به ارتش واقعاً ملی ، دموکراتیک وخلقی از طریق تشکیل کمیته های ملی سربازان ، درجه داران وافسران وتامین حق شرکت همه افراد ارتش در حیات سیاسی کشور .
۳ ــ کاهش بودجه ونفرات ارتش تا حد تامین نیازمندیهای واقعی دفاعی کشور .

د ــ در زمینه اقتصادی

۱ ــ ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور ، از طریق الغاء کلیه قراردادهای اسارت آور .
۲ ــ ملی کردن کلیه موسسات صنعتی ، کشاورزی ومالی متعلق به انحصارها ودولتهای امپریالیستی ، ملی کردن بانکها وموسسات بیمه خصوصی وواحدهای بزرگ صنعتی و کشاورزی که در دست کارگزاران وسرمایه داران بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده متمرکزند وبطور عمده با سرمایه های امپریالیستی پیوند دارند .
۳ ــ ضبط همه ثروتهای متعلق به اعضای خاندان پهلوی ، کوشش در بازگرداندن ثروت هائی که توسط این افراد بخارج منتقل شده است . ضبط کلیه ثروتهائی که گردانندگان رژیم سابق وسایر کارگزاران امپریالیسم در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به تاراج برده اند . مصادره زمینهای متعلق به زمینخواران بزرگ وسفته بازان زمینهای شهری وواگذاری آن به شوراهای شهرستانها وشهرها وبخش ها برای ساختن خانه جهت زحمتکشان .
۴ ــ الغای قرارداد تحمیلی کنسرسیوم بین المللی نفت ، جلوگیری از افزایش نامعقول تولید نفت وکاربرد شیوه های فنی صحیح در زمینه بهره برداری از منابع نفت بمنظور حفظ هرچه طولانی تر خایرگرانبهای نفت کشور ، جلوگیری هرچه سریعتر از هدر رفتن گازهای طبیعی وفراهم ساختن شرایط لازم برای استفاده صحیح از این ماده گرانبها .
۵ ــ الغای کلیه قراردادهای پرهزینه ایجاد نیروگاههای هسته ای وموافقتنامه های مربوط به دفن زباله های اتمی در خاک کشور ما .
۶ ــ کاربرد برنامه ریزی علمی در کلیه شئون اقتصادی کشور .
۷ ــ صنعتی کردن کشور ، گسترش رشته های گوناگون صنایع سنگین وسبک برپایه استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی وفنی دوران ما ، با توجه به اولویت ، امکانات ونیازمندی های واقعی جامعه .
۸ ــ تمرکز رشته های اساسی صنعت ، بانکداری وبیمه در دست دولت ، دموکراتیزه کردن بخش دولتی وقرارداد آن در خدمت خلق .
۹ ــ اجرای اصلاحات ارضی بنیادی ، از طریق مصادره زمینهای متعلق به زمینداران بزرگ وملی کردن موسسات بزرگ خصوصی کشاورزی ، دایر کردن زمینهای بایر بمنظور تامین زمین کافی برای دهقانان بی زمین وکم زمین وکشاورزانی که بعنوان کارگر در مزارع کار میکنند ، تضمین مالکیت دهقانی ، ملی کردن موسسات کشت وصنعت .
۱۰ ــ بسط همه جانبه بازرگانی داخلی وکمک موثر به ترقی آن بمنظور گسترش وتحکیم بازار داخلی

پایان دادن به سیاست تباهی آور دهای بازوایجاد شرایط لازم برای تامین فعالیت سودمند سرمایه داران ملی .

۱۱ ــ تجدید نظر در توزیع درآمد ملی ، برمبنای تنظیم وتعدیل بودجه دولتی ، باتوجه به اصل اولویت های اقتصادی ، حذف کلیه هزینه‌های زائد وتخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع وهمه‌جانبه اقتصاد ، فرهنگ وآموزش عالی .

۱۲ ــ اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی بسود شاغلین کارهای جسمی وفکری در شهر و ده .

هـ ــ در زمینه بهبود زندگی

۱ ــ کارگران

ــ تامین شرکت برابر کارگران در اداره امور موسسات صنعتی وکشاورزی وازآنجمله در تنظیم برنامه تولید وبرقراری تناسب عادلانه میان سود ودستمزد .

ــ تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک .

ــ تامین اشتغال وتلقی آن بمثابه حق مسلم شهروندان کشور ، ازمیان بردن بیکاری در سراسر کشور .

ــ برسمیت شناختن قراردادهای دسته جمعی وایجاد تضمین های لازم برای اجرای آنها .

ــ افزایش فوری دستمزد ها ، متناسب با کارونیازمندی‌های درجه اول مادی ومعنوی زحمتکشان وخانواده‌های آنها ، باتوجه به نوسانات هزینه زندگی .

ــ کاهش ساعات کار در هفته در همه رشته‌های تولیدی وافزایش مدت مرخصی سالانه با استفاده ازحقوق باتوافق نمایندگان منتخب کارگران .

ــ تنظیم قوانین مترقی بیمه‌های اجتماعی بسود همه زحمتکشان وخانواده‌های آنها ، تامین خدمات پزشکی ودارو ی رایگان برای آنان .

ــ تامین مسکن مناسب برای کارگران .

ــ تجدید نظر در طبقه بندی مشاغل .

ــ افزایش مستمری کارگران بازنشسته .

۲ ــ روستائیان

ــ واگذاری اعتبارات دولتی فوری ، بذر وکود وکمکهای فنی به دهقانان خرده پا ومیانه حال .

ــ کمک همه‌جانبه به ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی دهقانی ، گسترش شرکتهای تعاونی فروش ومصرف بسود دهقانان وخرید محصولات کشاورزی به بهای عادلانه .

ــ حل جدی مسئله آب بسود دهقانان .

ــ الغای وامها واقساط زمین وتضییقات مادی دیگری که رژیم سرنگون شده به روستائیان تحمیل کرده است .

۳ ــ زنان

ــ تامین کلیه حقوق اجتماعی وسیاسی زنان برابر با مردان .

ــ پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کار یکسان با مردان ، منع کار کودکان .

ــ واگذاری مرخصی های درازمدت ، با استفاده ازحقوق ، برای زنان زحمتکش در دوران پیش وبعد از زایمان .

ـ ایجاد شبکه وسیع زایشگاهها وشیرخوارگاهها وکودکستانها برای استفاده زنان زحمتکش .

٤ ـ کارمندان

ـ تقسیم صحیح کار در ادارات ، ترفیع براساس آزمودگی وکیفیت کار وسوابق خدمت .
ـ تجدید نظر در قوانین استخدامی بربنیاد دموکراتیک وجلوگیری ازهرگونه تبعیض در مورد آنان .
ـ تامین مسکن متناسب برای کارمندان .
ـ شناسائی حق تشکیل سازمانهای صنفی برای همه کارمندان موسسات وادارات دولتی وخصوصی وتامین حق اعتصاب .

٥ ـ جوانان

ـ تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی .
ـ رایگان بودن آموزش از دبستان تا دانشگاه وپرداخت مدد معاش دولتی به فرزندان کارگران وکشاورزان وکارمندان کم درآمد .
ـ گسترش شبکه آموزشهای حرفه ای رایگان .
ـ تامین امکانات وسیع ورزشی وتربیت بدنی وتوسعه موسسات ورزشی وایجاد باشگاههای فرهنگی در شهرها وروستاها .
ـ تامین کتابخانه ها وقرائت خانه های دولتی عمومی در سراسر کشور با حق استفاده رایگان از آنها .

٦ ـ پیشه وران

ـ واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته های گوناگون پیشه وری .
ـ تشکیل اتحادیه های ویژه پیشه وری برای دفاع از خواستها ومنافع صنفی پیشه وران .
ـ تشویق کارهای دستی هنری ملی .

و ـ در زمینه فرهنگ

١ ـ ریشه کن ساختن همه آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمره مردم .
٢ ـ گسترش شبکه آموزش وپرورش در سراسر کشور ، رفع کمبود شدید دبستان ودبیرستان ، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاههای حرفه ای ، مدارس عالی ودانشگاهها .
٣ ـ توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاهداشته شده .
٤ ـ ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای خلقها واقلیت های ملی وتامین آموزش بزبان مادری ،
٥ ـ ایجاد فرهنگستان علوم ایران وتشکیل شبکه وسیع پژوهشگاههای علمی وفراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق وثمربخش دانشمندان .
٦ ـ کمک موثر به گسترش ورشد مطبوعات وانتشارات مترقی دموکراتیک .
٧ ـ تامین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری .
٨ ـ تامین آزادی برای نویسندگان وهنرمندان برپایه خواستهای حقه سازمانهای صنفی آنها .

ز ـ در زمینه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ، محکومان رژیم سابق وخانواده های قربانیان علیه استعمار واستبداد

۱ ــ اعلام بیدرنگ بی اعتباربودن کلیه احکام دادگاههای نظامی علیه‌مبارزان ضد رژیم سابق واعاده‌حیثیت ازهمه‌آنان .

۲ ــ تشکیل فوری کمیسیونی باشرکت نمایندگان منتخب زندانیان سیاسی برای تعیین و جبران کلیه‌خساراتی که درنتیجه زندانی شدن به این‌مبارزان واردآمده است . اختیارات وامکانات قانونی ومادی این‌کمیسیون برای جبران این‌خسارات باید ازطرف دولت‌تامین گردد .

۳ ــ کمک فوری ودرصورت لزوم تعیین‌مستمری به بازماندگان قربانیان رژیم سابق توسط کمیسیون خاصی بااختیارات قانونی ومادی لازم .

چنین است رئوس کلی برنامه ای‌که بنظرحزب توده ایران میتواند همه‌نیروهای مدافع انقلاب ملی خلق قهرمان ایران را ــ ازمبارزان پیگیرراه‌آیت الله خمینی گرفته تاحزب توده ایران وسایر نیروهای انقلابی چپ ، دریک‌جبهه‌واحد ومتحد گردآورد ــ جبهه ای‌که بتواند تسلط امپریالیسم رادر کلیه شئون براندازد ، ثروتهای ملی وقدرت اقتصادی راازچنگ عناصرغارتگر ، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم بیرون‌کشد وبسود خلق بکاراندازد .

فقط دربرتوی چنین جبهه ی متحد وتحقق چنین برنامه‌مشترکی است که‌میتوان دستاوردهای انقلاب خلق ماراحفظ کرد وبه‌خواستهای خلق انقلابی جامه‌عمل پوشانید .

حزب توده ایران همه‌نیروهای انقلابی ودرجه اول همه گروههای مبارزپیرو راه آیت الله خمینی ، سازمان مجاهدین خلق ، چریکهای فدائی خلق‌وهمه‌گروههای سیاسی وسازمانهای ملی ودموکراتیک دیگررابه بررسی این پیشنهاد حزب توده ایران دعوت‌میکند . بنوبه‌خود حزب توده‌ایران آمادگی خود را برای بررسی هرپیشنهاد دیگری که دراین‌زمینه مطرح گردد اعلام‌میکند .

هم‌میهنان ، مبارزان راستین راه‌خلق !

انقلاب ایران راهی دشواروسرشارازانواع مخاطرات ، توطئه هاودسیسه های دشمن درپیش دارد . دشمنان خلق هنوزنیرووامکان فراوان دراختیاردارند . تاریخ انقلابها بما میآموزد که‌پیروزی انقلاب بمراتب آسانترازرساندن انقلاب به فرجام آنست . تجربه انقلابهای اجتماعی بزرگ بمانشان‌میدهد که دشمن شکست خورده دردوران پس‌ازانقلاب سرسختی ومقاومتش‌ده چندان‌میشود . دشمن‌مردم ایران ــ ارتجاع وامپریالیسم ــ درون کشورسرکوب شده ولی بهیچوجه ازپای درنیامده است . تنهاباوحدت عمل واتحادکلیه‌نیروهای ملی ومترقی ، بافداکاری وقاطعیت انقلابی درگزینش برنامه های سیاسی واجتماعی واقتصادی درست‌است‌که میتوان براین دشواریها پیروز شد و دسیسه ها و توطئه های مخوف اشرار دشمن خلق را عقیم گذاشت .

حزب توده ایران برای‌تشکیل جبهه متحد خلق تمام‌نیرووامکانات خود را بکارخواهد برد .

پیروزباد انقلاب سترگ خلق دلاور ایران !

برقرارباد جبهه متحد خلق ، نیرومندترین اهرم پیروزی برد شمن‌مشترک !

تابناک باد خاطره شهیدان راه‌آزادی ، استقلال ملی وپیشرفت اجتماعی ایران !

پیام پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

به مردم مبارز و قهرمان ایران

خواهران وبرادران رزمنده وقهرمان !

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران ، پیروزی انقلاب بزرگ ملی ودموکراتیك ایران رابهمه شما ، که دراین انقلاب شرکت جسته وبمتحقق پیروزی آن خدمت کرده اید ، ازپیروجوان وکودك ، زن و مرد ، شهری وروستائی ، روحانی وغیرروحانی ، نظامی وغیرنظامی ازصمیم قلب شادباش میگوید .

مااین پیروزی راهمچنین به رفقاوهواداران وفادارحزب خود ، که سالیان درازعلیه امپریالیسم واستبداد پهلوی باسرسختی وازخودگذشتگی مبارزه کرده اند وبخاطراین مبارزه آسیب های گوناگون دیده ، حرمانهای رنگارنگ کشیده ، ودرجریان انقلاب کنونی درکنارد یگرنیروها وقشرهای جامعه ایران ، دست به پیکارفداکارانه زده اند ، تبریك میگوئیم .

پیروزی بررژیم ددمنش ، فاسد ودستنشانده استبداد سلطنتی پهلوی ، که تادندان مسلح وگرگ مردم خوارساواك پاسدارش بود ، کارآسانی نبود . درستی هدف ، وحدت عمل ، پیگیری وفداکاری درنبرد ، هشیاری‌وآگاهی اعجاب آوراکثریت قریب بتمام مردم که دراین انقلاب شرکت جستند ، حادثه ای‌رامکن ساخت که امپریالیسم‌وارتجاع جهانی آنرامحال میپنداشتند .

انقلاب ملی ودموکراتیك ایران نه تنهافصل نوی رادرتاریخ تکامل اجتماعی مامیگشاید و مهمترین رویداد تاریخ معاصرایرانست ، بلکه درمقیاس منطقه ودرمقیاس جهانی دارای اهمیت خطیری است .

درجریان این انقلاب همهٔ قشرهای میهن پرست وآزادیخواه جامعه ایران ، هریك درجای خود ، نقش مهم ودرخوردآفرینی داشته اند . ازآنجمله بایدازنقش کارگران وکارمندان مؤسسات دولتی وخصوصی نام برد که باایجادفلج دردستگاه استبدادی ، انهدام آنرا تسریع کردند . بویژه بایدازنقش برجسته طبقه‌کارگرقهرمان ایران‌ودرپیشاپیش آنهاازنقش کارگران صنعت نفت یادکرد.

درجریان این انقلاب ازمیان روحانیت‌مترقی ومبارزایران ، شخصیت مبرزی مانندآیت‌الله خمینی برخاست که باابرازسرسختی وهشیاری‌دراجراء این‌وظیفه دشواروبغرنج ، احترام قاطبهٔ نیروهارابخود جلب کرد .

درجریان این انقلاب وبویژه دردرگیریهای فوق العاده حساس روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن‌ماه مبارزان‌مسلح انقلابی خلق ، دوشادوش سربازان ، درجه داران‌وافسران انقلابی ارتش، موفق شدند کودتای ضدانقلابی رادرنطفه ودرمرحله تدارکی آن خفه‌کنند وشرایط رابرای عقب نشینی وتسلیم سران ارتجاعی" ارتش شاهنشاهی " فراهم‌نمایند . مردم ایران‌نقش‌حساس این‌جانبازان انقلابی راهرگزازیادنخواهند برد .

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران درپرابرهمه‌شهیدان انقلاب درهمه شهرهاوروستاهای

ایران ، درمقابل همه شهیدانی که راه این انقلاب را بامبارزه سراسرایثارخویش هموارساختند ، سرتعظیم فرد ومیآورد .تاریخ ایران هرگزاین جان‌نثاران میهن ، خلق وعدالت راازخاطره خویش نخواهد زدود .

پلنوم کمیته مرکزی بهمه زندانیان سیاسی که طی سالیان درازعذابهاوتحقیرهای جلادان وشکنجه‌گران رژیم شاه رادلاورانه تحمل‌کردند واکنون انقلاب آنهارا به فعالیت اجتماعی وسیاسی بازگردانده ، باشوروعلاقه فراوان ، درود میفرستد .

تردیدی نیست که براندا ختن رژیم فاسد ، خائن ، غارتگروستمگرپهلوی ومنهدم شدن بسیاری ازمواضع سیطره امپریالیستی کارعظیمی است که انجام پذیرفته است ؛ ولی روشن است که این ، هنوزهمه کارنیست . هنوزتاپیروزی نهائی ومطمئن انقلاب ، وظائف بسرمهم وپیچیده ای دربرابر مردم انقلابی کشورماقراردارد .

ریشه‌کن کردن قطعی ضدانقلاب وطرد کامل عمال آن ، حفظ هشیاری دائمی درمقابل دسایس رنگارنگ امپریالیسم وعمالش ، که‌مایل هستند بدین‌نحویابدان‌نحو ، انقلاب ملی ودموکراتیک راباشکست روبروسازند ومواضع ازدست رفته وآسیب دیده خود رااحیاء وترمیم نمایند ، ایجاد نظام جدید برپایه‌نیل به استقلال واقعی ، دموکراسی ، رفاه عمومی ، پیشرفت اجتماعی ، هریك وظیفه ایست خطیرود شوارکه‌حل آنهاکماکان دربرابرماست .

تنهاوتنهابااادامه وحدت عمل وراه‌ندادن به‌تفرقه درصفوف انقلاب ، باادامه حداعلای فداکاری وهشیاری واحترازازغفلت وخوشباوری ، باادامه مبارزه پیگیرد رراهی که هنوزدرپیش است ، میتوان انقلاب ایران رابه سرانجام پیروزمندش رساند وازمسخ وسقط شدن وناقص ماندن وشکست آن جلوگیری کرد . این درس مهمی است که تاریخ انقلابهادرجهان وایران بمامیآموزد .

ماا طمینان داریم مردمی که ازعهده اجراء وظائف بسیارد شواربرانداختن سلطنت مستبده ومنهدم کردن بسیاری‌ازمواضع امپریالیسم ، باداد ن آنهمه قربانیهاوابرازآنهمه قهرمانیها برآمده اند ، ازعهده اجراء وظائف ایجاد نظام جدید ، هراندازه هم که این‌وظائف دشواروپیچیده باشد ، برخواهندآمد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران ، بنوبه خود ، ازهمه خواهران وبرادران هموطن از : کارگران ، دهقانان ، پیشه وران ، دانشجویان وروشنفکران ، کارمندان ، روحانیت‌مترقی ، سرمایه‌داران ملی ، ارتشیان انقلابی ومیهن پرست ، ازهمه‌خلقهای میهن ما ، اعم ازتعلق بهرمذهب یاهرنظریه وگروه سیاسی ، دعوت‌میکند ، درصف واحد ، باحفظ سطح عالی آگاهی وهشیاری نسبت بدسایس‌غدارانه وابلیسانه ضدانقلاب ، برای رساندن انقلاب بسرانجام قطعی وپیروزمندش ازپای ننشینند ودرجه بالای رشداجتماعی خودرا به جهانیان نشان دهند وهمه حسابهای امپریالیسم وارتجاع راکه میخواهند باتوسل بهمه حربه‌هاازقساوت بربرمنشانه گرفته تاعوامفریبیهای لیبرال مآبانه ، سیطره خودودست نشاندگان خودراحفظ کنند ، به‌هیچ وپوچ بدل سازند .

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران ، پیشنهادهای‌مشخص خودرا درکلیه زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی برای ایجاد تحولات واصلاحات عمیق بسودقشرهای مختلف مردم ، بهمه‌نیروها وسازمانهای انقلابی عرضه داشته است .

ماازهمه هموطنان عزیزدعوت میکنیم ، این پیشنهادهای مشخص راکه چاپ ومنتشرشده با دقت بررسی کنند . زیرادرمرحله بغرنج کنونی ، داشتن تصورروشنی ازمطالبات مشخص انقلابی درهمه‌زمینه هامهمترین شرط تجهیزمعنوی جامعه وبسیج نیروهاعلیه ضدانقلابست . اگردرمرحله

کنونی سازندگی ، انقلاب هدفهای خود را درهرزمینه بموقع وبروشنی نشناسد ومطرح نسازد وآنرا پیش نبرد ، این امرموجب تفرقه‌میشود وخطربزرگی برای دستاوردهای موجود انقلابی است .

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران درخطاب بهمهٔ هم‌میهنان میگوید : برای ایجاد ایرانی آزاد ، آباد ، مستقل ، صلحدوست ، مترقی ودموکراتیک ، برای عقیم گذاردن دسایس ضدانقلاب برای ایجاد شرایط مساعد یک‌تحول مثبت بسود اکثریت مطلق مردم ایران ، همه باهم ، درجبههٔ متحد خلق ، به پیش !

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران ــ اسفندماه ۱۳۵۷

پیام پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری سوسیالیستی ویتنام

رفقای بسیار عزیز

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران که در شرایط فوق العاده حساس انقلاب ایران جلسه‌خود را تشکیل میدهد، وظیفه خویش میداند خشم ونفرت خود را از عمل تبهکارانه رهبران چین در مورد هجوم غدارانه بخاك جمهوری سوسیالیستی ویتنام بیان دارد.

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران از شما خواهش میکند که در رود پرشورومراتب همبستگی وپشتیبانی کامل همه افراد حزب توده ایران را به خلق قهرمان کشورتان برسانید. اطمینان داشته باشید که همه مبارزان انقلابی میهن ما در این رود با ما شریك هستند.

رهبران چین که مدتهاست وارد سازش با امپریالیسم شده اند، پس از بند وبست های گوناگون با امپریالیسم، نیت خائنانه خویش را برای حمله به‌ویتنام بمرحله‌عمل درآوردند. مردم ایران مدتهاست که از ماهیت سیاست سیطره جویانه رهبران کنونی پکن باخبرند. مسافرت هواگوفنگ در گرماگرم انقلاب ایران علیه رژیم استبدادی و دست نشانده شاه، برای پشتیبانی از آن چاکرخونخوار امپریالیسم، اظهارات دن سیائوپنگ در توکیو وشکوه او از ایالات متحده امریکا که چرا از شاه مستبد ایران باندازه کافی حمایت نکرده اند، ماهیت واقعی این رهبران را برای همه‌مردم ایران تا آخر برملا ساخت ونفرت شدیدی را برانگیخت.

مردم ویتنام که دهها سال است در انواع جنگهای خونین علیه سیطره جویان خارجی، ژاپونیها، فرانسویها، امریکائیها آبدیده شده اند وبادلاوری افسانه‌آمیز خود نیرومندترین دستگاههای نظامی را با شکست روبروساخته اند، اینك کاملا قادرند هجوم جدید سیطره‌جویان چینی را درهم شکنند. حق بطورآشکار در جهت مردم قهرمان ویتنام است که از استقلال وتمامیت ارضی میهن خود دفاع میکنند.

مردم قهرمان ویتنام در جهان دوستان بیشماری دارند. کشور های سوسیالیستی ودر مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی، جنبش های رهائی بخش ملی وکشورهای غیرمتعهد، جنبش انقلابی کارگری وانواع جریانات وجنبشهای مترقی وصلح طلب جهان، دوستان صمیمی خلق

ویتنام هستند وهم اکنون با نگ پرخاش خود راعلیه تجاوز جنایتکـــارانه چین بلند کرده اند .

کمیته‌مرکزی حزب توده ایران تجاوزغدارانه رهبران‌چین به خـاك مقدس جمهوری سوسیالیستی ویتنام راجنایتی علیه صلح وامنیت بیـن‌ـ المللی وجنبش های رهائی بخش ملی میداند وآنرا باخشم تمام محکـــوم میکند .حزب مابنوبه خود همه بشریت‌مترقی رابه پشتیبانی موثرازخلـق قهرمان ویتنام فرامیخواند . حزب توده ایران خواستارآنست که چیـن‌به تجاوزخود بپید رنگ خاتمه دهد ونیروهای اشغالگرخود رابازگرداند .

حزب توده ایران ازهمه‌کشورهای جهان وازسازمان‌های‌بین المللـــی صلح خواستاراست که اقدامات لازم رابعمل آورند تادست تجاوزگـــر رهبران چین که نقشه‌های سیطره جویانه برجهان رادرسرمی پرورانند وخواستاربرافروختن آتش‌جنگ جهانی هستند بسته شود . حـــزب توده ایران همه‌میهن پرستان ایران رافرامیخواندکه ازهرراه‌که بتوانند به‌ویتنام قهرمان کمك کنند .

پلنوم کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

فوریه ۱۹۷۹

حزب توده ایران فعالیت علنی خود را از سر میگیرد

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

هم میهنان !

رژیم خیانتکاری که حزب توده ایران را ، به اراده امپریالیسم وارتجاع ، بزعم خویش " منحله" اعلام کرده بود ، اینك خود ، در پرتو انقلاب بزرگ مردم ایران ، به " منحله " بدل شده است . تصمیمات این رژیم ازطرف خلق قهرمان ایران ، که منشاء هرقدرتی است، باخشم ونفرت طرد ورد گردیده است . حزب توده ایران در شرایط ورشکست کامل رژیم دست نشانده امپریالیسم ازحق مقدس ولا ینفك خویش برای شرکت آزاد وعلنی وقانونی در مبارزه بزرگ انقلابی واجتماعی مردم ایران استفاده میکند .

حزب توده ایران ، که طی حیات ۳۷ ساله خود ، تنها در کمتر از ۸ سال اززندگی علنی بر خورد ار بود ، ازهمان آغاز تاسیس ، پس ازسقوط دیکتاتوری بیست ساله رضاخان ، باعمال استبداد، بافاشیسم ، باسیاستهای نواستعماری امپریالیسم امریکا وانگلستان ، باتوطئه های ضد خلقی محمد رضا پهلوی وخاندان فاسدوی ، بامالکان فئودال ، باسرمایه داران وابسته به امپریالیسم ودر راه استقلال ملی ، دموکراسی وپیشرفت اجتماعی بی امان ودلیرانه مبارزه کرد . حزب توده ایران ، که به خلق ، وبویژه به زحمتکشان شهرو ده ، ودر صف مقدم آنان طبقه کارگر ایران تکیه داشت منشاء خدمات بزرگ به آگاهی ، تشکل ، ومبارزه طبقات زحمتکش در راه حقوق حقه خویش گردید . بسبب همین سیاست ضد امپریالیستی وضد ارتجاعی ، بسبب همین پیکار خستگی ناپذیر در راه استقلال ملی ، دموکراسی وپیشرفت اجتماعی ، بسبب همین ماهیت توده ای وخلقی بود که حزب توده ایران براثر توطئه امپریالیسم وارتجاع ، غیرقانونی اعلام گردید .

هدف امپریالیسم وارتجاع ازغیرقانونی کردن حزب توده ایران این بود که پیوند حزب را با توده ها بگسلند ، برای سرکوب هرجنبش وسازمان مترقی بهانه ای بتراشند ، ازاتحاد نیروهای ملی ودموکراتیك جلوگیرند ودر برابر گسترش جنبش ضد امپریالیستی ودموکراتیك مردم ایران سدی بسازند. ولی حزب توده ایران ، توانست با ایجاد بزرگترین سازمان پنهانی ، که تاریخ ایران بیاد ندارد ، با تلفیق کار مخفی وعلنی ، وبرغم شدیدترین فشارها وبزرگترین دشواریها ، نقش شایسته خود را در جنبش ضد امپریالیستی ودموکراتیك مردم ایران ، ازجمله در جنبش ملی کردن صنایع نفت ، در عقیم گذاردن توطئه ها ودسائس امپریالیسم وارتجاع ودر دفاع ازحقوق ومنافع طبقه کارگر ، همه زحمتکشان وعموم خلق ایفاکند .

پس ازکودتای امپریالیستی مرداد ۱۳۳۲ ، که منجربه سقوط حکومت ملی دکتر مصدق واستقرار رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم محمد رضا پهلوی گردید ، حزب توده ایران ، با اینکه هدف شدیدترین فشارهای رژیم ساواکی بود ، در صف مقدم مبارزه با این رژیم قرارگرفت ، وبویژه با اعلام برنامه خویش ، نقش افشاگرانه ، روشنگرانه وبسیج کننده عظیمی بازی کرد که ازعوامل موثرجنبش انقلابی

کنونی مردم ایران است .

در دوران سلطنت ننگین محمد رضا پهلوی ، هزاران تن از اعضاء وفعالان حزب زندانی شدند ، شکنجه دیدند ، شهید شدند ، ومجبوربه مهاجرت گردیدند . ولی حزب توده ایران ، حزب طبقه‌کارگر ایران، حزب ارانی ها ، سیامك ها ، روزبه ها ، ابراهیمی ها ، حکمت جوها و تیزابی ها پرچم پیکار در راه آرمان مقدس خلق را همواره افراشته نگاهداشت .

اینك که جنبش انقلابی ، ضد امپریالیستی ودموکراتیك مردم ایران ، براثر اتحاد ، فداکاری وقهرمانی کم نظیرمردم ایران به پیروزیهای بزرگی دست یافته ، حزب توده ایران ، که بنوبه خود تمام نیروی خویش را برای پیروزی این جنبش بکاربرده ومیبرد ، پشتیبانی مجدد خود را از حضرت آیت الله العظمی خمینی وبرنامه ایشان بخاطر استقرار جمهوری ، تشکیل مجلس موسسان برپایه آراء آزاد وعمومی مردم ، تدوین قانون اساسی جدید ، تشکیل دولت ملی ودموکراتیك ، طرد امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم امریکا ، تامین استقلال ملی ، حفظ تمامیت ارضی ، استقرار حقوق وآزادیهای دموکراتیك ، سالم سازی اقتصاد ملی وبهبود زندگی مردم ــ که برنامه حزب توده ایران در مرحله کنونی انقلاب نیز هست ــ اعلام میدارد .

حزب توده ایران شرط مقدم نیل به‌هدفهای جنبش انقلابی مردم ایران را اتحاد همه نیروهای شرکت کننده در این جنبش ، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی ، مسلکی وفلسفی میداند واز همینجاست که دست دوستی واتحاد بسوی سایرنیروهای ملی ودموکراتیك ، دیگر احزاب ، سازمانها ، گروهها وشخصیت های ملی ودموکراتیك ، ودرپیشاپیش آنان ، حضرت آیت الله العظمی خمینی وهوادارانشان دراز کرده است .

جامعه ما بخاطر تکامل سالم وسریع خویش ، بوجود حزبی مبارز ، آگاه ، خلاق ودارای پایگاه اجتماعی محکم ، چون حزب توده ایران نیازحیاتی دارد . ما اطمینان داریم که زحمتکشان شهرودهودرپیشاپیش آنان ، طبقه کارگر آگاه وقهرمان ایران ، فعالیت علنی حزب توده ایران را اخاذ شده خجسته ای خواهند شمرد واز حزب خود با تمام نیروپشتیبانی خواهند کرد . ما امیدواریم که نیروهای ملی ودموکراتیك دیگر جامعه نیز ، باهمین برخورد ، باتجدید فعالیت علنی حزب ما روبروشوند ، چنانکه ما نیز فعالیت علنی وحقوق دموکراتیك آنان را باهمین دیده مینگریم .

حزب توده ایران ازهمه رفقاودوستان وهواداران خویش میخواهد که بانظم وانضباط ، با درك وآگاهی ، بااصولیت وپیکارجوئی ، چنانکه درخورد حزبی دارای سنت طولانی مبارزه ونامی پر اعتبار وتجارب غنی است ، برای احیاء هرچه سریعترسازمانهای حزبی درهمه شهرها وشهرك ها وروستاها ، درهمه کارخانه ها ، ادارات وبنگاهها ، درهمه مدارس ، دانشگاهها ومراکزآموزشی ، باخردمندی ، متانت ، استواری وپیگیری عمل کنند . ما راهی درازود شواروپرافتخار درپیش داریم . بسبب صداقت ، صمیمیت ، استواری وپیگیری مانسبت به‌منافع مردم ، مسلما مردم دوست ، پشتیبان وتکیه گاه ما هستند ، واین خود ضامن کامیابیهای روزافزون ماست . درعین حال بسبب همین صداقت صمیمیت ، استواری وپیگیری نسبت به‌منافع مردم ، ما ، در وجود امپریالیسم وارتجاع وعمال آنها ، دشمنان رنگارنگی خواهیم داشت که باشیوه های گوناگون با ما ستیزخواهند جست ولذا ضرور است که باهشیاری ودیده باز ، نیرنگها وتوطئه‌های خصمانه آنها را عقیم‌گذاریم وباجسارت وخردمندی باآنها مقابله کنیم .

باید خود را سزاوار نام توده ای ، سزاوار خون گلرنگ شهیدان حزب وانقلاب ، سزاوار جهان بینی مترقی ومنطق علمی خود نشان دهیم ! باید همه جا عامل اتحاد نیروهای ملی ودموکراتیك

باشیم ! باید همه‌جا در رده‌های اول نبرد ضد امپریالیستی و دموکراتیک بایستیم ! باید همه جا نمونه فکروعمل ورفتار درست قرارگیریم ! باید همه‌جا بگام خلق برویم ! باید همه جا نام توده ای را سرفراز کنیم .

حزب توده ایران دوران‌نوین فعالیت‌علنی خود را بابهره جوئی ازتجارب غنی گذشته وبااعتماد به یاری وپشتیبانی مردم آغازمیکند .

ــ افتخار جاویدان به‌مردم قهرمان ایران !

ــ زنده باد حزب توده ایران ــ حزب طبقه کارگرایران !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ بهمن ۱۳۵۷

نورالدین کیانوری

دبیراول کمیته‌مرکزی
حزب توده ایـــران

ایران در آغاز مرحله نوین*

اهمیت انقلاب خلقی در ایران که قیام پیروزمند روزهای دهم ویازدهم فوریه سال جاری نقطه اوج آن بود تنها در آن نیست که این انقلاب سیمای جامعه ایران را دگرگون ساخت ورژیم استبداد سلطنتی منفور را واژگون نمود. این انقلاب همچنین ضربه‌نیرومندی برامپریالیسم ایالات متحد امریکا که ایران را به ژاندارم خود در خاورنزدیک تبدیل کرده بود وارد ساخت. بدینجهت انقلاب ایران مسلما پی آمدهائی فراترازمرزهای کشوروحتی منطقه در برخواهد داشت.

مهمترین ویژگی انقلاب ایران خصلت فراگیروهمه‌خلقی واقعی آن بود ودر سنگرمقابل جبهه خلق تنها قشرمحدود سرمایه داران وزمینداران بزرگ ومشتی ازشخصیت های سیاسی خیانت پیشه که تلاش داشتند رژیم را نجات دهند، قرارگرفته بودند. درحمله به این سنگرتمامی خلق یعنی طبقه کارگر، قشرهای متوسط شهری، توده های دهقانی وبورژوازی ملی شرکت داشتند. همه این طبقات وقشرها در تحقق شعارهای انقلاب ذینفع بودند. این شعارها عبارتند از:

ـ براندا ختن رژیم سلطنت واستقرارجمهوری دموکراتیک (برنامه پیشنهادی ازجانب طرفداران جمهوری اسلامی نیزماهیتا یک برنامه دموکراتیک است)؛

ـ ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم درزمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی وفرهنگی؛

ـ خروج ایران ازپیمانهای نظامی امپریالیستی، اخراج مستشاران نظامی ایالات متحده امریکا ازکشوروملغوسفارش های کلان تسلیحاتی که ازجانب شاه انجام گرفته؛

ـ بیرون‌کشیدن منابع نفت ایران ازچنگال کنسرسیوم بین المللی نفت؛

ـ مجازات شاه وطرفداران وی، مصادره تمام دارائی شاه وخانواده سلطنتی وهمه خائنین به خلق؛

ـ آزادی زندانیان سیاسی.

مبارزه خلق در راه رسیدن به‌هدفهای نامبرده یک سال تمام ادامه یافت واین یک پروسه تشکل، تقویت ورشد وگسترش انقلاب ایران بود.

اکنون برای بسیاری ازناظران خارجی این پرسش پیش میآید: چگونه‌ممکن شد که پس از ۲۵ سال خشن‌ترین تروروبیرحمانه‌ترین سرکوب نیروهای انقلابی، جنبش انقلابی در ایران در مدتی کوتاه توانست چنان مقیاس گسترده ای کسب کند وبه چنان صورت انفجاری درآید که هیچگونه سرکوب و پیگردی نتواند پیشرفت آنرا متوقف سازد؟

---

* این مقاله در شماره ٤ سال ۱۹۷۹ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به چاپ رسیده است.

برای پاسخ به این پرسش قبل ازهرچیزبه عوامل تاریخی استناد میکنیم . طی سده کنونی مردم ایران تاکنون چهاربارمبارزات نیرومند ضد امپریالیستی وضد استبدادی برخاسته اند . طی سالهای ۱۹۰۶—۱۹۱۱ دراثرتشدید تضادهای درونی جامعه کشوروتحت تاثیرانقلاب روسیه جنبش انقلابی درایران اوج گرفت. درسالهای دهه دوم سده معاصرجنبش انقلابی درایران علیه امپریالیسم بریتانیاگسترش یافت وبه موفقیتهائی رسید ، قرارداد اسارت آورسال ۱۹۱۹ بهاتکاء روابط دوستانه باکشورنوبنیاد شوراها لغوگردید . دردوران جنگ دوم جهانی جنبش دموکراتیک ملی سراسرکشوررافراگرفت ودرسال ۱۹۴۵ درآذربایجان وکردستان ایران قیام های مسلحانه باخصلت ملی ودموکراتیک انجام گرفت که پس ازمدتی ازجانب رژیم شاه سرکوب گردید . وسرانجام درسالهای ۱۹۵۱—۱۹۵۳ جنبش انقلابی دموکراتیک درملی کردن صنایع نفت بوسیله دولت دکترمصدق تجلی یافت .

جنبش کنونی که پنجمین جنبش است درواقع ادامه سنن انقلابی جنبش های ضد امپریالیستی ودموکراتیک گذشته است . اما دراین جنبش بهعوامل پیشین نارضائی مردم عوامل تازه ای افزوده شد .

طی بیست وپنج سال اخیرشاه وامپریالیستها بامقیاس بیسابقه ای مردم ایران راغارت کردند وهرگونه مظاهرنارضایتی تودههای مردم راباشقاوت بیسابقه ای بوسیله پلیس مخفی ساواک (دست پرورده دستگاههای پلیس مخفی ایالات متحده امریکاواسرائیل) سرکوب کردند . اما همراه باهراقدام پیگرد وترورانزجاروخشم خلق افزایش یافت .

باوجود درآمدهای نفتی کشور، شدت استثمارطبقه کارگرافزایش یافت وکارگران بیش ازپیش به اعتصاب متوسل میشدند که این اعتصابات نیز باخشونت سرکوب میشد . نارضائی میان تودههای دهقانی افزایش مییافت . سیاست شاه ،کشاورزی کشوررا به ویرانی وافلاس کشانید . وعده های " انقلاب سفید " پوچ ازآب درآمد ، وضع زندگی دهقانان بمراتب بدترازگذشته شد ، میلیونها دهقان ورشکست شدند وردوسه سال اخیرمهاجرت دهقانان ازروستاهابه شهرهاتوسعه یافت واین دهقانان به ارتش بیکاران شهرهاپیوستند .

سیاست اقتصادی شاه که مبالغ کلانی رادرراه مسابقه تسلیحاتی صرف میکرد موجب آن شد که ایران طی سالهای اخیرباشدیدترین بحرانهای اقتصادی دست بگریبان گردد . دراین مورد یک نمونه کافیست . طی پنج سال اخیر درآمد ایران ازفروش نفت ۱۰۰ میلیارد دلار بود . ازاین مبلغ ۳۸ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه ازبزرگترین کشورهای امپریالیستی گردید (۱) . ۲۶ میلیارد دلار دیگرازهمین کشورهااوراق بهادارخریداری شد . از ۳۶ میلیارد دلار دیگرکه برای ایران باقی میماند بخش اعظم آن رازمامداران وماموران عالیرتبه به جیب میزدند وبه حسابهای شخصی خود دربانکهای خارجی حواله میکردند . طی سالهای ۱۹۷۷—۱۹۷۸ نزدیک به ده میلیارد دلار به حسابهای شخصی به خارج ازکشورحواله شده است .

بحران اقتصادی وغارت کشوربوسیله دارودسته زمامداران وانحصارات خارجی عدم رضایت شدید بورژوازی ملی راکه اغلب درایران بامفهوم " بازار" تجسم مییابد برانگیخت . شاه که نمیخواست

---

۱ — چنانکه آیت الله خمینی چندی پیش اظهارداشت درآمد نفت راشاه برای خرید اسلحه علیه خلق ویاساختن پایگاههای نظامی برای ایالات متحده امریکا صرف میکرد .

ازهزینه‌های تسلیحاتی بکاهد تلاش میکرد سنگینی باربحران رابرتوده های مردم وبورژوازی ملی تحمیل کند . ازخرید های کلان تسلیحات کوچکترین سهمی نصیب بازارنمیشد . بازارازخصلت استبدادی رژیم وقدرتنامحدود ساواک که به رژیم درپی رمق کردن بورژوازی ملی کمک‌میکرد ناراضی بود . درضمن نباید فراموش کرد که بازارایران درجنبشهای انقلابی گذشته‌نیز شرکت داشته است.

بدین‌ترتیب درایران ستم واسارت سیاسی ، اقتصادی واجتماعی درهم آمیختند . انقلاب نیزچنین‌خصلتی بخود گرفت . امایکی دیگر ازمهمترین‌مشخصات این جنبش جنبه‌مذهبی آن است. این مشخصه ناشی ازعلل عینی وذهنی است . نخستآنکه شیعه که درسیمای‌مسلمانان ایران‌جنبه مسلط دارد ، باجنبش های خلقی وانقلابی کشور پیوند سنتی دارد وروحانیون میهن پرست بارها درمبارزات مردم‌علیه اشغالگران خارجی شرکت داشته اند . محافل روحانی درجنبش انقلابی سالهای ۱۹۱۱—۱۹۰۶ نیزدارای نقشفعالی بودند .

دوم آنکه دراصول اجتماعی تشیّع درجریان‌تاریخ جنبه‌هائی وجود داشته که اکنون بطور عینی اهمیت مثبت‌کسب میکند .

سوم آنکه طی ۲۵ سال اخیرکه رژیم‌مطلقه همه‌گروههای انقلابی پنهانی راسرکوب میکرد و مخالفان شاه زندانی شده وزیرشکنجه های ساواک به قتل میرسیدند ، مساجد یگانه پناهگاهی بودند که رژیم‌جرات یورش آشکاربه‌آنهارانداشت .گروههای مذهبی میهن پرست این امکان را داشتند که باتوده‌های مردم درتماس باشند و شعارهای مبارزات ضداستبدادی وضدامپریالیستی رادرمیان این‌توده‌هااشاعه دهند وتوده‌های مردم به این فراخوانی واکنش ازخود نشان دادند .

انقلاب مردم ایران درراه رشد واعتلای خود طی سالهای ۱۹۷۸—۱۹۷۹ سه‌مرحله را گذراند :

مرحله نخست اززمانی که‌نارضائی همگانی مردم به شکل تظاهرات وسیع روزافزون بروزمیکرد تاآغازاعتصابات فراگیرکارگری را دربرمیگیرد .

شاه‌وامپریالیستهای ایالات متحده امریکاکه‌میدیدند جنبش باآهنگی پرشتاب اوج میگیرد ، تصمیم گرفتند به‌مانورد ست بزنند وچنین وانمودکردند که برای واگذاری آزادیهای‌دموکراتیک تا حدودمعینی آماده اند . دولت شریف امامی برای‌اجرای این‌نقش به صحنه‌آمد . امااین‌نیرنگی بود برای اغتنام فرصت ، جمع‌آوری‌نیروووارد کردن ضربت . هشتم مارس‌سال ۱۹۷۸ تظاهرات توده ای مردم درسراسرکشوربیرحمانه گلوله باران شد . دراین روزتنهادرتهران متجاوزازچهار هزارنفرکشته شدند . شاه وایالات متحده امریکاتصورمیکردند باوارد کردن چنین ضربه ای‌به‌جنبش، مردم آماده سازش با رژیم خواهند شد .

بسیاری ازرهبران جناح راست جنبش دموکراتیک ملی درواقع به هراس افتادند وبرای اقدامات سازشکارانه آمادگی ازخود نشان دادند . امانوده‌های مردم ، سازمانهای انقلابی و طرفداران آیت‌الله خمینی درمواضع رادیکال خود پابرجاماندند . وپس‌ازیک آرامش‌کوتاه مدت مرحله دوم باجنبش‌اعتصابی گسترده که بیدرنگ خصلت سیاسی بخود گرفت آغازگردید که همه زحمتکشان یعنی کارگران ، کارمندان ادارات دولتی ، روشنفکران ، دانشجویان ودانش‌آموزان را دربرگرفت . دراین جنبش‌اعتصابی نقشعمده راطبقه‌کارگرایفاء نمود .

اکنون طبقه‌کارگرایران که‌متجاوزازسه‌میلیون نفراست یک‌نیروی‌متشکل ودارای آگاهی سیاسی است . البته درصفوف این طبقه ، کارگران بسیاری هستند که چندی پیش ازروستاهاآمده اند و هنوز پیوند های خود را با روستا ها نبریده اند . اما طبقه کارگرایران ، درمجموع خود ، دارای

سنن مبارزات دموکراتیک و انقلابی فراوانی است. نسل جوان کارگران این سنن را از کارگران سالمند که در حزب ما پرورش یافته اند، فرا میگیرند. اوضاع بین‌المللی، تغییر تناسب نیروها در جهان بنفع سوسیالیسم، نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در پشتیبانی از مبارزات قهرمانانه خلقهای ویتنام و همچنین آنگولا، موزامبیک و دیگر کشورها در پرورش و رشد آگاهی طبقه کارگر ایران تاثیر عظیم داشتند.

آگاهی طبقاتی کارگران صنعتی ما در جنبش اعتصابی همه‌گیر زیر شعارهای سیاسی منعکس گردید. کارگران صنایع نفت گردان پیشاهنگ این جنبش بودند.
زندگی در کشور عملا فلج گردید. شاه و امپریالیست های ایالات متحده امریکا ناگزیر شدند به‌مانورهای مردم فریبانه خود پایان دهند و دولت نظامیان را به صحنه بیاورند.

اما تظاهرات و اعتصابات ادامه یافت. علاوه براین دهقانان که تا آن زمان تا حدودی غیر فعال بودند به جنبش پیوستند. البته نارضائی میان دهقانان افزایش میافت و روحیات انقلابی بوسیله کارگرانی که با روستاها پیوند داشتند و بوسیله سربازانی که پس از پایان خدمت وظیفه به خانه خود باز میگشتند و از طریق روحانیون به روستاها رسوخ می یافت. اما نقطه چرخش در جنبش روگذار به اقدامات فعال انقلابی در راس واسط نوامبر صورت گرفت یعنی با آغاز اعتصابات همگانی طبقه کارگر و ناآرامی در ارتش. دهقانان به راندن ژاندارمها از روستاها و تشکیل پاسداران خلقی، آغاز کردند.
شاه و امپریالیستهای ایالات متحده امریکا مشاهده کردند که دولت نظامی هم با وجود سرکوبی های بیرحمانه وخشن دیگر قادر نیست براوضاع مسلط شود. آنوقت به‌مانور جدید که آخرین مانور بود دست زدند که با این مانور مرحله سوم حوادث آغاز گردید. این بار تلاشهای عمده رژیم در آن را به‌کار برده میشد تا عناصر ناراضی بورژوازی ملی را بطرف خود جلب کند. تصمیم گرفته شد از نوکابینه غیرنظامی تشکیل گردد و وانمود شود که رژیم حاضر به‌گذشت و قبول خواستهای مردم است و با اینکه سلطنت بجای خواهد ماند شاه دیگر راداره امور کشور دخالت نخواهد کرد. برای اجرای این نقش بختیار را راضی کردند. درعین حال شاه و ایالات متحده امریکا باشدت ارتش را برای کودتای نظامی آماده میکردند که میبایست از لحاظ خشونت و بیرحمی در حوادث گذشته ایران، بیسابقه باشد.

اما در این دوره دیگر جنبش انقلابی با شتاب هرچه بیشتر در درون سربازخانه ها آغاز بر سوخ کرده بود. عدم رضایت کارگران و دهقانان که اکثریت مطلق سربازان وظیفه را تشکیل میدهند زمینه‌عینی برای پیدایش تزلزل و ناآرامی در ارتش بود. سرکردگی جنبش انقلابی در ارتش را سربازان و همافران وافسران نیروی هوائی بدست گرفتند. و این امر تصادفی نبود. زیرا بسیاری از فرزندان خانواده‌های کارگری و دهقانی وقشرهای متوسط و پائین شهری که امکان نداشتند از طریق دیگری آموزش عالی کسب کنند برای تحصیل به‌آموزشگاههای نیروی هوائی وارد میشدند.

جالب اینکه قیام سربازان بطور همگانی وقاطع زمانی آغاز شد، که توده های مردم تظاهر کننده در خیابانها نیروی خشم خود را نشان دادند و بدون ترس و بیم از جان خود در مقابل گلوله به پیش رفتند. شقاوت و بیرحمی سران ارتش وفاداربه شاه نیز در این شرایط به بیدارکردن سربازان کمک کرد، سربازان دیگر نمیخواستند بروی برادران خود آتش بازکنند.

بدین ترتیب در ارتش که بنظر میرسید وفادارترین و ستوارترین پایگاه شاه است تزلزل ایجاد گردید و دهها هزار سرباز به دعوت آیت الله خمینی پادگان ها را ترک کردند. در چنین شرایطی حزب ما در پیام خود به ارتشیان از آنها خواست که در سربازخانه‌ها باقی بمانند، دست به‌مقاومت مسلحانه

بزنند و از کشتار و بخون کشیدن تظاهرات و میتینگها امتناع ورزند .

توده های خلق بزودی به نیرنگهای شاه و ارتجاع حامی او پی بردند و شروع به مسلح شدن کردند . حزب ما طی نامه ای به آیت الله خمینی در آغاز ژانویه سال ۱۹۷۹ و سپس در بیانیه مورخ ۱۳ ژانویه کمیته مرکزی مردم را به تدارک برای مقاومت مسلحانه و جنگ داخلی که رژیم میخواست تحمیل کند، فراخواند . دیگر نیروهای انقلابی نیز شعار تدارک مقاومت مسلحانه را مطرح کردند . حوادث ماه بعد نشان داد که این شعار تا چه حد درست و بموقع مطرح گردید .

ایالات متحده امریکا که بوسیله ژنرال هایزر در ایران عمل میکرد ، با حمایت دولت بختیار ، واحدهای ارتشی وفادار به شاه و امریکا ، در دو هله اول واحدهای گارد سلطنتی را برای کودتای نظامی آماده میکرد . آنها در نظر داشتند با غافلگیری برای خود برتری ایجاد کنند و با یک ضربه همه از آنجمله آیت الله خمینی و دیگر رهبران جنبش دموکراتیک ملی را نابود سازند . بختیار در عین حال با سران ارتش برای یافتن راههای سازش کارانه مذاکراتی انجام میداد .

اما مردم دیگر آماده بودند . وزمانیکه در دهم فوریه گارد شاهنشاهی تلاش برای کودتا را آغاز کرد ، واحدهای نیروی هوائی با قیام خود به آن پاسخ دادند و این قیام مشعلی بود که قیام مسلحانه همگانی خلق را شعله ور کرد و مسئله را از موضع انقلابی حل نمود .

با پیروزی قیام مسلحانه در روزهای دهم و یازدهم فوریه در واقع مرحله نخست انقلاب بپایان رسید . تحقق بخشی از هدفهای جنبش انقلابی نتیجه این مرحله بود :

- سرنگونی بساط سلطنت ؛
- وارد آمدن ضربت جدی به سلطه امپریالیسم در کشور ؛
- انتقال حاکمیت سیاسی از دست شاه و طبقات حاکم پیشین بدست جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک .

این مرحله انقلاب نشان داد که در شرایط کنونی ایران ، روحیات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی در دوران کوتاه معینی بر اختلافات سیاسی و تفاوتهای ناشی از تعلق اجتماعی و مذهبی شرکت کنندگان در جنبش تفوق داشت . یکی دیگر از خصائل بی نظیر انقلاب ایران همیاری و همبستگی میان همه قشرهای مردم بود . برای نمونه کافیست این مطلب را خاطرنشان کنیم که بهنگام تظاهرات حتی بسیاری از ثروتمندان ، شرکت کنندگان در تظاهرات را که مورد پیگرد و تیراندازی قرار میگرفتند در خانه های خود پناه میدادند و دکانداران میان تظاهرکنندگان بطور رایگان نام و غذا تقسیم میکردند . هربار که در نتیجه تیراندازی عده ای از تظاهرکنندگان مجروح میشدند و نیاز به تزریق خون داشتند ، در عرض چند ساعت بیش از تعداد مورد نیاز داوطلب برای دادن خون خود گرد میآمدند .

بدون تردید این همبستگی و همیاری به استقرار ارگانهای حاکمیت خلقی در سراسر کشور که بجای ارگانهای اداری از هم پاشیده دولتی اداره امور روزانه شهرها و روستاها را بدست میگرفتند مساعد تکرد . در نتیجه این همبستگی بود که در بخش جنوبی ، یعنی بخش فقیرنشین تهران از لحاظ تامین نیازمندیهای روزانه و حتی از لحاظ سوخت مورد نیاز خانواده ها دشواری بوجود نیامد . اعضای گروههای انقلابی این مواد را در میان خانه ها توزیع میکردند .

کمیته های اعتصابی نیز طی ماهها و هفته های اخیر به ارگانهای موثر حاکمیت در سراسر کشور تبدیل شدند . فعالیت این کمیته ها بالا بودن سطح آگاهی سیاسی اهالی کشور و بویژه طبقه کارگر را که اکنون به نیرو و مسئولیت خود در قبال سرنوشت کشور آگاهی یافته عملا نشان داد . آغاز مجدد کار از جانب تقریبا کلیه کارگران بدعوت دولت جدید بازرگان که از جانب آیت الله خمینی تعیین شد این واقعیت را بار دیگر تایید نمود .

وسرانجام یکی دیگرازدرسهای مهم این مرحله انقلاب ایران عبارت ازآنستکه باوجود بیست وپنج سال تبلیغات شدید بسود امریکا وعلیه شوروی که ازجانب رژیم انجام گرفت ، جنبش توده مردم خصلت کاملا آشکارضد امریکائی کسب نمود ودرعین حال درسراسرجنبش حتی یك شعارویا یك تظاهرضد شوروی ویا ضد سوسیالیستی مشاهده نشد . این نیزنمودارا همیت عظیم تغییرتناسب نیروها بمقیاس جهانی بنفع سوسیالیسم ودموکراسی است .

اکنون درایران مرحله نوین مبارزه انقلابی آغازگردیده . دراین مرحله باید این وظائف عمده استراتژیك جنبش دموکراتیك ملی ایران به انجام برسند :

ــ رهائی ایران اززیرسلطه اقتصادی امپریالیسم ، ولغوهمه پایگاههای سیاسی واقتصادی رژیم پیشین .

دراین مرحله طبعا همه آن نیروهائیکه درمرحله نخست انقلاب مبارزه میکردند ، شرکت نخواهند نمود . راستترین جناح جنبش رهائی بخش ملی کوشش خواهد کرد با نزدیك شدن به عناصر ارتجاعی باقیمانده اززرژیم پیشین جبهه مبارزه علیه تعمیق محتوای ملی ودموکراتیك انقلاب تشکیل دهد . این عناصرعلیه تحولات بنیادی اقتصادی وعلیه ریشه کن کردن قدرت اقتصادی طبقات حاکم یعنی بورژوازی بزرگ وابسته به امپریالیسم ، زمینداران بزرگ ، دلالان ومحتکرین وبانکداران فعالیت خواهند کرد .

برعکس ، نیروهای اصیل خلقی وپیشاهنگ آنها طبقه کارگرکوشش خواهند کرد که جنبش انقلابی رادرجهت تحولات اقتصادی عمیق بنفع زحمتکشان واقشارمتوسط شهری وروستاها سوق دهند .

درچنین شرایطی حزب ما خودرا یکی ازبخش های جدائی ناپذیرجنبش دموکراتیك ملی رهائی بخش میداند . حزب ما ــ حزب طبقه کارگر ــ باداشتن سنن دیرینه انقلابی درکشوریگانه حزبی است که برنامه تفصیلی رشد وتکامل جامعه را برپایه علمی تدوین وتهیه کرده است .

حزب توده ایران باآگاهی به مقام خود درزندگی سیاسی کشورآینده نیزتمام کوشش خودرا بکارخواهد بست تابطورپیگیربمثابه حزب طبقه کارگربه فعالیت خود ادامه دهد ، سازمانهای خودرا درسطح کشورایجاد واستوارنماید ، طبقه کارگررا برای مبارزات مستقلانه بخاطرمنافع همه زحمتکشان سازمان دهد .

ما این هدف را دربرابرخود قرارمیدهیم که به اتفاق همه گروههای انقلابی ازگروههای انقلابی طرفدارآیت الله خمینی گرفته تاگروههای انقلابی گوناگون چپ جبهه واحدی ایجادکنیم وبرنامه مشترکی تدوین نمائیم وتمام همّ خود رابکاربریم تاازثمرات مبارزات جانبازانه مردم ایران عملا وسیع ترین توده های مردم کشور برخوردارشوند .

ملکه محمدی

پیروز باد پیکار پرشور زنان ایران
در راه آزادی ،
استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی !

(بمناسبت هشتم مارس ، روز بین المللی زنان)

برستیغ شکوهمند مبارزات قهرمانانه خلق علیه سلطنت پلید خاندان پهلوی وامپریالیسم یغماگر، سیمای مبارز زن ایرانی باپرتوی چشمگیرمید رخشد . زنان ودختران میهن مادرسالهای اخیرچنان صحنه‌هائی ازآگاهی ، دلاوری وجانبازی پدیدآورده اند ،که تاریخ مبارزات خلق بدون شك‌باغروروتحسین آنرا پاس خواهد داشت . درسالهای دشواراختناق ۲۵ سال اخیر، مردم ایران درآتش ستیزونبرد بایك رژیم بهیمی ، نمونه‌های رخشنده ای ازمادران رزمنده ، همسران همرزم ، خواهران همسنگرودختران پیکارجوعرضه داشته اندکه‌مایه فخرنسل کنونی ونسلهای‌آینده اند ، زنان‌ودخترانی که باآگاهی وروشن بینی به‌میدان‌مبارزه گام گذارده اند ، برترین پایداریها رادربرابرشکنجه وزندان ازخودنشان داده اند ، به‌آرمانهای خلق وفادارمانده اند وازهیچ دشواری درطریق مبارزه روی برنتافته اند ، زنان ودخترانی که‌حتی دلهای پردرد وپرخاشگر داغدارمرگ عزیزان خود را به پرچم مبارزه بدل کرده اند وباپرده‌گیری ازجنایتهاوخیانتهای رژیم فاسد شاه ، هزارهزارهمرزم وهمسنگربدورخود گردآورده اند .

درسالهای اخیردرتمام صحنه‌های‌مبارزه ، ازمبارزات اعتراضی وافشاگرانه گرفته تاپای چوبه تیرباران ، زنان درکنارمردان قرارداشته وچه بسابا ابتکارخود صحنه های شگفت انگیزی از پایداری‌وقهرمانی آفریده اند .

شك نیست که‌مبارزات قهرمانانه زنان درسالهای اخیرسنت فروزان مبارزات گذشته : شرکت زنان درجنبش تنباکو، درانقلاب مشروطه وقریب نیم قرن مبارزه پیگیرعلیه پهلوی پدرو‌پسررا پشتوانه داشته است . اگرجزاین بود نمیتوانست درفاصله زمانی نسبتاکوتاه بچنین قله بلوغ وکمال دست یابد . هدف این مقال ثبت رویدادهای سالهای اخیرنیست ، بلکه اشاره ای به‌خصلت وسمت و تکامل مبارزات زنان دراین دوران است .

باآغازمبارزات چریکی درکشورما ، تعدادی اززنان‌ودختران ــ دراکثریت خود ازمیان قشر روشنفکر ــ به این‌مبارزه پیوستند . درباره این شیوه‌مبارزه ، حزب مابموقع وکرارانظرخود رابیان داشته وسیرحوادث صحت ارزیابی حزب مارا اثبات نموده است . باوجود این نمیتوان نادیده انگاشت که نخستین بار این درتاریخ میهن‌مابود که‌زنان باآن کیفیت بمبارزه روی آورده بودند وصرفنظرازمحتوی وشکل این‌مبارزات ، بارشادت وجسارت شایان‌تحسین چه درجریان مقاومت دربرابرماموران مسلح ساواك ، چه درزیرشکنجه وچه درمیدان‌تیرباران ، نمونه های لرزاننده ای ازپایداری‌وقهرمانی نشان‌دادند . کراراتفاق افتادکه دختری‌درخانه تیمی تاآخرین فشنگ در برابرماموران‌مسلح ساواك ایستادگی کرد ، تابرای‌همرزمان‌خود فرصت فرارازمیدان‌زد وخورد رافراهم سازد ، ازجان‌خود گذشت ، تارفقای‌همرزمش رانجات دهد . گاه‌پیش‌آمد که برای رهائی رفیقی کمبدام

دشمن نزدیک میشد، خود به‌جنگ دشمن افتادند و رفیق را رها نیدند. هنگامی که با گلوله‌های آتشزای دشمن سیاهکار، اندامشان بر دیوار کوچه‌ها، درخانه‌ها و سنگفرش خیابان‌ها دوخته میشد، آخرین فریادشان آرزوی پیروزی خلق بود. در زیر شکنجه‌های حیوانی، غالبا فریادهای درد را به شعارهای افشاگرانه بدل کردند و برای حفظ اسرار سازمان خود تا پای جان شکنجه را تحمل کردند. مبارزات دختران دانشجو و شهدوش مبارزات دلیرانه دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی کشور با طرد موکراسی، نوزائی استقلال دانشگاهها و علیه امپریالیسم در سالهای اخیر بیش از پیش گسترش یافت. در جریان این مبارزات بسیاری از دختران مورد هجوم کماندوهای جلاد رژیم قرار گرفته، مضروب و مجروح شدند، یا در کلاسهای درس بقتل رسیدند و یا بزندانها روانه شدند. هنگامیکه خانه شکنجه‌گر معروف "سرهنگ زیبائی" به اشغال مردم درآمد و "خانه وحشت" نام گرفت، پوستر ناخن‌های کشیده شده زنان و دختران زندانی "زیب" در رودیوار بود و این نشان میدهد که در این خانه‌های مرگ و وحشت چه بر سر زنان مبارز رفته است. رژیم جنایتکار شاه که بنا بر خصلت خود نمیتوانست برابری حقوق زن و مرد را تامین کند، برابری در شکنجه و تیرباران را برای زنان ارمغان آورد.

روزی که در بحبوحه قدرتی شاه ــ ساواک، زنان و مادرانی که همسران و فرزندانشان به جبهه جنگ تبهکارانه علیه رزمندگان ظفار گسیل شده بودند، فریاد اعتراض برداشتند، این فریاد طنینی نیرومند داشت. جلادان بهراس افتادند و زنان و مادران معترض را مورد دشنام و توهین، ضرب و جرح قرار دادند و کوشیدند تا آنان را با تهدید و ارعاب بسکوت وادارند. اما زمانی که رژیم جنایت پیشه شاه، اجساد سربازان و افسران مقتول ایرانی را در جبهه ظفار، در ورازچشم خانواده‌هاشان به ایران بازمیگردانید و دردانه بخاک میسپرد، فریاد اعتراض زنان جانداغتر و خشمگین‌تر شد. آنها طلب میکردند که ارتش ایران از سرزمین بیگانه فراخوانده شود، آنها نمیخواستند کشورشان ژاندارم منطقه باشد، آنها میگفتند میلیاردهادلاری که بمصرف خرید اسلحه میرسد، باید صرف عمران کشور و رفاه مردم آن شود.

طی سالهائی که مبارزه مردم در پوشش مذهب علیه رژیم شاه گسترش میافت، زنان و دختران بسیاری دوش بدوش همسران، برادران و پدران خود در این مبارزه شرکت جستند و اکنون نیز بوسعت مرزهای کشور در این مبارزه شرکت دارند. زنان با استفاده از امکاناتی که مسجد و حرم و مجالس سخنرانی مذهبی بآنان میداد و با استفاده از پوشش چادر در پخش کتاب و نشریه و اعلامیه نقش فعال ایفا کرده اند، آنها خانه‌هاشان را به پناهگاه مبارزانی بدل کردند که دشمن در پی دستگیری آنان بود و چه بسیار از این زنان و دختران که بجرم داشتن یک کتاب، یک اعلامیه و یا یک نشریه بزندان افتادند و شکنجه شدند.

جنبش اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی در سالهای اخیر که زنان در آن نقش برتر را ایفا کرده اند، یکی از موثرترین شیوه‌های مبارزه افشاگرانه و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی بوده است. در تظاهراتی که زنان و دختران بدین مناسبت ترتیب میدادند، پیوسته آماج هجوم وحشیانه جلادان ساواک و نظامیان شاه قرار گرفته و زندانی شده اند. روز ۱۷ دی ۱۳۵۶، هنگامیکه ۱۵۰ دختر دانشجو با شعار "ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی زن هستیم" بخیابان آمدند، چنان مورد حمله ماموران درنده خوی ساواک و شهربانی قرار گرفتند که مردم بی اختیار درهای خانه‌های خود را برای آنان میگشودند و آنها را پناه میدادند.

گردهمائی از مادران و همسران زندانیان سیاسی در روز ۲۷ دی ۱۳۵۶ و روز ۱۳ اسفند همان سال در برابر ساختمان "دادرسی ارتش"، روز ۲ فروردین ۱۳۵۷ مقابل زندان قصر، روز ۷ فروردین همانسال در برابر وزارت دادگستری، همه و همه تظاهرات جسورانه و پرشوری بود که در دفاع

ازحقوق زندانیان سیاسی برپاشد وصدای فرزندان دربند خلق رابگوش افکارعمومی جهـــان رسانید . دراین سلسله تظاهرات زنان بادادن شعارهائی دراعتراض به رژیم تروروخفقـــان ورفتاردد منشانه بازندانیان سیاسی همبستگی افکارعمومی راجلب میکردند . جنبش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که ابتدا باتجمع عده ای ازخانواده های زندانیان سیاسی آغازشـده بود ، بتدریج چنان عمق وگسترش یافت که به خروش یك خلق بدل شد ، خروشی که سرانجـــام توانست درهای زندانها را بروی فرزندان قهرمان خود بگشاید .

درمیان مادران وهمسران زندانیان سیاسی وشهیدان قهرمان خلق درسالهای شکنجه وترورواختناق چنان چهره های درخشانی نمودارشدند که فی الواقع تجسم کامل استحکـــام روح ، قوت تصمیم ، سرسختی درقبال خصم ، ووفاداری به آرمانهای مردم اند . مادر شهیـد قهرمان پرویز حکمت جوعضوکمیته مرکزی حزب توده ایران ، باعشق یك مادر شیفته فرزند ، ده سال پیاپی همه جارد یکتا پسرش رادنبال کرد ، بهرزندانی که جنایتکاران ساواك ازشرق وغرب وجنوب کشور فرزندش راانتقال دادند ، اوقبل از " پرویز " درآنجا بانتظارنشسته بود . پسرش رادرچهره های گوناگون : خسته ازبیخوابی های دراز ، بیمارازشکنجه های حیوانی ، دست وپادرستبنـد وپاوندید ، قلبش فشرده شد ، امالبش خندید . درتمام آن سالهای پررنج مادر الهام بخـش پسروپسرالهام بخش مادربود . پیگیری ورشادت این زن مقاوم گاه چنان دشمن تابدندان مسلح راعاجزمیکرد که درباره اومتوسل به تهدید میشدند . اما اوتسلیم ناپذیربود . عشق به پسر و راه پسر ، چنان وجودش راپرکرده بود که هیچ تهدیدی براوکارگرنمیافتاد . نصیری جلاد زندانی امروز ورئیس پیشین ساواك بارها این مادررشید را " آشوب طلب " خواند واوراتهدید به حبس وشکنجـه کرد ، ولی اینهمه موجب نشد حتی لحظه ای ازپای بنشیند . ازاومیخواستند تاپسرش رااندرز دهد واوراکه تاآخرین لحظه زندگی بادشمن جنایتکار درنبرد بود ، به توبه وتسلیم دعوت کنـد ، اامادرکه راه پسرراگرامی میداشت ، " خواهشهای " آنهارا باخشم وبیزاری پاسخ میگفت . روزی که جسم شکنجه دیده پسررادرسردخانه بیمارستان نشانش دادند ، شهادت جانگـزای فرزندرا باتکیه کلامهای فرزند دلاورش که : " پیروزی ازآن ماست " و " مادر! افق روشن است " پذیراشد . شهامت ورشادت این مادرحتی دشمن راباعجاب واداشت .

مادر " رضائی " هاکه چهارفرزند خودرا درراه وطن قربانی داد ، یکی ازنوادردوران مـا است . درگردهمآئی دانشگاه تهران هزاران شاخه گلی کەنثاراین مادرقهرمان شد ، سپـــاس یك خلق بود . اووصدها مادرمبارزومقاوم جای برجسته ای درتاریخ مبارزات زنان ایران احـــراز کرده اند .

درجریان تظاهرات وراه پیمائی های چند ماه اخیرزنان ودختران درمقیاس گسترده ای شرکت کرده اند . درحوادث خونین قم ، تبریز ، مشهد ، اصفهان ، قزوین ، تهران هزارهـا زن به شهادت رسیده اند . درتظاهرات روز ۱۷ شهریورتهران ، هنگامی که صفوف تظـــاهر کنندگان برگبارمسلسل بسته شد ، بسیاری اززنان که بامشتهای گره کرده درصف جلوقـــرار داشتند ، درهمان لحظه اول به شهادت رسیدند . شیرخوارگان درآغوش مادران بخون غلتیدند وکودکان ازوحشت مرگ بدامان مادرآویخته وسردرآغوش هم بخاك افتادند . چنین قســاوت و سفاکی فقط ازمحمدرضاشاه ، شاه قاتلان ودزدان وجنایتکاران ساخته است . درمشهد صدها مادروازجمله مادر۹ فرزند رابه گلوله بستند . درقزوین باتانك ازروی پیکرهای دختران ومادران گذشتند ودرتبریزبا هلیکوپترآنان راگلوله باران کردنـد .

درجریان اعتصابهای همگانی ماههای اخیرزنان کارگر، دهقان ،آموزگار، دبیروکارمند همه‌متحد ویکصدا درصف جلوی مبارزه قرار دارند وباطرح خواستهای اقتصادی وسیاسی خویش اعلام کرده اند که تاتحقق کامل مطالباتشان‌باعتصاب ادامه‌خواهند داد .

★★★

بررسی مبارزات سالهای اخیرزنان نشان‌میدهد که این‌مبارزات درچارچوب پیکارعموم خلق ازمبارزه درراه‌مطالبات اقتصادی به‌مبارزه برای‌تامین آزادیهای دموکراتیک فراروییده ودردوران اخیربه‌مبارزه ضدامپریالیستی برای تحقق استقلال ملی اعتلاء یافته است .

زنان ایران‌که درچند سال پیش مبارزه خود را بااعتراض به‌عدم برابری دستمزد کارگران زن ومرد ، فقدان مهدکودک برای مادران کارگروکارمند ، اعتراض به گوشت یخ زده ، گرانی خواربار وهزینه سنگین اجاره‌مسکن شکل دادند ، دردوران اول اوج مبارزات‌عموم خلق ،آنهانیز بنیادهای استبداد راهدف گرفتند وخواستتامین آزادیهای دموکراتیک رامطرح کردند تامرحله کنونی که‌مبارزه‌زنان درچارچوب خواست جنبش مستقیماعلیه سلطنت خاندان پهلوی ، نظام شاهنشاهی ونفوذ امپریالیسم وبویژه امپریالیسم مداخله گرویغماگرامریکامتوجه است وتامین استقلال ملی کشورخواست زنان مبارزنیزهست که طلب میکنند تاامپریالیسم همراه بارژیم سرسپرده شاه‌گورخود راازکشورگم کنند ومردم خود حاکم برسرنوشت خویش باشند .

★★★

رژیم شاه برای نجات ازبحرانی که‌سراپای آنرافراگرفته است ، اخیرا به اقدامات فریبگرانه‌ای درزمینه قوانین مربوط به حقوق زنان دست زد وبرخی ازمواد این قوانین راکه ولود رمقیاس خرد ، ولی بهرحال پیروزی مبارزات گذاشته زنان بود ، بزیان‌آنان تغییرداد . رژیم شاه خواست موذیانه چنین‌جلوه دهد که گویاجنبش وسیع کنونی ، جنبشی است صرفاما هبی وهدف آن" کشاندن ایران به قهقرا" است . رژیم شاه بااین دعاوی میکوشید میان بخشهای مختلف جنبش تفرقه اندازد .ولی روشن است که این خدعه ها هیچکس رانفریفت وجنبش متحد ویکپارچه درراه اهداف صحیح سیاسی ، اقتصادی واجتماعی خود پیش رفت . زنان ایران بخوبی واقفند که هیچ رژیم واقعاملی ودموکراتیک بحکم خصلت خود نمیتواند مخالف برابری حقوق زن ومرد باشد ورهبران مذهبی جنبش پیوسته موافقت خود را بااصل برابری‌زن ومرد اعلام داشته اند ، اماآنچه عمده است وامروزمستقیما دردستورکارجنبش قرار دارد ، اتحاد بی خدشه همه‌مبارزان مخالف سلطنت وامپریالیسم ومبارزه‌متحد درراه طرد کامل این دومانع عمده پیشرفت‌میهن‌ماست. حزب توده ایران دراطلاعیه‌مورخ ۲ بهمن تحت‌عنوان :" اتحاد نیروهای ملی ودموکراتیک رامانند مردمک چشم نگاه داریم " مینویسد :

" مابنوبه‌خود ازهمه افراد وگروهها وسازمانهائی که درجنبش پرافتخارکنونی مردم ایران پیکارمیکنند خواستاریم که باتوجه باهمیت حیاتی اتحاد صفوف خلق درشرایط کنونی برای درهم شکستن انواع‌توطئه های دشمنان خلق ، ازدست زدن بهرعملی وازپیش‌کشیدن هرشعاری که

موجب تفرقه وتشدید تشنج در جبهه متحد خلق برای رسیدن به هدفهای عمده کنونی اش یعنی براندا ختن رژیم سلطنتی ، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی ، مستقرساختن جمهوری متکی به آراء عمومی مردم وتامین آزادیهای دموکراتیک گردد ، اکیداخودداری نمایند " .

شرط مقدم پیروزی مبارزات زنان در راه برابری حقوق ، تامین آزادی واستقلال کشوراست. تنهادراینصورت است که راه برای رفع تبعیض اززنان گشوده خواهد شد . ونیز تردیدی نیست که برابری واقعی زنان درگرودگرگونی های عمیق سیاسی ، اقتصادی واجتماعی است وتنها گذارانقلابی جامعه به سوی سوسیالیسم وبازسازی بنیادی جامعه میتواند رهائی کامل زنان را از بند استثمارونابرابری تضمین کند .

* * *

زنان و دختران گُردِ ایران با شرکت فعّال در نبرد قهرمانانهٔ خلق، سهم برجسته‌ای در پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران ایفا کرده‌اند.

پیروزی جنبش ملی و دمکراتیک مردم ایران راهگشای برابری حقوق زن و مرد است.

جاوید باد خاطرهٔ تابناک زنان ودختران شهیدی که در پیکار برای آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی میهن جان خویش را نثار کرده اند!

امیرنیک آیین

نقش دانشجویان و ویژگی های جنبش دانشجویی ایران در انقلاب بزرگ خلق ما

هیچکس ادعا نمیکند در انقلاب عظیمی که جامعه ما را از بن تکان داده وبرکت آمادگی وبیداری همه مردم میرود تا شکوهمند ترین ثمرات را برای خلق مبارز ما ببار آورد، دانشجویان نیروئی رهبری کننده بوده یا پیشروترین گروهها را تشکیل میداده اند. هیچکس هم، اما، نمیتواند منکر شود که در این سال پرتب وتاب دانشجویان ایران، وفادار به سنتهای دیرینه خود، در کنار همه مردم ایران نام خویش را در صف فداکارترین، هشیارترین وپیگیرترین مبارزان انقلابی ثبت کرده اند. واین افتخار تاریخی ببهای جانبازی ودرایت تحسین آفرینی در این یکسال انقلابی که برمیهن ما گذشته بدست آمده است.

در همه شهرهای دانشگاهی ایران، دانشجود رکنار کارگروکارمند، کاسب ودهقان، بازاری وروحانی، ادیب وزن خانه دار قرار داشت. دانشجویان ازمردم وازسطح آگاهی عالی سیاسی آنها وازاستعداد سازماندهی وقدرت سمتگیری درست توده ها بسیار آموختند وبنوبه خود درایجاد این آگاهی وتشکل سهم بسزائی ایفانمودند. آنها در همه جا بخاطر استقلال میهن وآزادی خلق، برضد سلطنت منفوروشاه خائن، بخاطر اتحاد همه نیروهای راستین ضد رژیم وضد امپریالیسم وایجاد جبهه متحد آزادی ملی، برای کنار گذاشتن اختلافات سیاسی ومسلکی وفلسفی که جنبه فرعی دارند، برای کمک بخلق مسلح ــ تنها نیروی عظیمی که به برکت آگاهی واتحاد تمام نیروها میتوانند هرتوطئه امپریالیستی وارتجاعی را درهم کوبد ــ برای ایجاد جمهوری متکی باراده خلق ودر راه تحقق حیاتی ترین خواستهای حقه سیاسی واقتصادی واجتماعی مردم، جانانه رزمیدند ومیرزمند.

نقش وسهم دانشجویان ما در تحولات انقلابی بی نظیری کهبرمیهن ما میگذرد بدون سابقه تاریخی وبدون پایه ای محکم در نبردهای گذشته نیست، بلکه ریشه در سنتهای درخشانی دارد.

نبرد کنونی دانشجویان اگرچه ابعاد ش با اعتصاباتی که در زمان سلطنت رضاشاه انجام شد وفعالیتهائی که دکتر تقی ارانی وهمقدمان کمونیستش الهام گر آن بودند، قابل قیاس نیست ولی شیره حیاتی خویش را از همان تعلق به خلق وعشق بزحمتکشان وبمیهن کسب میکند. ازهمین روست که نهال تردونازک آنروزی، اینک چنین باروروتناور شده است. در این فاصله زمانی دانشگاه ها همواره در نبرد مرگ وزندگی بین خلق وضد خلق، بین توده مردم ودربار سلطنتی، بین میهن پرستان وامپریالیسم، حتی یک گام ویک لحظه سنگر خلق را ترک نگفتند وچه بسا در سالهای دشوار وتاریک توانستند بیانگر اراده عمومی خلق ومظهری ازمردمی تسلیم ناپذیر شوند. در سالهای پس از فرار رضاشاه دانشجویان آنزمان در گیرود ار نبردی که حزب توده ایران در راس آن قرار داشت

دانشگاه تهران را به سنگر آزادی دوستی و روشنگری و مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم بدل نمودند. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران "توسو" که در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۹ تاسیس شد، ثمره و معرف این مرحله از مبارزه بود که تا کودتای خائنانه شاه ــ سیا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه یافت و از دستاوردها و تجربیاتش نه فقط محیط دانشجوئی پس از آن بلکه سراسر جامعه بویژه جوامع روشنفکری بهره‌ها گرفتند. سالهای پس از کودتا برای دانشگاه با حماسه فراموش نشدنی ۱۶ آذر ۳۲ در دانشکده فنی آغاز شد که درس وحدت آن ــ با ایثار جان بزرگ نیاوندچی و شریعت رضوی (توده ای و مصدق) و جهت ضد امپریالیستی آن بمناسبت مداخله مستقیم و آشکار جهانخواران امریکائی و جهت ضد سلطنتی آن در رابطه با نقش دربار خائن شاه در تدارک و انجام کودتا آنچنان نیرومند بود که با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" برای همیشه در تاریخ معاصر ایران ثبت شد و سرمشق نسلها ی بعدی دانشجوئی گردید. از آنزمان تاکنون دانشگاههای ایران تاریخی پرحادثه و مشحون از فداکاری و بیدار دلی را پشت سر گذاشتند، از پیچ و خمهای فراوان گذشته، راهها و بیراهه‌ها را تجربه کرده، امواج خونریز سرکوب را از سر گذراندند. در این بیست و پنج سال ۶ــ۵ "نسل" دانشجوئی آمده و رفته اند ولی سنتهای انقلابی ناشی از تعلق بخلق و ضرورت نبرد بخاطر میهن و آزادی، سینه بسینه، کلاس بکلاس، دانشکده بدانشکده، شهر بشهر، سال بسال منتقل شد و هر بار غنی تر و با ورتر و پرتوان تر گردید، تا جائیکه امروز با ننگ پرافتخار دانشجوی ایرانی همصدا با خروش ملتی بپا خاسته، طومار سلطنت پوسیده پهلوی ها و نظام نکبتبار پادشاهی را در هم می پیچد و بدینسان نه فقط در تاریخ میهن ما، که در تاریخ نبرد ضد امپریالیستی خلقهای آسیای باختری، صفحه ای نو میگشاید. کدام سال از این ۲۵ سال سیاه را میتوان شاهد آورد که رژیم شاه موفق شده باشد دانشگاه را «آرامگاه» و دانشجویان را به قاریان سر بزیر گورستان خاموشان یا به‌به‌گویان ریزه‌خوار حرمسرای دربار یان بدل نماید؟ هیچ سال! هیچ سالی بدون اعتصاب و تظاهرات، بدون بزرگداشت ۱۶ آذر و تجدید عهد با سنتهای مبارزه و با خلق محروم نگذشت و تمام تمهیدات رژیم که با سرنیزه یا پول، با گارد مسلح یا شغل پردرآمد، با سرکوب بیرحمانه یا وعده و عوامفریبانه بمیدان آمد، درهم شکسته شد.

اما اکنون نه فقط ابعاد، که کیفیت مبارزه دانشجویان بدرجه ای بس عالیتر ارتقاء یافته است. شرکت دانشجویان در نبرد میهنی ما بسی گسترده تر و همه‌گیرتر، یکپارچگی آنها خلل ناپذیرتر، آگاهی آنها فزونتر، هشیاری آنها ژرفتر، عزم آنها راسخ تر و پیگیری آنها چشمگیرتر شده است. و این همه مرهون پیوند با مردم است. دانشجویان ما جزئی از خلقند و توانسته اند در صفوف خود ــ اگرچه با گرایشهای مختلف اعم از مذهبی و توده ای، مجاهدی و چریکی آرمانهای اساسی و هدفهای عمده نبرد خلق ما را منعکس نمایند. آری، ریشه نهضت دانشجوئی ما در سنتی غنی و پرمایه قرار دارد و محیط زیست آن، جو بیسابقه پیکار آگاهانه و نستوه خلقی است که جهانیان را به تحسین وا داشته. پس عجب نیست که نهضت دانشجوئی، چنین گسترش و ژرفائی یافته و چنین نقشی را در انقلاب بزرگ خلق و دموکراتیک ما ایفاء میکند.

مرحله جدید مبارزه دانشجویان ایرانی ــ در متن انقلاب کنونی ــ درست بخاطر تفاوت کمی و کیفی خویش با مراحل قبلی دارای ویژگیهای مهمی است.

■

■

دانشجویان طی یکسال ونیم اخیرموفق شدند درهرلحظه ومطابق بانیازها وشرایط وامکانات روزبهترین وکارآترین تاکتیکهای مبارزه رادرعمل پیداکنند ومناسبترین شیوه ها رابکار بندند . آموختن ازخلق وازتجربه وعمل انقلابی خود درگرماگرم نبردهای روزانه ، به نهضت دانشجوئی ماگشاده دستی ووسعت نظروتنوع بیسابقه ای درشیوه های پیکاروشکل عمل ارزانی داشته است . دراین ماهها ازاجتماع درسالن تامیتینگ درصحن حیاط ودرمیدان ورزشی ازتحریم تاتحصن ، ازتظاهردرخیابان تااعتصاب ، ازاعتصاب کوتاه مدت وموضعی تااعتصاب بدون مدت وهمه‌گیر، ازتشکیل جلسه سخنرانی ادبی تاتبدیل جلسات درداد گاهها ومیز متهم به‌تریبون بیان‌عقیده ، ازاعلام بموقع خواستهای صنفی ورفاهی ودرلحظه درست اعلام خواست های صریحاً وانحصاراً سیاسی ، ازجستن ویافتن بهترین طرق همبستگی باتوده ها ، همه تاکتیک هامورد استفاده قرارگرفته است . حملات رژیم بدانشگاهها بسیارسبعانه وخشن ودرعین حال بسیارموذیانه ومحیلانه بود . ولی بکمك همین شیوه ها آن حملات دفع شد وپیروزیهای بسیار بدست آمد . هنگامیکه بقایای رژیم منحوس وامپریالیستهای غارتگربرای نجات خویش وحفظ منافع خود میکوشند جنگ خونین داخلی رابمردم ماتحمیل‌کنند ومانع پیروزی نهائی وقاطع انقلاب ایران شوند پیشروترین دانشجویان درامرتدارك همه‌جانبه مبارزه مسلحانه‌وتلفیق آن باسایراشکال مبارزه سیاسی سهم خود راادامیکنند تاخلق درصورت لزوم برای دفع هرگونه توطئه وحمله ارتجاع ونواستعماروبرای هجوم نهائی بمواضع ضدانقلاب آماده باشد .

■

■

ویژگی دیگراین‌مرحله نهضت دانشجوئی بلوغ سیاسی آن است . درتاریخ ۴۴ ساله دانشگاهی جدید ایران ، دانشجویان درمجموع خویش ، هرگزازچنین‌سطح عالی درك سیاسی برخوردارنبوده اند . این امرموجب شدکه دراین‌مرحله بسیارحساس وحیاتی انقلاب ایران‌نهضت دانشجوئی برخلاف برخی نمونه‌های سالهای پیشین ، ازلغزشها وحادثه‌آفرینی های‌بیمورد و ماجراجوئیهای‌زیانبارو‌بیموقع تااندازه زیادی‌درامان بماند وقوای‌عمده‌خود را برای‌تحقق عمده‌ترین شعاردرعمده‌ترین نقطه‌متمرکزکند . اگرزمانی این‌یاآن شکل مبارزه‌آنهم‌بنحوی غلط ودربازتابی مسخ شده مطلق میشد وهرگونه شکل دیگرکاروفعالیت عملا نفی میگردید ، درمرحله کنونی، نهضت دانشجوئی توانست گریبان‌خود راازچنگال این بیماری ویژه ناپختگی وکودکی برهاند ، بالغ تر ومسئول تربمسائل حیاتی نهضت وکشوربرخورد کند . کارتشکیلاتی عظیم‌وبیسابقه ایکه توسط توده دانشجود راین یکسال ونیم اخیرانجام‌گرفت وشعارهای درستی‌که مطرح شد وپیگیری وقاطعیتی که برای اجرای‌خواستهابکاررفت خود نمونه برجسته این‌بلوغ سیاسی بود . دانشجویان دروجود شاه وحکومت فاسد ووابسته اوسد اساسی پیشرفت واستقلال وآزادی رادیدند وقاطعانه ومصممانه خواست اساسی خویش راطرد سلطنت‌وقطع دست امپریالیستها قرارادادند . بلافاصله پس ازحادثه سینمارکس‌آباد ان اتحادیه دانشجویان ودانش‌آموزان ایران طی اطلاعیه ای‌اعلام داشت : " رژیمی که‌تاکنون هزاران‌تن ازبهترین‌وارزنده‌ترین فرزندان ایران‌رابفجیع‌ترین‌ودرنده‌خوترین شیوه‌هابشهادت رسانده برای بقای خویش‌اینك ازپاخاك‌وخون‌کشیدن ملت ستمدیده ایران ، ابائی‌ندارد " . اطلاعیه مطبوعاتی دبیرخانه‌خارجی سازمان جوانان ودانشجویان دموکرات‌ایران

که در رسوم شهریور ۵۷ منتشرشد خاطرنشان ساخت که : "آنچه در ایران میگذرد مبارزه ایست میان دربارخائن پهلوی واعوان وانصارش وامپریالیسم حامی آن ازیکطرف ومردمی که دیگرتحمل دیکتاتوری عنان گسیخته رژیم شاه وتاراج منابع ملی وهرج ومرج اقتصادی وسیاست ماجراجویانه نظامی شاه راندارند وباهمه سبعیتِ ساواك ، مبارزه خود راتاسرنگونی رژیم شاه خائن ادامه میدهند" . علیه‌چنین رژیمی ، یکپارچه ومصمم ، توده دانشجوپاخاست وباتشخیص دشمن‌عمده و مبارزه قاطع علیه‌آن حدعالی بلوغ سیاسی خود رانشان داد .

■

■

ویژگی دیگراین‌مرحله سطح‌عالی تراتحاد وهمبستگی دانشجویان بود . وحدت همیشه ازهدفها وتاحد معینی ازدستاوردهای‌نهضت دانشجوئی مابوده است . ولی دراین‌هنگام میهن ماماهمهای‌سرنوشت سازی رامیگذراند . دانشجویان‌توانستند درعمده‌ترین مسائل درمقابل دشمن عمده ــ شاه‌وامپریالیسم ــ وحدت اساسی خویش راحفظ کنند واین‌وحدت راپایگاه مهم پیروزی های‌خویش سازند . همه‌میدانند که‌جامعه دانشجوئی ماصاحب گرایشهای مسلکی واندیشه های فلسفی وپیرومکاتب سیاسی مختلفی است واین امرد رشرایط اجتماعی کنونی ماکاملا بدیهی وموجه است . وقتی ماصحبت ازوحدت عمل واتحاد میکنیم‌مقصود مان‌وحدت‌عمل‌گروهها وگردانهائی است که باهم درنکات معین ودرمسائل مختلف اختلاف نظروعقیده دارند . بیشك این‌تفاوتهای موجود دراین‌یاآن‌نکته ، دراین یاآن شهر ، دراین یاآن لحظه موجب شد که درمواردی‌گروهها ، اگرنه مخالف هم ، لااقل جدا ازهم عمل کنند ، گاه‌میتینگها واقدامات جداگانه ازطرف گروههای‌جداگانه انجام‌میشد درحالیکه‌شعارها وهدفهای آنهاعملا واساسا یکی بود ، گاه درمسئله‌واحدی‌که وحدت اصولی نظروجود داشت بخاطرهمین تعلقهای مختلف سازمانی وعقیدتی ونبود ن‌یك مرکزواحد ، عمل انقلابی درستونهای جداازهم ، اگرنه مغایرهم لااقل موازی هم ، انجام‌میگرفت . گاه برخی گروهها چنانکه‌گوئی حقی انحصاری برای خود درنبرد ضد سلطنتی قائل‌بودند حاضربه‌تحمل وجود وحضوروعمل دیگرگروههای روشنفکرنمیشدند . تردید نیست که تبلیغات بسیارطولانی ضد کمونیستی وضد توده ای‌ربع قرن سیطره رژیم شاه‌وامپریالیسم امریکاونیزفعالیت تخریبی ونفاق افکن رهبری مائوئیستی چین درایجاد سوء تفاهمات وپیدایش نظریات ومواضع نامبرده نقش‌کم اثری نداشته است . ولی طی یکسال ونیم اخیرمشخصه نهضت دانشجوئی مادراکثریت شکنندهٔ‌خود وحدت‌عمل ومبارزه‌مشترك علیه دشمن مشترك درراه انجام شعارعمده بوده است . واگرازبرخی تشبثات خراب کارانه گروهکهای مائوئیستی که فعالیت خود رابه پاره‌کردن "نوید" وتوهین به‌حزب توده ایران خلاصه‌میکردند بگذریم درمجموع این‌وحدت وهمبستگی است که سیمای نهضت دانشجوئی مارا در متن انقلاب بزرگ خلقی ودموکراتیك ایران مشخص میکند . دراینجا باید گفت که این‌خود مردم و نهضت اصیل انقلابی آن بود که بهمه گروهها راه وحدت رامیآموخت وشعاراصلی ضد سلطنتی وضد امپریالیستی راباتمام‌حدت وقدرت بکرسی مینشاند واختلافات فرعی رابکنارمیزد وگمراهان‌راعملا به‌تکروان مبدل میساخت . کوشش‌آگاهترین وپیشروترین عناصردانشجوئی برای کنارگذاشتن اختلافات فرعی وجزئی وعمده قراردادن هدفهای اصولی ، دراین شرایط به ثمرمیرسد . بیهوده نیست که پیام صفرقهرمانی ، توده ای پیر ، قدیمی ترین‌زندانی سیاسی جهان که بنابدرخواست دانشجویان درفردای روزآزادیش‌برای اجتماع دوم‌آبانماه ۵۷ دانشگاه‌تهران فرستاده شد

باآنهمه شوروهیجان مورد استقبال قرارگرفت . وی گفت : "عزیزان من ! پیامی دارم ! هشیار میدهم تجربیات ذیقیمت خلقهای مامبین این واقعیت است که مبارزات درصورتی به پیروزی میرسد که صفوف مبارزان هرچه بیشترفشرده تروهمگام ترباشد " .

■

■

ویژگی دیگرنهضت دانشجوئی دوران اخیرهمبستگی نزدیک وپیوند محکم آن باطبقات و قشرهای زحمتکش مردم است. کوششهای دیرپاوصادقانه اکثریت قریب به تمام دانشجویان طی سالهای گذشته برای پیوند بازحمتکشان دردوران اخیربا باروری به ثمرنشست ونهضت دانشجوئی درحقیقت بجزء متشکله وبخش جدائی ناپذیرجنبش انقلابی تمام خلقهای مامبدل گردید که با تمام رگ وپی خود باکارگران واعتصابات کارگری ، باکارمندان وفعالیتهای آنان ، بااصناف وپیشه وران واقدامات آنها وهمچنین دردرون دانشگاه بااستادان وکادرآموزشی واداری ومبارزات آنها پیوند دارد . بیانیه دانشجویان دانشگاه تبریز ٢٤ر٢ر٥٧ میگوید : " جنبش دانشجوئی ایران وظیفه ورسالت خود میداند که ازمبارزات خلق زحمتکش ایران دفاع نماید " . دراین یکسال ونیم دانشجویان مبارزنه فقط درصحن دانشکده ها ، بلکه دربرابرکارخانه ها وادارات ، درتمام تظاهرات وراه پیمائی ها درکنارمردم قرارداشتند . توده های خلق نیزدرروزهائی که دانشگاه محاصره میشد ، بخون کشیده میشد ، زیررگبارگلوله وزیرزنجیرتانک ها قرارمیگرفت ، بکمک دانشجویان میآمدند ولحظه ای دانشگاهیان راتنها نمیگذاشتند . چند نمونه مشخص وکوچک : هنگامیکه کارگران نفت باعتصاب قهرمانانه خویش دست زده بودند ، دانشجویان مدرسه عالی کامپیوتردرخیابان ظفرمیزگذاشتند وطی یکروز ازعابران بیست هزارتومان اعانه برای اعتصابیون گردآوردند . هنگامیکه مردم تهران درمرداد و شهریوردرمیدان وثوق خیابان مسعود سعد بدیدن نمایشگاه عکس دانشجویان دانشگاه صنعتی آمدند باتصاویرمربوط به کاروزندگی روستائیان ومهاجرت اجباری وفقرآفرین آنها به شهرها روبروشدند. هنگامیکه درپاییزامسال معلمین ودانش آموزان اعتصاب کردند ، دانشجویان ، کلاسهای درس مجانی برای عقب نماندن دانش آموزان ترتیب دادند . هنگامیکه زلزله طبس وزلزله جنوب خراسان روی داداقدام عملی دانشجویان که بکمک هموطنان آسیب دیده وروستائیان شتافتند ، علیرغم سایه روشنها ونقاط ضعف خود نقش معینی رادرراه نزدیکی ویگانگی دانشجویان بازحمتکشان دهات ایفاء نمود . البته اینها نمونه های کوچکی است ، ولی مظهری است ازوقوف وتوجه دانشجویان به اهمیت اتحاد وهمبستگی وهمکاری بامردم . مهمترین عنصراین مسئله همبستگی وپیوند باکارگران است . دانشجویان درفعالیت های افشاگری وآگاهسازی درمحیط های کارگری شرکت جستند ، درمبارزات اعتصابی وتظاهرات آنان سهم خود راادا نمودند ، دراجتماعات جلوی کارخانه ها وبرای کمک به تدوین وپخش اعلامیه ها همیشه حاضربودند وازپشتیبانی متقابل کارگران برخوردارشدند. آنها ازانضباط وهشیاری وقاطعیت کارگران بسی چیزها فراگرفتند وبنوبه خود آگاهی خویش رادرخدمت تشکل آنها قراردادند . هنوزخونهای ریخته شده گرم است وعرق جبین مبارزان خشک نشده ولی این همبستگی وپیوند دانشجووکارگرچنان تاثیری داشته که ازهم اکنون درداستانسرائی ودرشعر بازتاب یافته است. همچنین است کوشش دانشجویان برای نزدیکی وهمکاری بابازاریان وکسبه ، باادباوفرهنگیان ، باوکلای دادگستری وقضات شریف ، باارتشیان میهن دوست. درهمین زمینه

میبایست بوحدت عمل بین دانشجویان وطلاب مدارس‌علمیه مذهبی اشاره‌کرد . بمناسبت حمله عمال حکومت در ۱۶ شعبان به‌مدرسه‌نواب در مشهد روحانیون مشهد طی اعلامیه ۲۱ رمضان خود مینویسند : " مابه‌مثلث مسجد ــ مدرسه ــ دانشگاه برمیخوریم که بین آنها پیوند مقدسی بوجود آمده ، قرارگرفتن این سه پایگاه صدای توده‌مردم دریک رده ، طلیعه بسیارنوید بخشی است " . دردرون دانشگاه نیزصحنه های‌همبستگی وهمکاری‌بین استاد ودانشجو راین‌یکسال انقلابی بسیارفراوان وپرهیجان است. بولتن خبری دانشگاه صنعتی درشماره ۱۷ خود مورخ ۸ شهریور۱۳۵۷ نوشت : " دولت باتشکیلات پلیسی خود درمقابل اتحادبین دانشجووااستاد شکست پذیراست " . سرکوب خونین دانشجویان توسط گرازهای شاه بااعتراض واعتصاب وتحصن واستعفاازجانب استادان پاسخ داده شد ویگانگی بیسابقه ای دردانشگاهها بوجود آمد که درآتش وخون آبدیده شده بود . خبرنامه جبهه‌ملی ۱۰ خرداد ۵۷ مینویسد : " امروز استاد واقعی ، برغم وجود زندان باچراغ ، هستی برکف ، دست دردست شاگردانش صمیمانه ایستاده است ودرتمام دانشگاهها ومدارس‌عالی سراسرایران استادان‌ودانشجویان درکنارهم صف واحدی راتشکیل میدهند " .

■

■

مشخصه دیگرنهضت دانشجوئی دراینمدت ، تحرک فوق العاده وانعطاف بیسابقه آن است که‌خودناشی ازبلوغ سیاسی وقدرت‌تطبیق باشرایط بسیارمتغیرودوران تحول سریع انقلابی درمیهن‌مابود . این‌تحرک وانعطاف راچه درمورد خواستها وشعارها ، چه درمورد اشکال مبارزه وتشکل بخوبی میتوان دید . نهضت‌دانشجوئی ماتوانست بهنگام خود یکپارچه ترین‌و درازمدت ترین اعتصابات‌راترتیب دهد وبازبهنگام خود جنبش بازگشائی رابراه‌اندازد ، اجتماعات پرشور وتحصن‌های تکان‌دهنده سازمان دهندیادرتظاهرات‌وراه‌پیمائیهای عظیم شرکت جوید ، توانست همه‌سنگرها وجبهه های نبرد رادرجنگی که علیه رژیم شاه برپاشده بود تجربه‌نماید وبسرعت درمورد لزوم ازیک شکل بشکل دیگربگذرد . درمورد تلفیق شعارهای سیاسی ومیهنی باخواستهای صنفی ورفاهی وگذارازاین‌بدان‌واستفاده ازهرکدام برای تشکل وتجهیزوسیع ترین توده های دانشجوئی نمونه هایی‌بارزی دیده شدکه‌درزمره دستاوردهای جنبش‌دانشجوئی بجای خواهد ماند . بتدریج که سطح کلی نهضت ارتقاءمییافت وتجربه عملی توده دانشجوئی ترمیشد ، خواست سرنگونی شاه‌ونظام‌حکومتی اوورهائی ازسیطره امپریالیسم بخواست‌مشترک واساسی نهضت دانشجوئی بدل میشد . بررسی های آینده،آنهنگام که‌ممکن شود ، نشان‌خواهد داد که‌سازمان های سیاسی مخفی چه‌نقش‌فعال ومهمی درتدارک وبسیج وتجهیزوبمیدان کشیدن توده‌دانشجو ایفاکرده اند . بنوبه‌خود دانشجویان توده ای‌میتوانند بخود ببالند که درشرایطی دشوار برای انجام این‌وظیفه حساس وبسیارپرمسئولیت باجسارت وحزم انقلابی عمل‌کرده اند .

■ ■

جادارد که ازپیگیری وخستگی‌ناپذیری دانشجویان دراین دوره انقلابی بعنوان یک‌مشخصه

دیگرنهضت دانشجوئی نام برد . سال تحصیلی گذشته ، مهر٥٦ ، بایك صحنه سازی رسوا و خشم‌آفرین آغازشد ، صحنه سازی برای‌مسخ کردن ١٦ آذر وقطع ریشه‌های سنت پیکارجویانه در حضورشاه سابق ورنش تنی چند ساواکی ، بهنگام افتتاح سال تحصیلی طی نطقهائی خواستند در تاریخ دانشگاهی تقلب کنند ونام وخاطره قهرمانان شهید ١٦ آذر رابه تصاحب خویش درآورده ، ملوث کنند . تدبیرساواکی تشکیل " اتحادیه دانشجویان دانشگاه " مرکب ازعمال شاه ، صد وراعلامیه علیه دختران دانشجود ر١٩ مهرماه وتحریك وحمله علیه‌مارکسیست ها ودرعین‌حال علیه اسلامی ها بدنبال آمد ومعلوم شد که توطئه وسیعی در دانشگاهها در شرف انجام است . ولی مسئولان ساواك کورخوانده بودند . سال تحصیلی گذشته هنوزبه آذر نرسیده بود که آتش بجان رژیم انداخت .

درموفقیت شبهای شعروادب درنیمه دوم مهرماه ودرسمتگیری مترقی آن دانشجویان سهم‌مهم داشتند . درآبانماه اجتماعات دانشجوئی خصلت‌همه‌گیروبیش ازپیش سیاسی بخود گرفت وبرای شنیدن‌سخنرانیهای شخصیت های عرصه سیاست وادب ازتهران گرفته تابابلسروجندی شاپورجلسات‌متعدد ترتیب یافت که‌مرتبا باهجوم وحشیانه پلیسروگارد مسلح وساواکی هاروبرومیشد. تحصن‌تاریخی دانشگاه‌تهران واجتماع دانشجویان واستادان واولیاء جوانان درآبانماه ١٣٥٦ ازتمام بنای‌تقلب وتحریف رژیم سنگ برروی سنگ باقی نگذاشت . دراواخرآبانماه ماموران چماق بدست بکلاسهای درس دانشکده ادبیات حمله برده واستاد ودانشجورامضروب ساختند . در سالروزتعطیل حسینیه ارشادکماندوهاباجتماع آرام‌دانشجویان حمله بردند . دستجات چماق بدست ساواکی سویل پوش دربابلسربنام " اولیاء دانشجو " ، درکاروانسراسنگی بنام " کارگر" درکوههای نزدیك تهران ودراصفهان بنام " دهقان " همه بگونه‌ای مشابه چکمه‌پوش وپنجه بوکس بکفوزنجیربدست بجان دانشجویان افتادند . ماه‌آذرسال پیش‌ماه اعتصاب وتعطیل بود . دانشجویان راازدانشکده‌هااخراج ومضروب کردند ، بسربازخانه‌فرستادند وازکوی دانشگاه بکوچه وبازارریختند . اعلامیه"دانشجویان‌مبارزمسلمان دانشگاههای ایران" مورخ ٨ مهر ٥٧ مینویسد : " درسال گذشته تحصیلی خون پاك شهدانشکده ها وخیابانها وخوابگاههارارنگین کرد ، زندانها ازمبارزان دلیروجان برکف شماپرشد ودردادگاههافریادحق طلبانه شماخواب ازچشمان گرگان ربود " . درواقع همان طورکه نشریه‌خبری دانشگاهیان شماره یك ــ اول شهریور١٣٥٧ نوشت : " دانشگاه تهران درسال گذشته تعطیل بود " . درسال ٥٦از ٨٠٠ دانشجوی دانشگاه صنعتی اصفهان ٦٥٠ نفررا بدستورمسئولان ساواکی اخراج ویابرای مدتی ازتحصیل محروم کرده بودند . بمرورزمان که‌موج عظیم انقلاب سراسرکشوررا فرامیگرفت دانشجویان‌باپیگیری مبارزه‌خود رابسطوح عالیترسوق میدادند . بعدازتظاهرات‌مردم قم‌ومنجمله طلاب شهربدفاع ازآیت اللهخمینی که‌علامت مرحله‌جدید مبارزه‌ٔ مردم ایران‌علیه رژیم شاه بود ، دانشجویان نیز باقدرتویکپارچگی بیشتربپاخاستند . قیام یکصد هزارنفری‌مردم قهرمان‌تبریزدر٢٩ بهمن‌زلزله‌ای بزرگ درکاخ پلیداستبداد شاه سابق ایجادکرد . دانشجویان‌تبریزگره‌خورده باکارگران وکارمندان وروحانیون وبازاریان واقشارمختلف دیگر دراین‌قیام دورانسازشرکت داشتند . موج عظیمی از نهضت خلق آغازشده بودکه دیگرهیچ نیروئی تاب پایداری دربرابرآنرانداشت . دریك گزارش ازتبریز گفته‌میشود : " دانشگاه درمحاصره‌کامل ارتش بود . سه‌مترپه سه مترد وسربازباتفنگ خودکار وکلاهخود ایستاده بودند . خیابانیکه خوابگاه دانشجویان درآن‌واقع است سخت محافظت میشد وعبورومروراز‌آن‌بکلی‌ممنوع بود . درمیان دانشجویان تب وتاب عجیبی حکمفرما بود حتی افرادی

که تاآنروزکاری باعتصاب نداشتند باولع خبرمیگرفتند . مردم ازمبارزه یکپارچه دانشجویان شاد بودند وازقساوتهای ارتشیان بخشم آمده بودند . دختران دانشجود ربیمارستان کارکرده واعم ازپزشکی وغیرپزشکی پست عوض میکردند . . . " نوروز۵۷ ایران عزادار بود وخود رابرای ادامه پیکار آماده میکرد .

دربهاروتابستان ۱۳۵۷ جنبش دانشجوئی بهمراه جنبش همگانی خلق قهرمان اوج بیسابقه ای گرفت.

درروید ادهای تاریخ سازشهریورماه ، دوشنبه عید فطر ـ ۱۳ شهریور ، روزحماسه اتحاد وقیام خلق که‌مهره پشت رژیم راشکست ، پنجسنبه ۱۶ شهریورکه یك‌میلیون‌نفربخیابانها ریختند ورای قاطع خویش رابیان داشتند ، وبالاخره ۱۷ شهریور ، جمعه سیاه که پایان بازگشت ناپذیر یکدوره‌تاریخی رادرمیهن‌ماا علام نمود ، دانشجویان سهم شایان توجه پرازفداکاری‌وایثاردا شتند. آنهامنجمله درگروههای انتظامات وبرای حفظ نظم‌وانضباط فعالانه شرکت‌نمودند . اعلامیه دانشجویان‌مبارزمسلمان‌میگوید : " دریورش‌خونین ۱۷ شهریورصدها تن از برادران وخواهران دانشجوی ماشربت شهادت نوشیدند . . . ولی حکومت‌نخواهد توانست حرکت سهمگین‌جنبش‌را متوقف سازد " . بمناسبت چهلم ۱۷ شهریور ، اعتصاب همگانی دوشنبه ۲۴ مهرسازمان یافت که دانشگاه تهران درجریان‌آن بوسیله واحدهائیکه باتانکهای اسکورپیون حمایت‌میشد بحلقه محاصره نیروهای نظامی درآمده بود .

درجریان‌تشکیل "سازمان‌ملی دانشگاهیان‌ایران" دانشجویان‌ازهیچ کمکی دریغ‌نورزیدند. این‌سازمان‌که سپس‌نقش‌بس‌مهمی ایفاکرد زائیده یك‌نیازعینی وثمره سطح آگاهی بالای استادان وکادرآموزشی سراسرکشوربود . بدنبال فعالیتهای دانشگاهیان دانشگاه صنعتی برای ادامه حیات‌وپلی تکنیك تهران برای اخراج گارد وآذرآبادگان‌بازدررابطه باخودکامگی گارد ، وجندی شاپوربرای تشکیل یك اتحادیه صنفی ودانشگاه تهران برای‌تدوین منشورخواستهای عمومی توسط استادان ، درمحیط نبردهای مداوم دانشگاهی ودرجو جنبش روباعتلای خلق بودکه شالوده‌های این سازمان ریخته شد . نخست " گردهمائی مقدماتی هیئتهای علمی دانشگاهها وموسسات‌آموزش‌عالی " انجام گرفت وسپس " سازمان‌ملی دانشگاهیان‌ایران " تشکیل شدکه " استقلال‌ودموکراسی وآزادیهای‌دانشگاهی وتامین اجتماعی جامعه دانشگاهی " رادرسرلوحه خواستهای‌خود داشت . این سازمان همراه بادانشجویان دریك لحظه حساس‌تاریخی " هفته همبستگی ملی " را درآبانماه ۵۷ سازمان دادکه نقطه تحولی بود درمبارزات انقلابی . دراولین روزهفته‌همبستگی تنهادردانشگاه صنعتی ، چهارهزاردانشجوگردآمدند . درجریان این هفته دانشجویان رژیم شاه را برملانمودند ، سیاست واشنگتن راافشاکردند ودردانشگاه تهران اعلام کردندکه شکستهای ننگ بارامپریالیسم امریکابایددرس‌عبرتی باشدتادرامورداخلی ایران‌مداخله نکند . دراین هفته دانشجویان ازرجال سیاسی وفرهنگی که برای سخنرانی میآمدند استقبال پرشکوه نمودند وتمام محبت قلب گرم وپرشورخود رانثارزندانیان سیاسی وخانواده های آنان کردند . آنهابادسته های گل روزهای متوالی بمنزل آیت‌الله طالقانی وبمنزل صفرقهرمانی که هردوتازه اززندان آزادشده بودند وبمنازل سایرزندانیان سیاسی که پس‌از۲۴ سال ، ۱۵ سال ، ۱۰ سال اززندان بدست مردم بیرون کشیده شده بودند شتافتند . صدهامیزفروش کتاب دراین روزهادهها هزارنسخه ازآثارکلاسیك وکتب سیاسی وادبی " ممنوعه " را دراختیار دانشجویان گذاشت .دراین هفته‌همبستگی ملی دانشگاه تهران شاهدگسترده‌ترین‌وعظیم‌ترین

اجتماع دانشجویان واستادان ودانش‌آموزان وروحانیون وحقوقدانان ونویسندگان بود . در آخرین روزهفته همبستگی بهنگامیکه دانشگاه‌تهران شاهد عظیمترین اعتصابات وتظاهرات بود ، براثرتیراندازی گارهای‌شاه بدانشجویانی کهازدانشگاه بسوی خانه‌آیت الله طالقانی میرفتند عده ای که رقم‌آنراشهودعینی تاسی نفرگفته اند ــ کشته شدند . این رویداد تمام ایران راتکان داد ،کشتاردانشجویان باعتصاب وتظاهرات عمومی درسراسرکشورمنجرشد ومردم‌خیابانهارا در اختیارخود گرفتند . نخست رئیس دانشگاه تهران وسپس وزیرعلوم وآموزش‌عالی بدلیل کشتار دانشجویان توسط ماموران نظامی استعفاکردند . قبلا روز ۱۴ آبانماه دانشجویان تهران مجسمه‌منحوس شاه‌خائن رادرحیاط دانشگاه بزیرکشیدند . کاری که بعدها در دیماه باد هها و دهها مجسمه دیگرشاه اسبق وشاه سابق تکرارشد . شاه بآخرین تیرترکش خود ژنرال چهارستاره وبقول مردم " ازهاری بیچاره " متوسل شد که چنانکه‌میدانیم نتوانست اورا ازفراربرهاند .

حکومت نظامیان برای دانشگاه بمعنای اشغال نظامی کامل وتعطیل عملی سال تحصیلی بود . روز ۵ دیماه مهندس کامران نجات الهی استاد دانشگاه پلی‌تکنیک تهران که درتحصن وزارت‌علوم شرکت داشت ،توسط شلیک گلوله ازپنجره‌کشته شد . روز ۶ دیماه معاونان دانشگاه تهران‌مستعفی شدند . یکصد استاد دانشگاه‌تهران درمحل دبیرخانه دست به‌تحصن زدند وعلیه اعمال فشاردولت نظامی اعتراض نمودند . گارهای شاه استادان رامورداهانت قراردادند ، رابطه‌آنها را باخارج قطع کرده وباکتک بزندان‌منتقلشان کردند . دانشگاه درمحاصره تانکها قرارگرفته وراههائیکه‌بدانشگاه‌منتهی میشد مسدود بود . موج تازه نهضت خستگی ناپذیرخلق پس ازبرگزاری‌تاسوعاوعاشورا ــ جنبش‌دانشجوئی رانیز باوج های تازه ای برد . شاه بدنبال یك جان کندن طولانی وایجاد " وحشت بزرگ " وکشتارهای جمعی درتقریباهمه شهرهای ایران بالاخره در ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ پس‌از ۳۷ سال سلطنت شوم ونکبت بارو ۲۵ سال دیکتاتوری موحش ومیهن فروشی بیحساب وکتاب ،گریخت .باروی کارآمدن بختیارنیزکه ماموردشد تالااقل‌آنچه‌را کهباقیمانده نجات دهد وجلوی سیل انقلاب وپیروزی قطعی آنرابگیرد ،نبرددانشجویان لحظه‌ای قطع نشد . هشیاری بسیار ، سطح سیاسی بالا ودرایت کافی لازم بودتادانشجویان دردامهای موذیانه ایکه برای نجات بقایای رژیم تعبیه شده بود نیفتند . دانشجویان باادامه اعتصاب و تظاهرات وباجلسات وگردهمآئی هائیکه شبانه روزادامه‌مییافت باشرکت درهمه پیکارهای خلق باخون‌هائیکه نثارراه‌نیکبختی مردم وآزادی‌واستقلال کامل ایران کرده اند ،نشان دادندکه صاحب همه این سجایاهستند وبمردم خود تاپای‌جان وفادارند . حتی دهها دانشجوی‌دانشکده افسری تهران پس‌ازخاتمه مرخصی هفتگی بمحل خدمت خود مراجعت نکردند وبصفوف مردم پیوستند . طی تظاهرات اربعین دانشجویان‌مصرانه ازخواستهای بازگشت حضرت آیت الله‌خمینی وازشورای انقلاب اسلامی وطرد کامل رژیم وتوطئه های‌امپریالیسم حمایت‌کردند . تظاهراتِ بخون کشیده شده ششم بهمن وبویژه خونریزی وحشیانه یکشنبه‌خونین هشتم بهمن‌دربرابردانشگاه وهمچنین کشته‌های ۹ بهمن ازمیان دانشجویان که برپاسازی باریکاددراطراف دانشگاه‌وتحصن یکصدروحانی ودهها دانشجود رمسجد دانشگاه واعتصاب بانکهای خصوصی رابدنبال داشت ، داغ ننگی است برجبین دولت بی اختیارضد خلقی وطرفدارامپریالیسم ودرعین حال نشانی است ازمداومت مبارزه قشردانشجویان میهن ماکه‌شایستهاند ملت ماازوجودآنهابخود ببالد همچنانکه آنان‌نیزازتعلق خود به‌چنین خلق قهرمان ومبارزی سربلند وسرفرازند . حضرت آیت الله خمینی درروزبازگشت بمیهن درنطق تاریخی ۱۲ بهمن خود منجمله از " دانشجویان که دراین‌مسائل

مصائب دیده اند"، تجلیل کرد .

■

■

در این نگاه کوتاه بشرکت دانشجویان ایرانی در انقلاب بزرگ خلق ما میبایست از شرکت همه جانبه بخش بزرگی از دانشجویان ایرانی در خارجه نیز یاد کنیم . بهنگام سلطه اختناق آنان با استفاده از شرایط ویژه خود ، افکارعمومی جهانرا نسبت به وضع میهن ما آگاه ساختند ونقاب از چهره شاه برگرفتند . در این سال انقلابی نیز با زاگراز نفاق افکنیهای مشتی گروهک مائوئیستی صرفنظر کنیم آنها در مجموع خود از راههای مختلف نظیر اعتصاب غذا ، راه پیمائی ، تحصن در سفارتخانه، پائین کشیدن عکسهای شاه ، جمع آوری اعانه برای اعتصابیون ، اجتماع در برابر ویلاهای خانواده شاه ، در اختیار گرفتن کنسولگری ها ، شرکت در تظاهرات وسیع محافل مترقی محلی وغیره خود را در جنبش انقلابی ایران سهیم نگاهداشتند .

■ ■

هنگامیکه در تاریخ میهن گرامی ما با خطوط طلائی از انقلاب دوران ساز کنونی خلقهای ما سخن رود ، بیشك جای شایسته ای بدانشجویان اختصاص خواهد یافت ، بآن صدها وصدها نفری که در زیباترین سالهای عمر ، خون خویش را بید ریغ فدای ایران واستقلال آن ، فدای آزادی مردم زحمتکش وسعادت آنها نمودند ، به آن هزاران نفری که مجروح ومضروب وزندانی شدند ولی سربلند وپیگیر از آرمانهای ملی وانسانی خویش دفاع کردند ، بهآن دهها هزار نفری که روزها وهفته ها وماهها در تظاهرات عظیم واعتصابات بیسابقه شرکت نموده وبافعالیتی پرشور ، با تمام روح جوان وقلب گرم خود از خلق وانقلاب بزرگش دفاع کردند ، به آن سیصد هزار نفری که در این پرشمرترین وآموزنده ترین سال تحصیلی خویش عالیترین درسها را از مکتب خلق ودر مدرسه تاریخ فراگرفتند و در برابر فروختن کاخ جمهوری متکی بر اراده خلق وبرخورد ارا زحمایت خلق ودرهم کوفتن لانه پلید سلطنت مردمکش وایران فروش سهم داشتند . نه فقط خاطره بلکه درسهای این یکسال ونیم در گنجینه انقلابی نهضت دانشجوئی مقام والایی خواهد داشت .

۱۳ بهمن ۱۳۵۷

از دوستان ورفیقان زیربمناسبت کمك مالی ازصمیم قلب سپاسگزاریم

دوست گرامی صادق	۳۰۰ مارك غربی
دوست گرامی توفیق	۱۰۰ مارك غربی
دوست گرامی ارژنگ	۱۰۰ مارك غربی
دوست گرامی مراد	۸۰ مارك غربی
دوست گرامی جمشید	۱۰۰۰ مارك غربی

" وأنتظرنا الخَيرَ، إنتظارالمُجْدِبِ المَطَـرِ "

(چشم براه دگرگونی بودیم چون خشکسالی دیده ای باران را)

علی بن ابیطالب ــ نهج البلاغه

یادمانی بنام شهیدان *

۱۳۵۷ ــ چرخشگاهِ سرنوشت ،
دود تلخ وشعله‌ی کبود در فضای زمستانی
رده های خشم آلود ــ مانند مشتی یگانه
کیسه های شن ، سکسکه خشك مسلسل
سَروقدّان برسنگفرش :
جویِ خون در زیرپیکر، زخم سُرب برقلب ،
بیمارستانها ــ پراززخمیان تشنه جگر؛
واین جهادِ مقدس خلق بود که باوج رسید .
وسرانجام :
سپیده‌ی نیمرنگ آزادی درسرزمین کهن ،
وظهورمجّدد یك شبح .....

دست مریزاد ای طوفان شورانگیز !
چه طُرفه واژون ساختی تخت طاووس را !
وازپای درآوردی گرگ لُطَه‌زن مردم دَر را
وچون جوخه های کفتاران جَرَب راندی
راهزنـان را ، وروسپیان تاج برسررا .

ای کولاك زداینده تراثنامی خوانیم !
ای آتشفشانی پرغریوجانهای عصیانی !
ای صلای جهانپوی آرمانهای شریف !
ای دریای توفنده که ازقطره های سرشك فراآمدی !

---

* ــ ازشگفتی هاست که این شعرسپید که ازجمله بیان یك آرزوی سرایند مآنست نگاشته شده بود وکسانی کاملا بی خبرازوجود این شعر، درکشوراندیشهٔ ایجاد " قبرشهید گمنام " رامطرح ساختند : زایش یك فکرواحد درشرایط تاریخی واحد نزد اشخاص مختلف بی آنکه ازهم خبرداشته باشند " توارُد " نام دارد واین یکی ازآن مَواردست . ط .

ای آبشار ولوله گرکه ازصخرهٔ قهرمانی فروریختی !
بگذار ازنهیب تومعیارهای کهن فروبشکند
تا دروغ ، راستی را به سخره‌نگیرد ،
وشته ها ازمکیدن درختِ کارفربه‌نشوند
وچاکری نسخهٔ سعادت نباشد
وهمه دیوارها درپیشا پیش خلق مافروریزد
تا دمبدم بسوی افق های‌نوترپیش رود .

وهنگامیکه خاکستربی رحم نسیان فرونشیند
مبادا تراازخاطـــربزدائیـــم :
ای نوباوه تفنگ بردوش‌که باخنده ای مروارید گون بسوی مرگ رفتی .
ای‌نفتگربلند بالا که پیش رگبارچون اَفرای جنگلی فرودافتادی .
ای دوشیزه که مشت هایت چون چشمانت غضبناك بود !
ای روحانی که خالق را درخلق جستـــی !
ای جراح شب زنده دارببالین مجروح انقلاب !
ای زن پیرکه دررابروی همگان گشودی ،
بانان ، باگلاب ، باکوزهٔ آب گوارا !
ای موسپیدِ سالخورد که باراه پیمائی درازهمگام شدی !
وای نسترن های برادری برسرنیزهٔ سربازان !

چه روزهائی ! چه رویای حیرت زدائی !
انفجارِ ناگهانیِ یك ظلمتِ غلیظ و دیرپابود
واعجازمردمی بجان آمده ،
وموج خونهای مظلوم که شلّیك ها وتوطئه اربابان راد رخود غرق ساخت .

شاهنشاه ــ سارق پنجاه‌میلیارد دلاری ،
وارث ۲۵۰۰ ساله ، ژاندارم منطقه ، پاسدارخلیج ،
باکوهِ اسلحهٔ صد میلیارد دلاری ، آواکس وآیبکس
باروزی ٦ میلیون بشکه نفت استخراجی ــ تحویل تاراجگران کنسرسیوم
باسیصد ارتشبد وسپهبدِ غرق درنشان وسوگند جان‌نثاری‌خورده ، اززمره اویسی ها
وناجی ها ،
باپنجاه‌هزارگزمه ساواك ودهها دُشتاقْ وشکنجه‌گاه روزمینی وزیرزمینی ،
باپایگاه " چاه بهار " وکُمپلکس اصفهان که میلیاردها رامی بلعید ،
باشصت هزارراین ینگه دنیائی واسرائیلی
بااَبَرجاسوسانی مانند هِلمس وسولیوان
بادعای‌خیرکارترها وکالاهان ها

با اشرف وباند مافیا وگانگستروقاچاقچیان بین المللی ازهمه رنگ
باجلادانی ازنصیری تازمانی
بانرّه دزدانی چون هژبریزدانی
باد هها کاخ وویلا وهتل وکازینووبانك وبنیاد وسازمان وشرکت درچارگوشهٔ جهان ،
باصد وپنجاه والا حضرت ووالا گهرالماسپوش
باچاکران حزب فراگیروووزیران ووکیلان وسناتورهای چکمه‌بوس درملیله‌های براق
باپوزه های وقیح ووراجی چون جعفریانها ونیکخواهها ،
چون مشتی حشره متعفن جاروشدند .

یکبار دیگرسطوتی پوك وزراندود ،
غولی برپاهای گلین ،
دربرابر دادخواهی پابرهنگان فروریخت .

پس سزاست که فردا ،
آنگه که خورشیدآزادی برپهن دشت میهن ما ،لبخند زند ،
بنام شهیدان گمنام یادمانی گرانسنگ برپاسازیم
بنام این ردّ طولانی پاهای خون آلود برریگزارتاریخ ،
بنام شهیدان " جمعهٔ سیاه " و " یکشنبهٔ خونین "
یادمانی ،ازمرمروخاراویشم ورُخام
باکنده کاریهائیکه حماسه راابدی سازد
باآتش جاویدان ، درسایه طاقی
چون ابعاد روح قهرمانان بلند وگنجا ،
تازائران بادسته های میخك آتشین
درروقص شعله ودرنقش بارگاه ،بیادآورند
آن لحظه های پردلهُره راکه تاریخ میساخت ،
وآن زنان ومردان پاك باخته راکه تاریخ ساختند
زیرادرعطلت خواب آلودهٔ زمان چنین لحظاتی کمیاب است .

ازآنسوی باروی زمان اشباحی
رنگباخته ،باسینه مشبّك ،برمانگرانند :
اشباح آشنا ،اشباح زِنهارگوی شهیدان !
رزمنده انقلاب بودن وظیفه ای است شگرف .
بگذارتادربرابریاران پیمان راتازه‌کنیم :
که :دوست راودشمن را
گذشته وآینده راازیادنبریم !

آزادی را در نیمه راه به زور یا فریب نفروشیم ،
هشیاری را در پای خوشباوری نریزیم ،
و از رزمی به رزمی ، و از ستیغی به ستیغی تا پایان برویم
و با ساروج اتحاد خانه خلق را محکم کنیم
تا کودک آرزو در زیر آوار فاجعه جان نسپرد .
و دیو گریخته از روزن غفلت بدرون نخزد .

آری ، آغاز کردن دشوار است و بپایان رساندن دشوارتر .

ا . ط .

اسفند ۱۳۵۷

D O N Y A
Political and Theoretical Organ
of the Central Commitee of the
Tudeh Party of Iran

March 1979, No 12

Price in:	بهـای تکفروشی در کتابفروشیها و کیوسك ها :
U.S.A.....	0.4 Dollar
Bundesrepublik	1.00 Mark
France.....	2.50 franc
Italia.....	250 Lire
Osterreich.....	7.00 Schilling
England	4 shilling

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

بها برای کسانی که مجله را در خارج از کشور بوسیله پست دریافت میکنند ۲ مـارك و معادل آن بسایر ارزها

« دنیـا » را بخوانید و به پخش آن یاری رسانید !

با ما به آدرس زیر مکاتبه کنید :

Tudeh Publishing Center
P. O. Box 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

حساب بانکی مـا :

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

دنیـــا

نشریه سیاسی و تئوریك کمیته مرکزی حزب توده ایران
چاپخانه " زالتس لاند " ۳۲۵ شتاسفورت
بها در ایران ۱۵ ریال Index 2